

درس سوم

آموزش قواعد

مفعول مطلق و مفعول فيه

* مفعول مطلق: مصدری است منصوب، از جنس فعل جمله یا هم معنی با آن که جهت تأکید بر وقوع فعل یا بیان نوع وقوع فعل یا تعداد دفعات وقوع فعل به کار می رود. بنابراین دارای انواع زیر است:

۱- مفعول مطلق تأکیدی

اگر مصدر منصوب فعل جمله، به تنهایی و بدون مضاف الیه یا صفت در جمله به کار رود به آن مفعول مطلق تأکیدی می گویند. کاربرد مفعول مطلق تأکیدی، رفع شک شنونده است.

جاهدوا فی سبیل الله مجاهدَةً (جهاداً).
مفعول مطلق تأکیدی و منصوب

أستغفر الله إستغفاراً.
مفعول مطلق تأکیدی و منصوب

كَأَنَّ شِبَابَنَا أَسَوْدُ هَاجَمُوا الْعَدُوَّ مَهَاجِمَةً.
من يُطْعِ اللهَ وَرَسُولَهُ إِطَاعَةً، يَنْجَحُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.
تَكَلَّمْتُ مَعَ طَالِبَاتِي حَوْلَ النَّصِّ تَكَلِّمًا.

اصبر فی سبیل الحق صبراً.
اللهم وَفَّقْنَا لِرِعَايَةِ حَقِّكَ ذِي الْحَقِّ تَوْفِيقًا.
ابْتَسَمْتُ أُمِّي فِي وَجْهِهِ إِبْتِسَامًا فَفَرَحْتُ مِنْ ذَلِكَ.

نکته ۱

در ترجمه مفعول مطلق تأکیدی از کلماتی مانند «قطعاً، بدون شک، حتماً، کاملاً و» استفاده می شود.
- کَلَّمَ اللهُ مُوسَى تَكْلِيمًا: خدا با موسی قطعاً سخن گفت.
- اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا: خدا را حتماً یاد کنید.

تست

«نَزَلَ اللَّهُ الْقُرْآنَ تَنْزِيلًا» تقول هذه العبارة لمن ...
(۱) يشك في وقوع الفعل.
(۳) يريد كيفية وقوع الفعل.
پاسخ: گزینه (۱)
با توجه به مفعول مطلق تأکیدی بودن «تنزیلاً»

(۲) يجهل زمن وقوع الفعل.
(۴) يسأل سبب وقوع الفعل.

۲- مفعول مطلق نوعی (بیانی)

اگر مصدر منصوب فعل جمله، همراه با مضاف الیه یا صفت به کار رود به آن مفعول مطلق نوعی می گویند.
كَانَ النَّبِيُّ يَجْلِسُ إِلَى الطَّعَامِ جُلُوسَ الْعَبْدِ.
مفعول مطلق نوعی و منصوب مضاف الیه و مجرور
من يَطْعِ اللهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا.
مفعول مطلق نوعی و منصوب صفت و منصوب

قَرَأْتُ آيَاتَ مِنَ الْقُرْآنِ قِرَاءَةً تُؤَثِّرُ فِي الْقَلْبِ.
مفعول مطلق نوعی جمله ی وصفیه

الْبِرُّ أَنْ تَعْمَلَ فِي السِّرِّ عَمَلَ الْعَلَانِيَةِ.
مضاف الیه و مجرور

علينا أن نحترم الاولادَ احتراماً يأخذونَ منه الدرس.
أَكْمَلَ اللهُ لَنَا دِينَنَا إِكْمَالًا حَقِيقِيًّا بِرَسُولِنَا.

ابْتَسَمَ النَّبِيُّ لَهُمْ إِبْتِسَامَةً الْأَبِ الْحَنُونِ.
أَحْسَنَ إِحْسَانٍ مَنْ يَعْرِفُ أَنَّ اللَّهَ مُجَازِيهِ.

نکته ۲

در ترجمه مفعول مطلق نوعی از کلمات «همچون ...، مانند ...، به نیکی، بسیار، سخت و ...» استفاده می کنیم.
- اصبر صبراً جميلاً: به نیکی صبر کن.
- كان النبي (ص) يجلس على الطعام جلوس العبد: پیامبر (ص) برای غذا همچون بنده می نشست.



نکته‌ی ۳

گاهی اوقات مصدر فعل جمله در مفعول مطلق نوعی حذف می‌شود و صفت آن به تنهایی به کار می‌رود. در این حالت به آن صفت، **جانشین مفعول مطلق** می‌گویند.

– اذکروا الله **کثیراً** ← در اصل: اذکروا الله **ذکراً کثیراً**.

– تعجبت **کثیراً** ← در اصل: تعجبت **تعجباً کثیراً**.

– لا يستطيع الانسان أن يغوص في البحر **اکثر** من عشرين متراً ← در اصل: ... أن يغوص في البحر **غوصاً** **اکثر** ...

نکته‌ی ۴

گاهی اوقات فعل جمله حذف می‌شود و مصدر جمله به تنهایی به کار می‌رود. در این حالت کلمات زیر نیز مفعول مطلق هستند به شرط آن‌که نقش دیگری در جمله نداشته باشند: «**حقاً، جداً، أيضاً، شکراً، صبراً، مهلاً، عفواً، حمداً لله، سبحان الله، معاذ الله، سمعاً و طاعةً و ...**» (برای پیدا کردن مفعول مطلق ابتدا به سراغ مصدرهای فعل‌های جمله می‌رویم و سپس مصدرهای منصوب فوق را به شرط این‌که نقش دیگری نداشته باشند مشخص می‌کنیم.)

تمرین

در کدام یک از جمله‌های زیر مفعول مطلق به‌کار رفته است؟

- ۱- إن في ذلك **حقاً**.
- ۲- أنت أخى **حقاً**.
- ۳- لماذا تأخرت يا مريم؟ - **عفواً**.
- ۴- ماذا تفعل عندما تتقدم؟ - أطلب **عفواً**.
- ۵- كيف حالک؟ - **شکراً** لله.
- ۶- كان عملک **شکراً** لله.

🔍 جواب:

- در عبارت (۱)، «حقاً» اسم موخر **إن** است و در عبارت (۲)، «حقاً» با توجه به این‌که نقشی از نقش‌های اصلی جمله را ندارد، مفعول مطلق است.
- در عبارت (۳)، «عفواً» مفعول مطلق است و در عبارت (۴)، «عفواً» مفعول به و منصوب است.
- در عبارت (۵)، «شکراً لله» مفعول مطلق است و در عبارت (۶)، «شکراً» خبر **كان** و منصوب است.

تست

عین المفعول المطلق:

- (۱) يجب علينا أن نتعد عن اليأس و القنوط **جداً!**
 - (۲) إن القرآن يطالب أبناء البشر بالتفكر جميعاً!
 - (۳) من يعتمد على نفسه يجب أن لا يخاف **خطراً!**
 - (۴) أن الله يذل كل جبار من أحفاد الشيطان منذراً!
- پاسخ: گزینه‌ی (۱)
در این گزینه «جداً» مفعول مطلق است.

نکته‌ی ۵

اگر جمله‌ای با مصدر منصوب شروع شود، آن مصدر منصوب حتماً مفعول مطلق است.
– **صبراً** في مجال التعلیم. – **شکراً** کثیراً علی تکریم الشهداء یا ذوی المعرفه!

تست

عین ما فيه المفعول المطلق:

- (۱) لقمة تناولت ثم خرجت سريعاً!
 - (۲) اجتناباً عن السيئات؛ يا ابنتي العزيزة!
 - (۳) جالساً تكلمت ثم قمت و ذهبت!
 - (۴) مبتسماً تكلمت مع زميلي حتى يعود!
- پاسخ: گزینه‌ی (۲)
«اجتناباً» مصدر منصوب است ولی سایر کلمه‌ها (لقمة، جالساً، مبتسماً) مصدر نیستند پس مفعول مطلق هم نیستند.

* مفعول فیه: اسمی است منصوب که زمان وقوع فعل یا مکان وقوع فعل را نشان می‌دهد. اگر زمان وقوع فعل را مشخص کند به آن ظرف زمان و اگر مکان وقوع را مشخص کند به آن ظرف مکان می‌گویند. (اسامی مانند «یوم، صباح، قبل، بعد، لیل، نهار، فوق، أمام، أثناء، وراء، عند، تحت و...») سیح بحمد ربک قبل طلوع الشمس. نذهب الى المدرسة صباحاً. الكتاب فوق المنضدة. بعد ترک الحرص ستكون معيشتك راحة. ما أبصر الشباب و أسمعهم أيام الكفاح ضد العدو. صليت يوم الجمعة خلف الإمام في مصلى المدينة.

نکته ۶

در معنا و مفهوم مفعول فیه یک حرف «فی» به معنای «در» وجود دارد.

تمرین

در کدام عبارت‌ها مفعول فیه به کار رفته است؟

- ۱- اليوم اكملت لكم دينكم.
 - ۲- يوم الجمعة يوم مبارك.
 - ۳- خلق الله الليل والنهار.
 - ۴- دعوت قومي ليلاً ونهاراً.
 - ۵- نحب كلنا يوم الجمعة.
 - ۶- مضت هذه الايام و وصلنا الى نهايتها.
- △ جواب: در عبارت (۱) و (۴) کلمات «اليوم» و «ليلاً» مفعول فیه هستند ولی در عبارت (۲)، «يوم» به ترتیب مبتدا و خبر، در عبارت (۳)، «الليل» مفعول به، در عبارت (۵)، «يوم» مفعول به و در عبارت (۶)، «هذه» فاعل و محلاً مرفوع است.

نکته ۷

اگر قبل از اسامی فوق، حرف جرّ قرار بگیرد مفعول فیه نیستند بلکه جار و مجرور هستند.
نذهب الى المدرسة في الصباح.
جار و مجرور

نکته ۸

کلمات «أين، متى، إذا، أينما» اگر قبلشان حرف جرّ نیامده باشد، مفعول فیه و محلاً منصوب هستند.

تست

- عین ما ليس فيه المفعول فيه:
- ۱) اليوم اكملت لكم دينكم.
 - ۲) اذا جاءت الحسنات تذهب السيئات.
 - ۳) أينما تذهب تجد النصر للحق.
 - ۴) اليوم يوم يرزقنا الله فيه نعماً كثيرة.
- پاسخ: گزینه‌ی (۴)
کلمات «اليوم»، «اذا» و «أينما» مفعول فیه هستند. ولی در گزینه‌ی (۴) «اليوم» مبتدا و «يوم» خبر است.

نکته ۹

اگر پس از کلمات «كل»، «بعض» و اسامی اشاره، کلماتی بیاید که به زمان یا مکان مربوط باشد این اسامی مفعول فیه خواهند بود، به شرط آن‌که در مفهومشان حرف «در» وجود داشته باشد.
- البحر هادي هذه الايام: دریا در این روزها آرام است.
- كل اسبوع نذهب لزيارة جدنا: در هر هفته به زیارت پدر بزرگمان می‌رویم.

نکته ۱۰

برخی ظرف‌ها مانند «عند» بین زمان و مکان مشترک هستند که تنها از معنا و در جمله قابل تشخیص هستند.
وصلت عند غروب الشمس. جلس عند العالم.
ظرف زمان ظرف مکان



تست

عین العبارة التي تعيّن مكان وقوع الفعل:

(۱) هو الذي ارسل رسولُه بالهدى.

(۳) طلب الطفل من أمّه ان تجلس عنده.

پاسخ: گزینه‌ی (۳)

مفعول فيه و ظرف مکان است. دقت کنید که در گزینه‌ی (۲) «اذا» ظرف زمان است.

(۲) اذا تمّ العقل نقص الكلام.

(۴) البرّ أن تعمل خيراً فيه صلاحك!

نکته‌ی ۱۱

برخی ظروف زمان و مکان مانند «الآن، أمس، حيثُ، هنا، هناك و ...» مبنی هستند و سایر ظروف مانند «عندَ، قبلَ، بعدَ و ...» معرب هستند.

نکته‌ی ۱۲

نکته‌ی مهم: برخی افعال عربی با دو مفعول به کار می‌روند: آتی، أعطی، جعل، رزق، ألّبس، بلّغ، أذاق (چشانند)، زاد و ... أعطى المديرُ التلميذَ الناجحَ جائزةً.

مفعول اول	مفعول دوم
و منصوب	و منصوب

لغات درس سوم:

الأبحاث: ج البحث: پژوهش، تحقیق	تلقی: دریافت کرد	صَرَفَ: به شکل‌های مختلف آورد
أَتَمَّ (أَتَمَ): تمام کرد	الثقافة: فرهنگ	ظاهرة: پدیده
الاحمر: قرمز	الجُسيم: جسم کوچک	العشرين: بیست
اختفی: پنهان شد	الحائز: به‌دست آورنده	العلانية: آشکار، آشکارا
الأخرى: دیگر	الحديث: جدید	على مَرَّ العصور: در گذر عصرها
أذهب: برد	الحسنة: نیکی	غاصَّ مَرَّ غوصاً: فرو رفت، غواصی کرد
أرجو: امید دارم	الحصول على: به‌دست آوردن	عَشِيَ مَرَّ عَشِياناً: در بر گرفت
الأزرق: آبی	الحفلة: جشن، مراسم	الفخمة: با شکوه، بزرگ
استراح: استراحت کرد *	الحكم: داور	الفئات: ج الفئة: گروه، دسته
استنتج: نتیجه گرفت	الحنون: مهربان	قامَ بـ: انجام داد، اقدام کرد *
الأسود: سیاه	حيًا: سلام کرد، تحیت گفت	القرين: جفت، همراه
إصرف: بازدار	خاطب: خطاب کرد	اللجئ: عمیق
أظلم: تاریکتر	الخفي: مخفی، پنهان	المأتين: دو یست
اقتصر: محدود شد	الدم: خون	المثابة: مانند
أكمل: کامل کرد	الذكر: نر	المثابة: پایداری، استقامت
الأمل: آرزو، امید	رتل: با دقت و آرامش تلاوت کرد	مزح مَرَّ مزحاً: شوخی کرد، مزاح کرد
الامسى: به مکتب نرفته، بیسواد، فاقد سواد	سأل مَرَّ سیلاً: جاری شد	المسألة: درخواست، مسألت
خواندن و نوشتن	السخط: خشم، غضب	المعدات: تجهیزات
الأنثى: ماده	السديد: محکم و استوار	المنقوص: کم شده
البالغ: فراوان	سُمي: نامیده شد	المیقات: زمان ملاقات و دیدار
بدأ مَرَّ بدايةً: آغاز کرد	سَئَرِهِم: به زودی به آنان نشان خواهیم داد.	نُرى: مینمایانیم، نشان میدهم
البر: نیکی، خوبی	الشحنة: بار، بار الکتریکی	النواة: هسته
بعضها عن بعض: با یکدیگر، نسبت به یکدیگر	الشعاع الضوئي: شعاع نوری	واجبات: تکالیف
البهجة: شادمانی	الشعور: احساس	يتكوّن: تشکیل میشود
البيئة: محیط	صدق: باور کرد *	اليك: بگير
تحنناً: مهربانی	الصدق: راستی، راستگویی	يوم الفصل: روز جدایی
تذكر: پند گرفت	صرح: تصریح کرد، آشکار کرد	



متن درس:

✽ «سنریهم آیاتنا...»

✗ نشان‌های خویش را به آنان نشان خواهیم داد ...

س: حرف / نری: فعل و فاعل آن «نحن» مستتر (مضارع از باب افعال و دومفعولی) / هم: مفعول اول و محلاً منصوب / آیات: مفعول دوم و منصوب به کسره / نا: مضاف‌الیه و محلاً مجرور /
 ❶ قواعد: نری: فعل مهموز ناقص (رای) مضارع باب افعال: اری، یری /

✽ نزل الله القرآن تنزیلاً لهدایة انسان. «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ»

✗ قطعاً خدا قرآن را برای هدایت انسان فرو فرستاد. «همانا این قرآن به آن چه استوارتر است (استوارترین آیین‌ها) هدایت می‌کند.»
 نزل: فعل و فاعل آن اسم ظاهر / الله: فاعل و مرفوع / القرآن: مفعول و منصوب / تنزیلاً: مفعول مطلق تأکیدی و منصوب / لهدایة: جار و مجرور / الانسان: مضاف‌الیه و مجرور / إن: از حروف مشبیه / هذا: اسم آن و محلاً منصوب / القرآن: عطف بیان و منصوب (اسم اشاره + اسم ال‌دار و جامد، عطف بیان است.) / یهدی: خبر آن و محلاً مرفوع / للتی: جار و مجرور محلاً / هی: مبتدا و محلاً مرفوع / أقوم: خبر و مرفوع (هی اقوم: جمله‌ی صله است.)
 ❶ قواعد: تنزیلاً: مفعول مطلق تأکیدی و منصوب / یهدی: فعل ناقص (ه دی)

✽ فالقرآن یُخاطب جمیع أبناء البشر بثقافتهم المختلفة علی مَرِّ العصور.

✗ پس قرآن همه‌ی فرزندان (افراد) بشر را با فرهنگ‌های گوناگونشان در طول دوره‌ها (در گذر دوران‌ها) مورد خطاب قرار می‌دهد.
 القرآن: مبتدا و مرفوع / یُخاطب: خبر و محلاً مرفوع / جمیع: مفعول و منصوب / أبناء، البشر: مضاف‌الیه و مجرور / بثقافة: جار و مجرور / هم: مضاف‌الیه و مجرور محلاً / المختلفة: صفت و مجرور (اگر کلمه‌ای هم مضاف‌الیه و هم صفت داشته باشد، ابتدا مضاف‌الیه و سپس صفت ذکر می‌شود.) / علی مَرِّ: جار و مجرور / العصور: مضاف‌الیه و مجرور /

✽ فلهذا نری أسالیب دعوته یختلف بعضها عن بعضٍ اختلافاً کبیراً.

✗ بنابراین روش‌های دعوت آن را می‌بینیم در حالی که نسبت به یک‌دیگر بسیار تفاوت دارند.
 لهذا: جار و مجرور محلاً / نری: فعل مضارع و فاعل آن نحن مستتر / أسالیب: مفعول و منصوب (غیرمنصرف است.) / دعوة: مضاف‌الیه و مجرور / ه: مضاف‌الیه و محلاً مجرور / یختلف: جمله‌ی حالیه و محلاً منصوب / بعض: فاعل و مرفوع / ها: مضاف‌الیه و محلاً مجرور / عن بعض: جار و مجرور / اختلافاً: مفعول مطلق نوعی و منصوب / کبیراً: صفت و منصوب /
 ❶ قواعد: اختلافاً: مفعول مطلق نوعی و منصوب (بعد از آن صفت آمده است.) / نری: فعل مهموز و ناقص (ر ای)

✽ فقد استخدم القرآن البراهین و الأدلة المتنوعة لتشمل جمیع الفئات المختلفة.

✗ و قرآن برهان‌ها و دلایل گوناگونی را به کار گرفته است تا همه‌ی گروه‌های مختلف را دربرگیرد.
 قد: حرف تحقیق / استخدم: فعل و فاعل آن اسم ظاهر / القرآن: فاعل و مرفوع / البراهین: مفعول و منصوب (غیرمنصرف) / الأدلة: معطوف به مفعول و منصوب / المتنوعة: صفت و منصوب / لتشمل: مضارع منصوب به فاعل آن «هی» مستتر / جمیع: مفعول و منصوب / الفئات: مضاف‌الیه و مجرور / المختلفة: صفت و مجرور (چون «الفئات» جمع غیرعاقل است صفت، مفرد مؤنث آمده است.)

✽ «و لقد صرّفنا فی هذا القرآن للناس من کلّ مثل.»

✗ ما در این قرآن برای مردم از هر مثلی آورده‌ایم.

ل: حرف تأکید / قد: حرف تحقیق / صرّفنا: فعل و فاعل آن «نا» (از باب تفعیل) / فی هذا: جار و مجرور محلاً / القرآن: عطف بیان و مجرور / للناس، من کلّ: جار و مجرور / مثل: مضاف‌الیه و مجرور

✽ و الآیات العلمیة فی القرآن هی بعضُ هذه البراهین الّتی تُخاطبُ الانسان الّذی لا یطمئنُّ قلبه اطمیناناً تاماً، إلا عن طریق العلم و التجربة.

✗ و آیات علمی در قرآن (در واقع) برخی از این برهان‌هاست که انسانی را که دلش کامل آرامش پیدا نمی‌کند مگر از راه علم و تجربه (آزمایش) مخاطب قرار می‌دهد. [فقط از راه دانش و تجربه (حس) به‌طور کامل آرام می‌گیرد].

الآیات: مبتدا و مرفوع / العلمیة: صفت و مرفوع / فی القرآن: جار و مجرور / هی: ضمیر فصل / بعض: خبر و مرفوع / هذه: مضاف‌الیه و محلاً مجرور / البراهین: عطف بیان و مجرور / الّتی: صفت و محلاً مجرور / تُخاطبُ: فعل و فاعل آن «هی» مستتر (از باب مفاعلة) / الانسان: مفعول و منصوب / الّذی: صفت و محلاً منصوب / لا یطمئنُّ: فعل و فاعل آن اسم ظاهر (فعل مضارع رباعی مزید است - مخصوص رشته‌ی انسانی) / قلب: فاعل و مرفوع / ه: مضاف‌الیه و مجرور / اطمیناناً: مفعول مطلق نوعی و منصوب / تاماً: صفت و منصوب / إلا: حرف استثناء / عن طریق: جار و مجرور / العلم: مضاف‌الیه و مجرور / التجربة: معطوف به مضاف‌الیه و مجرور
 ❶ قواعد: اطمیناناً: مفعول مطلق نوعی و منصوب (مصدر رباعی مزید)

متن درس:

* والیک الآن بعض هذه الآيات:

☑ اکنون به برخی از این آیات توجه کن:

الیک: جار و مجرور محلاً (به معنای «خُذْ بگیری») / الآن: مفعول فيه و محلاً منصوب / بعض: مفعول به و منصوب برای اسم فعل «الیک» / هذه: مضاف الیه و محلاً مجرور / الآيات: عطف بیان و مجرور /

* ظلمات البحر

☑ تاریکی های دریا

* «أو كظلمات في بحر لجي يغشاه موج من فوقه موج..... ظلمات بعضها فوق بعض»

☑ یا همچون تاریکی هایی در دریایی عمیق است که موجی سوار بر موج دیگر آن را می پوشاند (در بر می گیرد) تاریکی هایی که یکی بالای دیگری است (تاریکی هایی بر روی یکدیگر).

أو: حرف عطف / كظلمات: جار و مجرور / في بحر: جار و مجرور / لجي: صفت و مجرور / يغشاه: فعل مضارع و ضمیر «ه» مفعول و فاعل آن اسم ظاهر (جمله ی «يغشاه موج» جمله ی وصفیه برای «بحر» و محلاً مجرور) / موج: فاعل و مرفوع / من فوق: جار و مجرور (خبر مقدم و محلاً مرفوع) / ه: مضاف الیه و محلاً مجرور / موج: مبتدای مؤخر و مرفوع («من فوقه موج»: جمله ی وصفیه برای «موج» اول) / ظلمات: مبتدا و مرفوع / بعض: مبتدا و مرفوع / ها: مضاف الیه و محلاً مجرور / فوق: خبر برای «بعض» و محلاً مرفوع، ظرف مکان / بعض: مضاف الیه و مجرور (بعضها فوق بعض: خبر جمله ی اسمیه برای «ظلمات» و محلاً مرفوع) / قواعده: يغشى: فعل ناقص (غ ش ی) اعلاله بالقلب / فوق: مفعول فيه و ظرف مکان /

* أخبرنا القرآن بظاهرة ظلمة البحر إخباراً عجيباً وهذا امر لم يُكتشف إلا في القرن الأخير.

☑ قرآن به شکلی عجیب درباره ی پدیده ی تاریکی دریا به ما خبر داده است و این امری است که جز در قرن اخیر کشف نشده است. أخبر: فعل و فاعل آن اسم ظاهر / نا: مفعول و محلاً منصوب / القرآن: فاعل و مرفوع / بظاهرة: جار و مجرور / ظلمة و البحر: مضاف الیه و مجرور / إخباراً: مفعول مطلق نوعی و منصوب (آن را با «أخباراً» که جمع مکسر است اشتباه نگیریم) / عجيباً: صفت و منصوب / و: حرف عطف / هذا: مبتدا و محلاً مرفوع / امر: خبر و مرفوع / لم يُكتشف: جمله ی وصفیه و محلاً مرفوع (فعل مضارع مجزوم است - فعل مجهول و نائب فاعلش «هو» مستتر) / الا: حرف استثناء و حصر / في القرن: جار و مجرور / الاخير: صفت و مجرور / قواعده: إخباراً: مفعول مطلق نوعی و منصوب /

* لقد كان الانسان في الماضي لا يستطيع أن يغوص في البحر أكثر من عشرين متراً. و لم تكن هناك ظلمة.

☑ در گذشته انسان نمی توانست بیش از بیست متر در دریا فرو رود (غواصی کند). و در آن جا تاریکی ای نبود.

ل: حرف تاکید / قد: حرف تحقیق / كان: از افعال ناقصه / الانسان: اسم کان و مرفوع / في الماضي: جار و مجرور تقدیراً / لا يستطيع: خبر کان و محلاً منصوب (فعل و فاعل آن «هو» مستتر) / أن يغوص: مضارع منصوب و فاعل آن «هو» مستتر («أن يغوص»: مفعول برای «يستطيع») / في البحر: جار و مجرور / أكثر: صفت جانشین مفعول مطلق (در اصل «غوصاً اکثر» بوده است) / من عشرين: جار و مجرور به «ی» / متراً: تمیز عدد و منصوب / لم تكن: از افعال ناقصه و مجزوم / هناك: خبر مقدم کان و محلاً منصوب (ظرف مکان) / ظلمة: اسم مؤخر کان و مرفوع / قواعده: كان: فعل معتل و اجوف (ک و ن) اعلاله بالقلب / لا يستطيع: فعل معتل و اجوف (ط و ع) اعلاله بالقلب / لم يكن: فعل معتل و اجوف (ک و ن) اعلاله بالحذف و مجزوم / أكثر: صفت جانشین مفعول مطلق و منصوب، غیر منصرف است و تنوین نمی گیرد. / هناك: مفعول فيه و ظرف مکان / يغوص: فعل معتل و اجوف (غ و ص) اعلاله بالاسکان / توبیه: كان + فعل مضارع ← ماضی استمراری ترجمه می شود.

* ولكنه الآن يغوص في أعماق البحار غوصاً أكثر من مائتي متر بواسطة المعدات الحديثة فنجد هناك ظلاماً شديداً.

☑ اما او اکنون به وسیله ی تجهیزات جدید در اعماق دریایا بیش از دویست متر فرو می رود (غواصی می کند) و ما در آن جا تاریکی شدیدی را می یابیم.

و: حرف عطف / لكن: از حروف مشبهة بالفعل / اسم لکن و محلاً منصوب / الآن: مفعول فيه و منصوب محلاً / يغوص: خبر لکن و محلاً مرفوع / في اعماق: جار و مجرور / البحار: مضاف الیه و مجرور / غوصاً: مفعول مطلق نوعی / أكثر: صفت و منصوب / من مائتي: جار و مجرور به «ی» (مائتين) / متر: مضاف الیه و مجرور (تمیز عدد) / بواسطة: جار و مجرور / المعدات: مضاف الیه و مجرور (اسم مفعول) / الحديثة: صفت و مجرور / فن: حرف عطف / نجد: فعل مضارع و فاعل آن «نحن» مستتر / هناك: مفعول فيه و منصوب محلاً / ظلاماً: مفعول و منصوب / شديداً: صفت و منصوب / قواعده: الآن: مفعول فيه و منصوب محلاً (مبنی است) / يغوص: فعل معتل و اجوف (غ و ص)، اعلاله بالاسکان / غوصاً: مفعول مطلق نوعی و منصوب / هناك: مفعول فيه و ظرف مکان و محلاً منصوب / نجد: فعل معتل و مثال (و ج د)، اعلاله بالحذف /



متن درس:

* تُعطينا الآية صورةً أخرى عن البحر و هي وجود طبقاتٍ مختلفةٍ من الظلمة، بعضها أظلم من الأخرى!

✓ این آیه تصویر دیگری از دریا به ما می‌دهد و آن وجود طبقات گوناگونی از تاریکی است که بعضی از آن‌ها تاریک‌تر از برخی دیگر است.
تُعطي: فعل و فاعل آن اسم ظاهر (از باب افعال) / نا: مفعول اول و محلاً منصوب / الآية: فاعل و مرفوع / صورة: مفعول دوم و منصوب / أخرى: صفت و تقدیراً منصوب (مونث «آخر»)/ عن البحر: جار و مجرور / و: حرف عطف / هي: مبتدا و محلاً مرفوع / وجود: خبر و مرفوع / طبقات: مضاف‌الیه و مجرور / مختلفة: صفت و مجرور / من الظلمة: جار و مجرور / بعض: مبتدا و مرفوع / ها: مضاف‌الیه و محلاً مجرور / أظلم: خبر و مرفوع / من الأخرى: جار و مجرور تقدیراً («بعضها أظلم» جمله‌ی وصفیه برای «طبقات» و محلاً مجرور) /
قواعد: تُعطي: فعل معتل و ناقص (ع ط ی)، اعلاله بالاسکان، مضارع از باب افعال /

* قَدْ اثبتت الاكتشافات الحديثة أنَّ الشعاع الضوئي يتكوَّن من سبعة ألوان.

✓ اکتشافات جدید اثبات کرده است که شعاع نوری از هفت رنگ تشکیل می‌شود.

قَدْ: حرف تحقیق / أثبتت: فعل و فاعل آن اسم ظاهر / الاكتشافات: فاعل و مرفوع / الحديثة: صفت و مرفوع / أنَّ: از حروف مشبّهة / الشعاع: اسم آن و منصوب / الضوئي: صفت و منصوب / يتكوَّن: خبر آن و محلاً مرفوع / من سبعة: جار و مجرور / ألوان: تمیز عدد /
قواعد: يتكوَّن: فعل معتل و أجوف (ک و ن)، از باب تفعّل، دون الاعلال /

* فاللون الأحمر أوّل لونٍ يختفي في البحر!

✓ پس رنگ قرمز اولین رنگی است که در دریا ناپدید می‌شود.

اللون: مبتدا و مرفوع / الأحمر: صفت و مرفوع / أوّل: خبر و مرفوع / لون: مضاف‌الیه و مجرور / يختفي: جمله‌ی وصفیه و محلاً مجرور / في البحر: جار و مجرور /
قواعد: يختفي: فعل معتل و ناقص (خ ف ی)، از باب افتعال، اعلاله بالاسکان /

* فَإِنْ جُرِحَ غَوَاصٌّ جَرَحاً شديداً و سَالَ مِنْهُ الدَّمُ لَا يَرَى دَمَهُ إِلَّا بِاللَّوْنِ الْأَسْوَد!

✓ بنابراین اگر غواصی به شدت زخمی شود و خون از او جاری گردد، خون خود را جز به رنگ سیاه نمی‌بیند (خون خود را فقط به رنگ سیاه می‌بیند).

إِنْ: حرف شرط / جُرِحَ: فعل شرط و محلاً مجزوم و مجهول / غَوَاصٌّ: نائب فاعل و مرفوع / جَرَحاً: مفعول مطلق نوعی و منصوب / شديداً: صفت و منصوب / سَالَ: فعل و فاعل آن اسم ظاهر (معطوف به «جُرِحَ»)/ مِنْهُ: جار و مجرور محلاً / الدَّمُ: فاعل و مرفوع / لَا يَرَى: فعل و فاعل آن «هو» مستتر (جواب شرط) / دَمَ: مفعول و منصوب / ه: مضاف‌الیه و محلاً مجرور / إِلَّا: حرف حصر / بِاللَّوْنِ: جار و مجرور / الْأَسْوَد: صفت و مجرور /
قواعد: سَالَ: فعل و أجوف (س ی ل)، اعلاله بالقلب / يَرَى: فعل معتل و ناقص و مهموز (ر آ ی)، اعلاله بالقلب /
توجه: جواب شرط و فعل شرط باید مجزوم باشند، ولی اگر فعل شرط، ماضی و جواب شرط مضارع باشد می‌تواند جواب شرط مجزوم نشود و می‌تواند مجزوم باشد.

* و كلّ لونٍ يختفي يُسبَّبُ جزءاً من الظلمة.

✓ و هر رنگی که پنهان می‌گردد بخشی از تاریکی را باعث می‌شود (به وجود می‌آورد).

كلّ: مبتدا و مرفوع / لون: مضاف‌الیه و مجرور / يختفي: جمله‌ی وصفیه و محلاً مجرور / يُسبَّبُ: خبر و محلاً مرفوع / جزءاً: مفعول و منصوب /
من الظلمة: جار و مجرور /

* و آخرُ الألوانِ هو اللونُ الأزرقُ الَّذي يختفي في عمق ٢٠٠ متر (مائتي متر) و من هناك ظلمةٌ كاملةٌ.

✓ و آخرین رنگ‌ها همان رنگ آبی است که در عمق دویست متری پنهان می‌شود و از آن‌جا (به بعد) تاریکی کامل است!

آخر: مبتدا و مرفوع / الألوان: مضاف‌الیه و مجرور / هو: ضمیر فصل / اللون: خبر و مرفوع / الأزرق: صفت و مرفوع / الَّذي: صفت و محلاً مرفوع /
يختفي: فعل و فاعل آن «هو» مستتر / في عمق: جار و مجرور / مائتي: مضاف‌الیه و مجرور / متر: مضاف‌الیه و مجرور (تمیز عدد) / من هناك: خبر مقدم (شبه جمله) و محلاً مرفوع / ظلمة: مبتدای مؤخر و مرفوع / كاملة: صفت و مرفوع /
قواعد: يختفي: مانند قبل /

* قرین المادّة

✓ پاد ماده

متن درس:

«و من کلّ شیءٍ خلقنا زوجین لعلکم تذكرون.»

☑ و از هر چیزی جفتی آفریدیم شاید شما پند بگیرید.

من کلّ: جار و مجرور / شیء: مضاف الیه و مجرور / خلقنا: فعل و فاعل آن «نا» / زوجین: مفعول و منصوب به «ی» / لعلّ: از حروف مشبّهة بالفعل / کم: اسم لعلّ و محلاً منصوب / تذكرون: خبر لعلّ و محلاً مرفوع /

«خلق الله الانسان وجعله زوجین ذکراً و أنثی.»

☑ خدا انسان را آفرید و او را جفت نر و ماده قرار داد.

خلق: فعل و فاعل آن اسم ظاهر / الله: فاعل و مرفوع / الانسان: مفعول و منصوب / جعل: فعل و فاعل آن «هو» مستتر / ه: مفعول اول و محلاً منصوب / زوجین: مفعول دوم و منصوب به «ی» / ذکر: بدل برای «زوجین» و منصوب / أنثی: عطف به «ذکر» و تقدیراً منصوب

«إنا خلقناکم من ذکرٍ و أنثی.» و لم يقتصر هذا النظام على الانسان بل شمل عالم النباتات. «و من کلّ الثمرات جعل فیها زوجین اثنين»

☑ «ما شما را از نر و ماده‌ای آفریدیم.» و این نظام بر انسان محدود نشده است بلکه دنیای گیاهان را نیز در بر گرفته است. «و از همه‌ی

میوه‌ها (ثمرات) در آن‌ها جفتی قرار داده است.»

إنا: حرف مشبّهة و اسم آن «نا» / خلقنا: خبر إنّ و محلاً مرفوع، فعل و فاعل آن «نا» / کم: مفعول و محلاً منصوب / من ذکر: جار و مجرور / أنثی: معطوف به «ذکر» و تقدیراً مجرور / لم يقتصر: فعل مجزوم و فاعل آن اسم ظاهر / هذا: فاعل و محلاً مرفوع / النظام: عطف بیان و مرفوع / علی الانسان: جارو مجرور / بل: حرف عطف / شمل: فعل و فاعل آن «هو» مستتر / عالم: مفعول و منصوب / النباتات: مضاف الیه و مجرور / من کلّ: جار و مجرور / الثمرات: مضاف الیه و مجرور / جعل: فعل و فاعل آن «هو» مستتر / فیها: جار و مجرور محلاً / زوجین: مفعول و منصوب به «ی» / اثنين: صفت و منصوب به «ی»

«اضافة الى ذلك نرى في الآية التالية شمولاً أكبر و اعم.» «و من کلّ شیءٍ خلقنا زوجین...»

☑ علاوه بر آن، در آیه‌ی زیر شمول (جامعیت) بزرگ‌تر و عام‌تری را می‌بینیم. «و از هر چیزی دو جفت را آفریدیم...»

اضافة: مفعول مطلق جانشین فعل و منصوب (در اصل «أضيف إضافة» بوده) / الى ذلك: جار و مجرور محلاً / نرى: فعل و فاعل آن «نحن» مستتر / فی الآية: جار و مجرور / التالية: صفت و مجرور / شمولاً: مفعول و منصوب / أكبر: صفت و منصوب (غیر منصرف است و تنوین نمی‌گیرد) / اعم: معطوف و منصوب (غیر منصرف) / من کلّ: جار و مجرور / شیء: مضاف الیه و مجرور / خلقنا: فعل و فاعل آن ضمیر «نا» / زوجین: مفعول و منصوب به «ی»

④ قواعد: إضافة: مفعول مطلق برای فعل محذوف / نرى: فعل معتل و ناقص و مهموز (رأی)، اعلاله بالحذف /

«فكلمة «شيء» تدلّ على الجماد أيضاً! فهل في الجماد زوجان؟!»

☑ و کلمه‌ی «چیز» بر جماد (اجسام بی‌جان) نیز دلالت می‌کند! آیا در میان اجسام بی‌جان (نیز) جفتی وجود دارد؟

کلمة: مبتدا و مرفوع / شیء: مضاف الیه و مجرور / تدلّ: خبر و محلاً مرفوع، فعل و فاعل آن «هی» مستتر / علی الجماد: جار و مجرور / ایضاً: مفعول مطلق جانشین فعل و منصوب / هل: حرف استفهام / فی الجماد: خبر مقدم و محلاً مرفوع (شبه جمله) / زوجان: مبتدای موخر و مرفوع به «الف» ④ قواعد: ایضاً: مفعول مطلق و منصوب /

«في السنوات الاخيرة اكتشف علماء الفيزياء أن الالكترون حينما يدور حول نواة المادة، كأن هناك جسيماً مجهولاً آخر يحمل شحنةً تخالف شحنة الالكترون سُمي بـ «قرين المادة» فاستنتج العلماء أن لكل جسم قريناً.»

☑ در سال‌های اخیر دانشمندان فیزیک کشف کرده‌اند که الکترون هنگامی که دور هسته‌ی ماده می‌چرخد، گویا در آن‌جا جسم کوچک ناشناخته‌ی دیگری وجود دارد که بار الکتریکی که مخالف بار الکترون است حمل می‌کند و «یاد ماده» نامیده می‌شود. پس دانشمندان نتیجه گرفتند که برای هر جسمی جفتی وجود دارد.

في السنوات: جار و مجرور / الاخيرة: صفت و مجرور / اكتشف: فعل و فاعل آن اسم ظاهر / علماء: فاعل و مرفوع / الفيزياء: مضاف الیه و مجرور / أن: از حروف مشبّهة / الالكترون: اسم آن و منصوب / حينما: مفعول فیه و منصوب / يدور: فعل و فاعل آن «هو» مستتر / حول: مفعول فیه و منصوب / نواة: مضاف الیه و مجرور / المادة: مضاف الیه و مجرور / كأن هناك...: خبر آن و محلاً مرفوع / كأن: از حروف مشبّهة بالفعل / هناك: خبر مقدم کان و محلاً مرفوع / جسيماً: اسم مؤخر کان و منصوب (مصغر (کوچک شده‌ی) جسم، بر وزن فَعِيل) / مجهولاً: صفت و منصوب / آخر: صفت و منصوب (غیر منصرف، مشتق و اسم تفضیل) / يحمل: جمله‌ی وصفیه و محلاً منصوب / شحنة: مفعول و منصوب / تخالف: جمله‌ی وصفیه برای «شحنة» و محلاً منصوب /



متن درس:

شِخْنة: مفعول و منصوب / الالکترون: مضاف الیه و مجرور / سُمی: جمله‌ی وصفیه و محلاً منصوب، فعل و نائب فاعل آن «هو» مستتر / ب «قرین»: جار و مجرور / المادّة: مضاف الیه و مجرور / استنتج: فعل و فاعل آن اسم ظاهر / العلماء: فاعل و مرفوع / أن لكلّ ...: مفعول و محلاً منصوب / أن: از حروف مشبّهة بالفعل / لكلّ: خبر مقدم آن و محلاً مرفوع / جسم: مضاف الیه و مجرور / قریناً: اسم مؤخر «أن» و منصوب / ⑤ قواعده: حیثما: مفعول فیه / حول: مفعول فیه و منصوب / هناك: مفعول فیه و محلاً منصوب / سُمی: فعل معتل و ناقص (س م ی) ماضی از باب تفعیل و مجهول

* إِنَّ الفيزيائي المسلم محمداً عبدالسلام الحائزَ على جائزة نوبل في الفيزياء و الذي قام بأبحاثٍ مهمّةٍ في موضوع قرائن المادّة، صرّحَ هذا الامر بعد حصوله على الجائزة تصريحاً عجيباً ...

☑ فیزیکدان مسلمان محمد عبدالسلام برنده‌ی جایزه‌ی نوبل در فیزیک و کسی که تحقیقات مهمی درباره‌ی موضوع «پاد ماده‌ها» انجام داده است، بعد از به‌دست آوردن جایزه به شگفتی به این امر تصریح کرد ...

إِنَّ: از حروف مشبّهة بالفعل / الفيزيائي: اسم إنّ و منصوب / المسلم: صفت و منصوب / محمداً: بدل از الفيزيائي و منصوب / عبد: بدل از «محمداً» / السلام: مضاف الیه و مجرور / الحائز: صفت برای «الفيزيائي» و منصوب / على جائزة: جار و مجرور / نوبل: مضاف الیه و مجرور به فتحه (غیر منصرف) / في الفيزياء: جار و مجرور / الذي: معطوف به الفيزيائي و منصوب محلاً / قام: فعل و فاعل آن «هو» مستتر / بأبحاث: جار و مجرور (جمع «بحث») / مهمّة: صفت و مجرور / في موضوع: جار و مجرور / قرائن، المادّة: مضاف الیه و مجرور / صرّح: خبر إنّ و محلاً مرفوع / هذا: مفعول و محلاً منصوب / الامر: عطف بیان و منصوب / بعد: مفعول فیه و منصوب / حصول: مضاف الیه و مجرور / ه: مضاف الیه و محلاً مجرور / على الجائزة: جار و مجرور / تصريحاً: مفعول مطلق و منصوب / عجيباً: صفت و منصوب / ⑤ قواعده: بعد: مفعول فیه و منصوب / تصريحاً: مفعول مطلق نوعی و منصوب / قام: فعل معتل و أجوف (ق و م)، اعلاله بالقلب

* حيث يُشير الى أنّ الآية القرآنيّة «و من كلّ شيء خلقنا زوجين ...» كانت بمثابة شعورٍ خفيٍّ و الهام قويٍّ له أثناء أبحاثه عن قرائن المادّة!

☑ آن جا که اشاره می‌کند به این که آیه‌ی قرآنی «و از هر چیزی جفتی را آفریدیم» در حین تحقیقاتش درباره‌ی پاد ماده‌ها مانند یک احساس پنهان و الهامی نیرومند برای او بوده است.

حيث: مفعول فیه و ظرف مکان و محلاً منصوب / يُشير: فعل و فاعل آن «هو» مستتر / الي: حرف جرّ / أن: از حروف مشبّهة بالفعل / الآية: اسم أنّ و منصوب / القرآنيّة: صفت و منصوب / و من كلّ ...: قبلاً ذکر شد / كانت بمثابة: خبر أنّ و محلاً مرفوع / كانت: از افعال ناقصه و اسم آن «هی» مستتر / بمثابة: خبر كانت و محلاً منصوب / شعور: مضاف الیه و مجرور / خفيّ: صفت و مجرور / الهام: معطوف به «شعور» و مجرور / قويّ: صفت و مجرور / له: جار و مجرور محلاً / أثناء: مفعول فیه و منصوب / أبحاث: مضاف الیه و مجرور / ه: مضاف الیه و محلاً مجرور / عن قرائن: جار و مجرور / المادّة: مضاف الیه و مجرور

قواعده: حيث: مفعول فیه و محلاً منصوب / أثناء: مفعول فیه و منصوب / يُشير: فعل معتل و أجوف (ش و ر)، مضارع از باب افعال، اعلاله بالقلب

* إِنَّ و رُود هذه الحقائق الفخمة و الدقيقة على لسانِ انسان أميٍّ عاش في بيئةٍ أميّةٍ دليلٌ على أنّه تلقّاها ممّن يعلم السّرّ في السماوات و الارض:

☑ همانا وارد شدن (جاری شدن) این حقیقت‌های ارزشمند و دقیق بر زبان انسانی درس نخوانده که در یک محیط بی‌سوادی زندگی می‌کرد نشانه‌ای بر آن است که او این‌ها را از کسی که نهان و پنهان را در آسمان‌ها و زمین می‌داند دریافت نموده است.

إِنَّ: از حروف مشبّهة / و رُود: اسم إنّ و منصوب / هذه: مضاف الیه و محلاً مجرور / الحقائق: تابع اسم اشاره و مجرور / الفخمة: صفت و مجرور / الدقيقة: معطوف به «الفخمة» و مجرور / على لسان: جار و مجرور / انسان: مضاف الیه و مجرور / أميٍّ: صفت و مجرور / عاش: جمله‌ی وصفیه و محلاً مجرور، فعل و فاعل آن «هو» مستتر / في بيئة: جار و مجرور / اميّة: صفت و مجرور / دليل: خبر أنّ و مرفوع / على: حرف جرّ / أن: از حروف مشبّهة / ه: اسم أنّ و منصوب محلاً / تلقّى: خبر أنّ و محلاً مرفوع / ها: مفعول و محلاً منصوب / ممّن: جار و مجرور محلاً / يعلم: فعل و فاعل آن «هو» مستتر / السّرّ: مفعول و منصوب / في السماوات: جار و مجرور / الارض: معطوف به مجرور به حرف جرّ / قواعده: عاش: فعل معتل و أجوف (ع ی ش) اعلاله بالقلب

* «قُلْ أَنْزَلَهُ الَّذِي يَعْلَمُ السَّرَّ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ»

☑ بگو آن را کسی فرو فرستاد که نهان و پنهان را در آسمان‌ها و زمین می‌داند.

قُل: فعل امر و فاعل آن «انت» مستتر / أنزل: فعل و فاعل آن اسم ظاهر / ه: مفعول و محلاً منصوب / الذي: فاعل و محلاً مرفوع / يعلم: فعل و فاعل آن «هو» مستتر / السّرّ: مفعول و منصوب / في السماوات: جار و مجرور / الارض: معطوف و مجرور

مول النص (درباره متن):

۱- انتخاب عنواناً آخر للنص على حسب ذوقك:

☑ بر حسب ذوق و سلیقه‌ی خودت عنوان دیگری برای متن انتخاب کن:

◉ ظلمات البحر ◉ الاعجاز العلمی فی القرآن ◉ عالم النباتات

☑ تاریکی‌های دریا ◉ اعجاز علمی در قرآن ◉ دنیای گیاهان

△ جواب: الاعجاز العلمی فی القرآن

۲- أجب عن الأسئلة: (به سؤالات جواب بده):

أجب: فعل و فاعل آن «أنت» مستتر، فعل اجوف و اعلاله بالحذف

۱- هل يخاطب القرآن جميع أبناء البشر؟

☑ آیا قرآن همه‌ی افراد بشر را مورد خطاب قرار می‌دهد؟

△ جواب: نعم يخاطب القرآن جميع أبناء البشر.

۲- ماذا اثبتت الاكتشافات الحديثة عن الضوء؟

☑ اکتشافات جدید درباره‌ی نور چه چیزی را اثبات کرده است؟

△ جواب: اثبتت أن الشعاع الضوئي يتكوّن من سبعة ألوان.

☑ ثابت کرده است که شعاع نورانی از هفت رنگ تشکیل می‌شود.

۳- هل يقتصر نظام الزوجين على الانسان فقط؟

☑ آیا نظام زوجیت فقط به انسان محدود می‌شود؟

△ جواب: لا. لا يقتصر هذا النظام على الانسان فقط بل يشمل عالم النباتات و الجماد أيضاً.

☑ نه. این نظام محدود به انسان نمی‌شود بلکه عالم گیاهان و اجسام بی‌جان را نیز شامل می‌شود.

۳- اكتب معنى المفردات التالية مستعیناً بالنص: (معنی کلمات زیر را با کمک متن بنویس).

☑ (۱) تاریکی دریاها (۲) غواصی کرد (۳) مردان درس ناخوانده (۴) زنان درس ناخوانده

△ جواب: (۱) ظلمة البحار (۲) غاص (للمؤنث: غاصت) (۳) الرجال الاميون (۴) النساء الاميات

إختبر نفسك

(الف) املأ الفراغ بالمفعول المطلق: (جای خالی را با مفعول مطلق پر کن):

۱- «و رتل القرآن...»

△ جواب: ترتيلاً

☑ و قرآن را کاملاً با آرامش و دقت تلاوت کن.

رتل: فعل امر و فاعل آن «أنت» مستتر (از باب تفعیل) / القرآن: مفعول و منصوب / ترتيلاً: مفعول مطلق تأکیدی و منصوب /

۲- نَزَلَ اللهُ القرآنَ

△ جواب: تنزيلاً

☑ قطعاً خدا قرآن را نازل کرد.

نَزَلَ: فعل و فاعل آن اسم ظاهر (از باب تفعیل) / الله: فاعل و مرفوع / القرآن: مفعول و منصوب / تنزيلاً: مفعول مطلق تأکیدی و منصوب

۳- يُحَاسِبُ الانسانَ يومَ القيامةِ

△ جواب: محاسبةً (حساباً)

☑ بی‌شک انسان در روز قیامت مورد حسابرسی واقع می‌شود.

يُحَاسِبُ: فعل مجهول و نائب فاعل آن اسم ظاهر (از باب «مفاعلة» - مصدر دیگر آن «فعال» / الانسان: نائب فاعل و مرفوع / يوم: مفعول فیه و

منصوب / القيامة: مضاف الیه و مجرور / محاسبةً: مفعول مطلق تأکیدی و منصوب /

(ب) املأ الفراغ بالفعل و المفعول المطلق النوعي: (جای خالی را با فعل و مفعول مطلق نوعی پر کن):

إفتبر نفسک

۱- «إِنَّا لَكَ مَبِينًا» (فتح)

△ جواب: فَتَحْنَا - فَتَحْنَا

✓ قطعاً ما برای تو فتحی آشکار گشودیم. (قطعاً ما تو را آشکارا پیروز نمودیم.)

اَنَا: از حروف مشبیه و «نا» اسم آن و محلاً منصوب / فَتَحْنَا: فعل و فاعل آن «نا»، خبر آن و محلاً مرفوع / لَكَ: جار و مجرور محلاً / فَتَحْنَا: مفعول مطلق نوعی و منصوب / مَبِينًا: صفت و منصوب

۲- الْبَخِيلُ فِي الدُّنْيَا الْفُقَرَاءُ. (عاشَ - مضارع)

△ جواب: يَعِيشُ - عَيْشٌ

✓ بخیل (خسبیس) در دنیا همچون فقیران زندگی می‌کند.

يَعِيشُ: فعل و فاعل آن اسم ظاهر (معتل و اجوف) / الْبَخِيلُ: فاعل و مرفوع / فِي الدُّنْيَا: جار و مجرور تقدیراً / عَيْشٌ: مفعول مطلق نوعی و منصوب / الْفُقَرَاءُ: مضاف الیه و مجرور

۳- «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ سَدِيداً» (قَالَ - فعل امر)

△ جواب: قُولُوا - قَوْلًا

✓ ای کسانی که ایمان آوردید از خدا بترسید و محکم و درست سخن بگویید.

يَا: حرف ندا / أَيْ: منادای نکره‌ی مقصوده، مبنی بر ضمّ و محلاً منصوب / هَا: حرف تنبیه / الَّذِينَ: تابع منادا و محلاً مرفوع / آمَنُوا: فعل و فاعل آن «و» / اتَّقُوا: فعل امر و فاعل آن «و» / اللَّهُ: مفعول و منصوب / قُولُوا: فعل و فاعل آن «و» / قَوْلًا: مفعول مطلق نوعی و منصوب / سَدِيداً: صفت و منصوب

۴- أَنَا إِلَى الْفُقَرَاءِ الصَّادِقِينَ. (أَحْسَنَ)

△ جواب: أَحْسَنْتُ - إِحْسَانٌ

✓ من همچون راستگویان به نیازمندان نیکی کردم.

أَنَا: مبتدا و محلاً مرفوع / أَحْسَنْتُ: خبر و محلاً مرفوع، فعل و فاعل آن «تُ» / إِلَى الْفُقَرَاءِ: جار و مجرور / إِحْسَانٌ: مفعول مطلق نوعی و منصوب / الصَّادِقِينَ: مضاف الیه و مجرور به «ی»

(ج) عین اعراب «ذَكَرًا» فی الآيات التالية: (اعراب و نقش «ذَكَرًا» را در آیات زیر مشخص کن:)

۱- «قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا».

✓ خدا برای شما ذکری را نازل کرده است.

أَنْزَلَ: فعل و فاعل آن اسم ظاهر / اللَّهُ: فاعل و مرفوع / إِلَيْكُمْ: جار و مجرور محلاً / ذِكْرًا: مفعول و منصوب

۲- «وَقَدْ آتَيْنَاكَ مِنْ لَدُنَّا ذِكْرًا»

✓ ما از نزد خودمان ذکری را به تو داده‌ایم.

آتَيْنَا: فعل و فاعل آن «نا» (أَتَى) / كَ: مفعول اول و محلاً منصوب / مِنْ لَدُنَّا: (من لدن: جار و مجرور، نا: مضاف الیه و مجرور محلاً) / ذِكْرًا: مفعول دوم و منصوب

۳- «اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا».

✓ خدا را بسیار یاد کنید.

أَذْكُرُوا: فعل امر و فاعل آن «و» / اللَّهُ: مفعول و منصوب / ذِكْرًا: مفعول مطلق نوعی و منصوب / كَثِيرًا: صفت و منصوب (د) عین المفعول فيه فی العبارات التالية: (مفعول فيه را در عبارات زیر مشخص کن:)

۱- «الْيَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ».

✓ امروز دین شما را برایتان کامل کردم.

الْيَوْمَ: مفعول فيه و منصوب / اكْمَلْتُ: فعل و فاعل آن «ت» (از باب إفعال) / لَكُمْ: جار و مجرور محلاً / دِينٌ: مفعول و منصوب / كُمْ: مضاف الیه و محلاً مجرور

۲- «وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ»

✓ و او کسی است که شب و روز را آفرید.

هُوَ: مبتدا و محلاً مرفوع / الَّذِي: خبر و محلاً مرفوع / خَلَقَ: فعل و فاعل آن «هو» مستتر / اللَّيْلُ: مفعول و منصوب / النَّهَارُ: معطوف به مفعول و منصوب

اِفتَبَرِ نَفْسِک

۳- «إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَيْلًا وَنَهَارًا»

☑ همانا من قومم را در شب و روز دعوت کردم.

إِنَّ: از حروف مشبّهه / ی: اسم إِنَّ و محلاً منصوب / دعوت: فعل و فاعل آن «تُ» / قوم: مفعول به و تقدیراً منصوب / ی: مضاف الیه و محلاً مجرور / لیلًا: مفعول فیه و منصوب / نهارًا: معطوف به مفعول فیه و منصوب /

۴- «إِنَّ يَوْمَ الْفَصْلِ مِيقَاتُهُمْ أَجْمَعِينَ»

☑ همانا روز جدایی (قیامت) وعده‌گاه همگی آن‌هاست.

أَنَّ: از حروف مشبّهه / یوم: اسم أَنَّ و منصوب / الفصل: مضاف الیه و مجرور / مِیقَاتُ: خبر إِنَّ و مرفوع / هم: مضاف الیه و محلاً مجرور / أَجْمَعِينَ: تأکید برای ضمیر «هم» در «مِیقَاتُهُمْ» و مجرور به «ی».

تَمَارِینْ:

🔍 التَّمَرِینُ الاول:

* اِقْرَأِ النَّصَّ التَّالِيَّ وَ أَجِبْ عَنِ الاسْئَلَةِ: (متن زیر را بخوان و به سؤالات جواب بده):

* الْخَلْقُ النَّبَوِيُّ:

☑ خَوِيْ بِيَامْبَرِي (پیامبرانه)

* صَبَاحَ أَحَدِ الْاَيَامِ كَانَ الْاَطْفَالُ يَلْعَبُوْنَ بِفَرْحٍ.

☑ صبح یکی از روزها بچه‌ها با شادی، بازی می‌کردند.

صَبَاحَ: مفعول فیه و منصوب / أَحَدِ الْاَيَامِ: مضاف الیه و مجرور / كَانَ: از افعال ناقصه / الْاَطْفَالُ: اسم كَانَ و مرفوع / يَلْعَبُوْنَ: خبر كَانَ و محلاً منصوب / بِفَرْحٍ: جار و مجرور /

تَوْجِیه: كَانَ + فَعْلٌ مُضَارِعٌ ← ماضی استمراری

* فَرَّاهُمْ رَسُولُ اللَّهِ وَ ابْتَسَمَ لَهُمْ ابْتِسَامَةً الْاَبِ الْحَنُونِ وَ حَيَّاهُمْ تَحِيَّةً طَيِّبَةً.

☑ پس رسول خدا آنان را دید و همچون پدر مهربان به آن‌ها لبخند زد و به نیکی به آن‌ها سلام کرد.

فَرَّ: حرف عطف / رَأَى: فعل و فاعل آن اسم ظاهر (رَأَى) / هم: مفعول و محلاً منصوب / رَسُولُ: فاعل و مرفوع / اللَّهُ: مضاف الیه و مجرور / ابْتَسَمَ: فعل و فاعل آن «هو» مستتر / لهم: جار و مجرور محلاً / ابْتِسَامَةً: مفعول مطلق نوعی و منصوب / الْاَبِ: مضاف الیه و مجرور / الْحَنُونِ: صفت و مجرور / حَيَّاهُمْ: فعل و فاعل آن «هو» مستتر / هم: مفعول و منصوب محلاً / تَحِيَّةً: مفعول مطلق نوعی و منصوب / طَيِّبَةً: صفت و منصوب

* طَلَبَ الْاَطْفَالُ مِنَ النَّبِيِّ أَنْ يَتَوَقَّفَ لِحِظَةٍ عِنْدَهُمْ وَ يُشَاهِدَ لَعِبَهُمْ مَشَاهِدَةَ الْحَكَمِ.

☑ بچه‌ها از پیامبر خواستند که لحظه‌ای پیش آنان بایستد و بازی ایشان را همچون داور نگاه کند.

طَلَبَ: فعل و فاعل آن اسم ظاهر / الْاَطْفَالُ: فاعل و مرفوع / مِنَ النَّبِيِّ: جار و مجرور / أَنْ يَتَوَقَّفَ: فعل و فاعل آن «هو» مستتر (مفعول فعل طلب) / لِحِظَةٍ: مفعول فیه و منصوب / عِنْدَ: مفعول فیه و منصوب / هم: مضاف الیه و محلاً مجرور / يُشَاهِدُ: معطوف به «يَتَوَقَّفَ» و فاعل آن «هو» مستتر / لَعِبَ: مفعول و منصوب / هم: مضاف الیه و محلاً مجرور / مَشَاهِدَةَ: مفعول مطلق نوعی و منصوب / الْحَكَمِ: مضاف الیه و مجرور

* فَبَدَأَ يَنْظُرُ اِلَى لَعِبِهِمُ وَ الْبَهْجَةِ وَ السَّرُورِ عَلَى وَجْهِهِ.

☑ و شروع کرد به نگاه کردن به بازی آن‌ها درحالی که شادمانی و خوشحالی بر چهره‌اش بود.

بَدَأَ: فعل شروع / يَنْظُرُ: فعل و فاعل آن «هو» مستتر / اِلَى لَعِبِهِمُ: جار و مجرور / هم: مضاف الیه و محلاً مجرور / الْبَهْجَةُ: مبتدا و مرفوع / السَّرُورُ: معطوف به مبتدا و مرفوع / عَلَى وَجْهِهِ: خبر و محلاً مرفوع / ه: مضاف الیه و محلاً مجرور / الْبَهْجَةُ وَ السَّرُورُ: جمله‌ی حالیه و محلاً منصوب /

* تَعَجَّبَ أَحَدُ الصَّحَابَةِ وَ قَالَ: يَا عَجِبَا، أَتَعْمَلُ بِمَا يَطْلُبُهُ الْاَطْفَالُ؟

☑ یکی از یاران پیامبر تعجب کرد و گفت: شگفتا، آیا آن‌چه را کودکان می‌خواهند انجام می‌دهی؟

تَعَجَّبَ: فعل و فاعل آن اسم ظاهر / أَحَدُ: فاعل و مرفوع / الصَّحَابَةِ: مضاف الیه و مجرور / قَالَ: فعل و فاعل آن «هو» مستتر / يَا عَجِبَا: یا: حرف ندا برای بیان تعجب و منادی محذوف است / عَجِبَا: مفعول مطلق برای فعل محذوف، کل جمله‌ی «یا عجبَا» مفعول به برای فعل «قال» و محلاً منصوب / [برخی نیز آن را منادای مضاف «یا عجبی» می‌دانند] / أَ: حرف استفهام / تَعْمَلُ: فعل و فاعل آن «انت» مستتر / بِمَا: جار و مجرور محلاً / يَطْلُبُ: فعل و فاعل آن اسم ظاهر / ه: مفعول و محلاً منصوب / الْاَطْفَالُ: فاعل و مرفوع /



تَمَارِینْ:

❖ فَأَجَابَ: إِنَّهُمْ فَرَحُونَ وَأَنَا مَسْرُورٌ بِفَرَحِهِمْ.

❑ پس جواب داد: همانا آن‌ها خوش‌اند و من به خاطر شادی آن‌ها خوشحالم.

أَجَابَ: فعل و فاعل آن «هو» مستتر / إِنَّ: از حروف مشبهة / هم: اسم إِنَّ و محلاً منصوب / فَرِحُونَ: خبر إِنَّ و مرفوع به «و» / أَنَا: مبتدا و مرفوع محلاً / مَسْرُورٌ: خبر و مرفوع / بِفَرَحٍ: جار و مجرور / هم: مضاف‌الیه و مجرور محلاً /

أَسْئَلَةُ:

۱- عین المفعول المطلق و المفعولَ فیهِ: (مفعول مطلق و مفعول‌فیهِ را مشخص کن):
❑ جواب: در متن مشخص شده است.

۲- ماذا كَانَ الاطفال يعملون؟

❑ بچه‌ها چه کار می‌کردند؟

❑ جواب: كَانَ الاطفال يلعبون.

❑ بچه‌ها بازی می‌کردند.

۳- لماذا كَانَ النَّبِيُّ فرحاً؟

❑ چرا پیامبر خوشحال بود؟

❑ جواب: كَانَ النَّبِيُّ فرحاً لِأَنَّ الاطفال كانوا فرحين (كَانَ النَّبِيُّ فرحاً بفِرح الاطفال).

❑ پیامبر خوشحال بودند چون بچه‌ها خوشحال بودند (پیامبر به خاطر شادی کودکان شاد بود).

۴- ما الفرق بين «فَرِحَ» و «فَرِحَ» فی المعنی؟

❑ تفاوت بین «فرح» و «فرح» در معنا چیست؟

❑ جواب: «فرح» صفت مشبهة است به معنای «خوشحال» و «فرح» فعل است به معنای «شاد شد».

❖ التمرین الثانی:

برای ستون «الف» ترجمه‌ی مناسبی از ستون «ب» پیدا کنیم:

الف	ب
۱- أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا.	الف) خدا را، حتماً یاد کنید!
۲- اذْكُرُوا اللَّهَ!	ب) خداوند «ذکر»ی برای شما نازل کرد!
۳- اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا!	ج) خدا را یاد کنید!

❑ جواب:

ب	۱- أَنْزَلَ: فعل و فاعل آن اسم ظاهر / اللَّهُ: فاعل و مرفوع / إِلَيْكُمْ: جار و مجرور محلاً / ذِكْرًا: مفعول و منصوب
ج	۲- اذْكُرُوا: فعل و فاعل آن «و» / اللَّهُ: مفعول و منصوب /
الف	۳- اذْكُرُوا: فعل و فاعل آن «و» / اللَّهُ: مفعول و منصوب / ذِكْرًا: مفعول مطلق تأکیدی و منصوب /

❖ التمرین الثالث:

عین الاسماء المنصوبة و نوعها فی العبارات التالية: (اسامی منصوب و نوع آن‌ها را در عبارات زیر مشخص کن):

۱- «إِنَّ الحسنات يُذهِبْنَ السيئات»

❑ همانا خوبی‌ها و نیکی‌ها، بدی‌ها را (از بین) می‌برند.

إِنَّ: از حروف مشبهة / الحسنات: اسم إِنَّ و منصوب به کسره / يُذهِبْنَ: خبر إِنَّ و مرفوع، فعل و فاعل آن «ن» (مضارع از باب افعال) / السيئات: مفعول و منصوب به کسره. [هر دو جمع مونث سالمند که به جای فتحه، کسره می‌گیرند.]

۲- «اليوم أكملت لكم دينكم و أتممت عليكم نعمتي.»

❑ امروز دین شما را برای شما کامل کردم و نعمتم را بر شما تمام کردم.

تَمارین:

اليوم: مفعول فيه و منصوب / أكملت: فعل و فاعل آن «تُ» / لكم: جار و مجرور محلاً / أتممت: فعل و فاعل آن «تُ» / عليكم: جار و مجرور محلاً / نعمة: مفعول و تقديراً منصوب / ي: مضاف اليه و محلاً مجرور
 ۳- «إذا جاء نصر الله و الفتح و رأيت الناس يدخلون في دين الله»

☑ هنگامی که یاری خدا و پیروزی و گشایش بیاید و مردم را ببینی درحالی که به دین خدا درمی آیند

إذا: مفعول فيه و محلاً منصوب / جاء: فعل و فاعل آن اسم ظاهر / نصر: فاعل و مرفوع / الله: مضاف اليه و مجرور / الفتح: معطوف به فاعل و مرفوع / رأيت: فعل و فاعل آن «ت» / الناس: مفعول و منصوب / يدخلون: فعل و فاعل آن «و» جمله‌ی حالیه و محلاً منصوب / فی دین: جار و مجرور / الله: مضاف اليه و مجرور

کارگاه ترجمه:

* ترجمه‌ی درست‌تر و روان‌تر را انتخاب کنید:

۱- «كَلَّمَ اللهُ مُوسَى تَكْلِيمًا.»

الف) خداوند با موسی سخن گفت سخت‌گفتنی. ب) خداوند با موسی، قطعاً سخن گفت.

Δ جواب: ب) در ترجمه‌ی مفعول مطلق تأکیدی از قیود تأکیدی: کاملاً، حتماً، قطعاً، بی‌شک و ... استفاده می‌کنیم.

كَلَّمَ: فعل و فاعل آن اسم ظاهر (از باب تفعیل) / الله: فاعل و مرفوع / موسی: مفعول و تقدیراً منصوب / تَكْلِيمًا: مفعول مطلق تأکیدی و منصوب

۲- فاصبر صبراً جميلاً.

الف) صبری نیکو پیشه کن.

ب) به نیکی صبر کن.

Δ جواب: ب) در ترجمه‌ی مفعول مطلق نوعی، از قیود بیانی: به نیکی، بسیار، سخت، همچون ...، مانند ... و استفاده می‌کنیم.

اصبر: فعل و فاعل آن «انت» مستتر / صبراً: مفعول مطلق نوعی و منصوب / جميلاً: صفت و منصوب

۳- «و من يُطع الله و رسوله فقد فاز فوزاً عظيماً.»

الف) و هر کس از خداوند و رسولش اطاعت کند پس بدون شک به رستگاری عظیمی دست می‌یابد.

ب) و هر کس خداوند و رسولش را اطاعت کند، رستگاری عظیمی را از آن خود کرده است.

Δ جواب: الف) در ترجمه‌ی مفعول مطلق باید از ترجمه‌ی این مصادر منصوب به صورت مفعول بیهیزیم.

مَنْ: مبتدا و محلاً مرفوع (اسم شرط) / يُطع: فعل شرط و مجزوم به ساکن (حرف عله حذف شده است) / الله: مفعول و منصوب / رسول: معطوف به مفعول و منصوب / ه: مضاف اليه و محلاً مجرور / فَ: حرف جواب شرط / قَدْ فاز: جواب شرط و محلاً مجزوم / فوزاً: مفعول مطلق نوعی و منصوب / عظيماً: صفت و منصوب / مجموع فعل شرط و جواب شرط، خبر و محلاً مرفوع است.

فی ظلال الدّعاء

در سایه‌سار دعا

اقرأ الدّعاء التّالي و ترجمه الى الفارسيّة:

دعای زیر را بخوان و آن را به فارسی ترجمه کن:

* اقرأ دعاء «شهر رجب» و ترجمه إلى الفارسيّة:

* يا مَنْ أَرْجُوهُ لِكُلِّ خَيْرٍ وَ آمَنْ سَخَطُهُ عِنْدَ كُلِّ شَرٍّ، يا مَنْ يُعْطِي الْكَثِيرَ بِالْقَلِيلِ، يا مَنْ يُعْطِي مَنْ سَأَلَهُ، يا مَنْ يُعْطِي مَنْ لَمْ يَسْأَلْهُ وَ مَنْ لَمْ يَعْرِفْهُ تَحَنُّناً مِنْهُ وَ رَحْمَةً، أَغْنِنِي بِمَسْأَلَتِي إِيَّاكَ جَمِيعَ خَيْرِ الدُّنْيَا وَ جَمِيعَ خَيْرِ الْآخِرَةِ وَ اضْرِفْ عَنِّي بِمَسْأَلَتِي إِيَّاكَ جَمِيعَ شَرِّ الدُّنْيَا وَ شَرِّ الْآخِرَةِ، فَإِنَّهُ غَيْرُ مَنْقُوصٍ مَا أُعْطِيتَ، وَ زِدْنِي مِنْ فَضْلِكَ، يا كَرِيمُ ...

دعای «ماه رجب» را بخوان و آن را به فارسی ترجمه کن.

☑ ای کسی که او را برای هر خوبی می‌خواهم (از او امید دارم) و هنگام هر شرّی از خشمم آن در امنیتم. ای کسی که با کم، بسیار می‌بخشد، ای کسی که به هر کس از او بخواهد عطا می‌کند، ای کسی که به کسی که از او نخواهد و کسی که او را نمی‌شناسد از روی مهربانی و رحمت می‌بخشد. به من به خاطر درخواستم همه‌ی خوبی دنیا و همه‌ی خوبی آخرت را عطا کن و به خاطر درخواستم از تو همه‌ی بدی دنیا و بدی آخرت را از من بازدار، پس آن‌چه تو عطا کنی بی‌نقص و عیب است (کم نمی‌شود) و از فضل خودت بر من بیفزای! ای بخشنده ...!

سؤالات امتحانات نهایی

※ ترجم العبارات التالية الى الفارسيّة:

- ۱- كَانَ الانسان لا يستطيع في الماضي أن يغوص في البحر. (دی ۹۱)
- ۲- القرآن يخاطبُ جميع أبناء البشر بثقافتهم المختلفة. (شهریور ۹۱ و دی ۹۰)
- ۳- قَدْ أُثْبِتَت الاكتشافات الحديثة أَنَّ اللَّوْنَ الأزرق آخِرُ لَوْنٍ يختفي. (خرداد ۹۱)
- ۴- الانسان يغوص في اعماق البحار بواسطة المَعَدَّات الحديثة. (شهریور ۹۰)
- ۵- يُشير عبدالسلام الى شعوره الخفيّ أثناء أبحاثه. (خرداد ۹۰)
- ۶- نحنُ نجدُ في اعماق البحار ظلاماً شديداً. (دی ۸۹)
- ۷- كَانَ النَّبِيُّ (ص) يَنْتَسِمُ لِلصَّغار ابتسامة الأب الحنون. (خرداد ۸۹)
- ۸- يقوم الأولاد باداء واجباتهم بعد أن يعودوا من المدرسة. (دی ۸۸)
- ۹- يخاطب القرآنُ أبناء البشر على مرَّ العصور. (شهریور ۸۸)
- ۱۰- لا يرى الغواص دمه إِلَّا باللَّوْن الأسود. (خرداد ۸۸)
- ۱۱- يستطيع الانسانُ أَنْ يغوصَ بالمَعَدَّات الحديثة. (دی ۸۷)
- ۱۲- الأزرق آخِر لَوْنٍ يختفي في اعماق البحار. (شهریور ۸۷)
- ۱۳- قرین المادّة جُسيمٌ مجهولٌ يحملُ شحنةً تُخالف الإلكترون. (خرداد ۸۷)
- ۱۴- ظاهرة ظلمة البحر امرٌ أُكْتُشِفَ في القرنِ الأخير. (دی ۸۶)
- ۱۵- لقد وردت حقائق فخمةٌ و دقيقةٌ في الآيات القرآنية. (شهریور ۸۶)
- ۱۶- اعملْ عملَ من يعلمُ أَنَّ الله مجازيه بإساءته و احسانه. (دی ۸۵)
- ۱۷- إِنَّ جُرْحَ غَوَّاصٍ جَرَحاً شديداً يرى دمه باللَّوْن الأسود. (شهریور ۸۵)
- ۱۸- إِنَّ القرآنَ الكريمَ أَخْبَرَ العالمينَ عن ظاهرة ظلمة البحر إخباراً عجبياً. (خرداد ۸۵)

※ اكتب الكلمة المطلوبة: (سال های مختلف)

الف) بالفارسيّة:

- | | | | |
|-------------------|-------------------|--------------------|-----------------|
| ۱۹- الشحنة: | ۲۰- الفخمة: | ۲۱- يغشى: | ۲۲- يغوص: |
| ب) بالعربيّة: | | | |
| ۲۳- رنگ: | ۲۴- هسته: | ۲۵- تاریکی: | ۲۶- آبی: |
| ج) المتضاد: | | | |
| ۲۷- الضوء: | ۲۸- الظلام: | ۲۹- المجهول: | |
| د) المرادفة: | | | |
| ۳۰- الضوء: | ۳۱- جرى: | | |

※ عین الصحيح في الترجمة أو التعريب:

- ۳۲- كُلُّ لَوْنٍ يَخْتَفِي يُسَبِّبُ جزءاً مِّن الظلمة. (دی ۹۱)
- الف) همه ی رنگ ها مخفی می شوند و بخشی از تاریکی را به وجود می آورند.
- ب) هر رنگی که مخفی می شود قسمتی از تاریکی را به وجود می آورد.
- ۳۳- فَاصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلاً. (شهریور ۹۱)
- الف) صبری نیکو پیشه کن. ب) به نیکی صبر کن. ج) صبری زیبا داشته باش.
- ۳۴- إِنَّ جُرْحَ غَوَّاصٍ جَرَحاً شديداً لَا يَرَى دَمَهُ إِلَّا بِاللَّوْنِ الْأَسْوَدِ. (دی ۹۰)
- الف) اگر غواصی به شدت مجروح شد خونس را نمی بیند مگر به رنگ سیاه.
- ب) اگر غواصی به شدت مجروح شود فقط خونس را به رنگ سیاه می بیند.
- ۳۵- يُحَاسِبُ الانسانُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ محاسبه. (شهریور ۹۰)
- الف) انسان را در روز قیامت به سختی محاسبه می کنند. ب) قطعاً انسان در روز قیامت محاسبه می شود.

۳۶- انزعج الرسول (ص) من فعله انزعاجاً. (شهریور ۸۹)

الف) پیامبر (ص) از کار او سخت غمگین شد.

۳۷- دعا نوحٌ قومَه دعاءَ المشفق. (خرداد ۸۹)

الف) نوح مردمش را دلسوزانه دعوت کرد.

۳۸- كَانَ الْقُرْآنُ بِمَثَابَةِ الْهَامِ قَوْيٌّ لَهُ اثْنَاءُ أَبْحَاثِهِ عَنْ قَرَائِنِ الْمَادَّةِ. (دی ۸۸)

الف) قرآن همانند الهامی قوی برای او در خلال بررسی هایش در مورد پاد ماده‌ها بود.

ب) قرآن مثل الهامی قوی برای او هنگام گفتگوهایش در مورد خواص مواد بود.

۳۹- حتماً خدا را یاد کنید. (شهریور ۸۸)

الف) اذْكُرَنَّ اللَّهَ ذِكْرًا.

ب) اذكروا الله كثيراً.

۴۰- هناك ظلمة شديدة في اعماق البحار. (دی ۸۷)

الف) آنجا در اعماق دریاها تاریکی زیادی هست.

۴۱- اذا نظرت الى أبيض فابتسم له ابتساماً. (شهریور ۸۷)

الف) هرگاه به پدرت می‌نگری حتماً به او لبخند بزنی.

۴۲- اذكروا الله ذِكْرًا. (خرداد ۸۷)

الف) خداوند را، یاد کنید یاد کردنی.

۴۳- امروزه با تجهيزات در دریا غواصی می‌کنیم. (دی ۸۶)

الف) اليوم نغوص في البحر بالمعدات.

۴۴- يعيش البخيل في الدنيا عيشة الفقير. (شهریور ۸۶)

بخیل در دنیا تهیدست

الف) حتماً - زندگی کرده است.

۴۵- انّ الشعاع الضوئي يتكوّن من سبعة ألوان. (خرداد ۸۶)

..... از هفت رنگ

الف) پرتوهای رنگ - می‌باشد.

۴۶- ابتسم لهم ابتساماً الأب الحنون وحيّاهم تحيّة طيبة. (دی ۸۴)

الف) مانند پدر مهربان به آنان لبخند زد و به نیکویی به آنها سلام داد.

ب) پدر مهربان به آنها خندید و به آنها سلام داد سلام‌دادن نیکویی.

※ عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي تَرْجُمَةِ مَا اشِيرَ إِلَيْهِ بِخَطِّ:

۴۷- الشعاع الضوئي من سبعة ألوان. (تشکیل می‌شود) (يَكُونُ - يُشكَّلُ - يَتكوّنُ) (خرداد ۹۰)

۴۸- الآن يغوص الإنسان بالمعدات الحديثة. (سخن - سنگین - نوین) (دی ۸۸)

۴۹- تلقى النبي (ص) حقائق فخمة. (روبه‌رو شد - دید - دریافت کرد) (شهریور ۸۸ و ۸۷)

۵۰- شاهد النبي (ص) لعب الأطفال مشاهدة الحكم. (داور - حاکم - حکیمانه) (خرداد ۸۸)

۵۱- قام محمد عبدالسلام بأبحاث في قرائن المادّة. (بحث‌هایی - گفتگوهای - پژوهش‌هایی) (دی ۸۷)

۵۲- نحن نغوص في البحار بواسطة المعدات الحديثة. (کمکی - جدید - ساخته شده) (شهریور ۸۷)

۵۳- كَانَ الرَّجُلُ يَعِيشُ فِي بَيْتَةٍ أُمِّيَّةٍ. (محیط - خانه - بیعت) (شهریور ۸۵)

۵۴- جُرِحَ غَوَاصٌ جَرَحًا شَدِيدًا وَ سَالَ مِنْهُ الدَّمُ. (پرسید - جاری شد - خواست) (دی ۸۴)

۵۵- يَقُومُ الْاَوْلَادُ بِأَدَاءِ وَاجِبَاتِهِمُ الْمَدْرَسِيَّةِ. (می‌ایستند - اقدام می‌کنند - برمی‌خیزند) (شهریور ۸۶)

۵۶- انّ قرين المادّة يحمل شحنة تخالف شحنة الالكترون. (ماده - بار - وزن) (شهریور ۸۴)

※ اقراء النصّ التالي ثمّ أجب إجابةً:

۵۷- «خَلَقَ اللَّهُ الْإِنْسَانَ وَ جَعَلَهُ زَوْجَيْنِ ذَكَرًا وَ أُنْثَى؛ وَ لَمْ يَقْتَصِرْ هَذَا النِّظَامُ عَلَى الْإِنْسَانِ بَلْ شَمَلَ عَالَمَ النَّبَاتَاتِ وَ الْجَمَادِ أَيْضًا. فِي السَّنَوَاتِ

الْأَخِيرَةِ اكْتَشَفَ عُلَمَاءُ الْفِيزِيَاءِ أَنَّ الْإِلِكْتَرُونَ يَدُورُ حَوْلَ نَوَاةِ الْمَادَّةِ. إِنَّ الْفِيزِيَائِيَّ الْمُسْلِمَ مُحَمَّدًا عَبْدَ السَّلَامِ هُوَ الَّذِي قَامَ بِأَبْحَاثٍ مُهِمَّةٍ فِي

موضوع قرائن المادّة.

الف) كيف جعل الله الإنسان؟ ب) ماذا اكتشف علماء الفيزياء؟ ج) هل يقتصر النظام الزوجي على الإنسان؟

د) ما هو معنى «النواة»؟ هـ) ما هو مفرد «القرائن»؟



۵۸- «نحنُ مخلوقون من ذكر و أنثى. و هذا النظام الزوجي لا يقتصرُ علينا بل يشملُ النباتات و الجمادات أيضاً. الأمرُ اكتشفهُ علماء الفيزياء في القرن العشرين. هم وجدوا جُسيماً يحملُ شحنةً تخالفُ شحنةَ الإلكترون حين دوران الإلكترون حول نواة المادة فسَمَوْهُ قرين المادة.»
(شهریور ۸۹)

الف) هل يختصّ نظام الخلق الزوجی بالإنسان؟
ب) أين يدور الإلكترون؟
ج) ماذا يحملُ الجسيم المجهول؟
د) متى أُكتشِفَ قرینُ المادة؟
۵۹- «يُخبرُ القرآنُ بظاهرة ظلمة البحر إخباراً عجيباً. يَغوصُ الآن الإنسان في أعماق البحار أكثر من مائتي متر بواسطة المُعدّات الحديثة فهناك يَجِدُ ظلاماً شديداً بسبب وجود طبقات مختلفة من الظلمة.» (دی ۸۵)
الف) لماذا يكونُ الظلام في أعماق البحار؟
ب) كيف يَغوصُ الإنسان؟
ج) كيف أخبرَ القرآنُ بالظلمة؟

※ صحّح الأخطاء في الترجمة:

- ۶۰- وقفَ النبيُّ (ص) لحظةً عند الصَّغارِ و شاهدَ لِعَبَهُمْ مُشاهدةً الحكيم. (خرداد ۹۱)
- پیامبر لحظه‌ای نزد کودکان نشست و بازی آن‌ها را مانند حاکم مشاهده کرد.
- ۶۱- اللون الأزرق آخر لونٍ يختفي في أعماق البحر. (دی ۸۹)
- رنگ قرمز دیگری بود که در اعماق دریا پنهان شده است.
- ۶۲- قد تكونُ الشعاع الضوئي من سبعة ألوان. (خرداد ۸۸)
- پرتوهای نوری از هفت رنگ تشکیل می‌شود.
- ۶۳- ظاهرة ظلمة البحر اكتشافها العلماء في السنوات الأخيرة. (خرداد ۸۷)
- دانشمندان پدیده‌ی تاریکی را در سال اخیر کشف کرده‌اند.
- ۶۴- كانَ هناك جُسيماً مجهولاً يحملُ شحنةً تخالفُ شحنةَ الإلكترون. (دی ۸۵)
- گویا جسم ناشناخته‌ای وجود داشت که باری مخالف با بار الکترون حمل می‌کرد.
- ۶۵- القرآنُ يُخاطبُ جميعَ الناسِ بثقافتهم المختلفة. (شهریور ۸۴)
- قرآن همه‌ی مردم را با تمدن‌های مختلف‌شان مورد خطاب قرار داد.

※ املاء الفراغ بالكلمة المناسبة:

- ۶۶- يُشاركُ الأولادُ في إقامة الصلاة (مُشاركة - مُشاركة - إشتراكاً) (خرداد ۹۲)
- ۶۷- أحسنتُ الى الفقراء (احسان - احساناً - محسناً) (دی ۹۱)
- ۶۸- أنا أحسنتُ الى الفقراء (الصادقين. احسان - احساناً - تحسیناً) (شهریور ۹۱)
- ۶۹- تظهرُ ظاهرة قوس قزح مع ألوانها (الجميل - الجميلة - الجميلة) (شهریور ۹۱)
- ۷۰- تجتهدُ الطالبة في دروسها كثيراً. (اجتهاداً - مجاهداً - اجتهداً) (خرداد ۹۱)
- ۷۱- يجتهدُ الطالبُ في دروسه (جهاداً - مجاهداً - اجتهداً) (دی ۹۰)
- ۷۲- يُخبرنا القرآنُ بظاهرة ظلمة البحر (أخباراً - إخباراً - خبراً) (خرداد ۹۰)
- ۷۳- يتعجبُ الوالد من كلامهم (تَعْجباً - متعجباً - متعجبين) (شهریور ۹۰)
- ۷۴- عَلَّمنا المدرّس العربيّة بالغا. (علماً - تعلماً - تعلیماً) (دی ۸۹)
- ۷۵- نحنُ نُحسنُ الى الفقراء صادقاً (حُسنًا - إحساناً - احساناً) (شهریور ۸۹)
- ۷۶- يا أخي! منك. (معذرة - معذرة - معذرة) (خرداد ۸۹)
- ۷۷- شاركُ الاولادُ اقامة الصلاة كاملةً. (المفعول المطلق المناسب) (دی ۸۸)
- ۷۸- الودائعُ تُردُّ الى صاحبها. (يوم - بعد - يوماً) (دی ۸۸)
- ۷۹- يحدثُ قوس قزح نزول الامطار. (أثناء - حين - بعد) (شهریور ۸۸)
- ۸۰- تكلمُ المعلم حفلة عظيمة. (حول - في الصف - غداً) (خرداد ۸۸)
- ۸۱- الاسلام يهتمُ بتربية الاطفال (اهتماماً - اهتمام - الاهتمام) (دی ۸۷)
- ۸۲- لقد اعترفَ الأوروبيونَ بفضل المسلمين (المفعول المطلق المناسب) (شهریور ۸۷)
- ۸۳- دارُ الكلام هم. (بين - بين - بين) (خرداد ۸۷)

- ٨٤- استسلمَ الابنُ لولده المسكين. (المفعول المطلق المناسب) (خرداد ٨٧)
 ٨٥- ينتفع الناس بهذه الاعمال كثيراً. (المفعول المطلق المناسب) (دى ٨٦)
 ٨٦- اشتدَّت الحروب ذهب الأبناء الى ساحة المعركة. (تحت - حين - فوق) (دى ٨٦)
 ٨٧- جاهدوا المشركين المومنين. (جهاداً - جهاد - مجاهدة) (شهریور ٨٦)
 ٨٨- اجتنب الخفافش من الاصطدام بالأشياء الطيران. (أثناء - بعد - قبل) (شهریور ٨٦)
 ٨٩- أدعو ربِّي أن يعفو ذنبي (عفواً - عفو - عفو) (خرداد ٨٦)
 ٩٠- قليل جاءت البنت و سلمت على أبيها. (بعد - جنب - عند) (خرداد ٨٦)
 ٩١- ابتسم النبي (ص) للأطفال الأب الحنون. (ابتساماً - تبسم - ابتساماً) (دى ٨٥)
 ٩٢- يعيش البخيل في الدنيا الفقراء. (عيشاً - العيش - عيش) (شهریور ٨٥)
 ٩٣- إن جرح غواص لا يرى دمه. (جرح - جرح - جرحاً) (خرداد ٨٥)
 ٩٤- إن الأكثرون يدور نواة المادة. (خلف - حول - أمام) (خرداد ٨٥)

* صحح الأخطاء:

- ٩٥- البرُّ أن تعمل في السرِّ عملاً العلانية. (خرداد ٩٠)
 ٩٦- جرح المجاهد جارحاً شديداً. (شهریور ٨٩)
 ٩٧- يحاسب الإنسان يوم القيامة حساباً. (خرداد ٨٩)
 ٩٨- عند ما يعود الأولاد من المدرسة يقمن باداء واجباته المدرسية. (دى ٨٦)
 ٩٩- صباح أحد الايام كان الاطفال يلعبون. (خطأين) (خرداد ٨٤)

* صحح الأخطاء في التحليل الصرفي:

- ١٠٠- «أن الحسنات يذهبن السيئات» (دى ٨٨)
 - يذهبن: فعل مضارع، للمخاطبات مجرد ثلاثي، لازم، مجهول، مبني
 - السيئات: اسم، جمع مكسر، مؤنث، جامد، معرفه، مبني، غير منصرف
 ١٠١- يعطينا القرآن صورة أخرى عن البحر. (شهریور ٨٧)
 - يعطينا: فعل مضارع، للغائب، مجرد ثلاثي، صحيح، لازم، مجهول، معرب
 - أخرى: اسم، مفرد مذكر جامد، نكرة، مبني، غير منصرف، منقوص

* للتحليل الصرفي

- ١٠٢- إن هذا القرآن يهدي للتي هي أقوم. (شهریور ٩١)
 ١٠٣- إن القرآن قد استخدم البراهين لهداية الناس. (دى ٩٠)

* شكّل ما أشير إليه بخط:

- ١٠٤- نزل الله القرآن لهداية الانسان. (دى ٩١)
 ١٠٥- وقفت المديرية أمام الجمع. (شهریور ٩١)
 ١٠٦- البخيل يعيش في الدنيا عيش الفقراء. (خرداد ٩١)
 ١٠٧- طلب الاطفال من النبي أن يتوقف عندهم. (دى ٩٠)

* أكتب ترجمة أو تعريب ما أشير إليه بخط:

- ١٠٨- تجعل الألوان السماء خلاية. (خرداد ٩٢)

پرسش‌های چهارگزینه‌ای

(سراسری - ریاضی - ۹۱)

۱- عین ما لیس فيه المفعول فيه:

- ۱) لقد طرق الباب ساعات و لكن لم يفتحه أحد، لأن البيت كان فارغاً و الأسرة كلها قد سافرت!
- ۲) إن أردت أن تصل إلى النجاح الكبير، فعليك أن تُخصّص ساعات كثيرة للجدّ و العمل!
- ۳) اليوم أثبتت الأبحاث العلميّة أنّ الرياضة تلعب دوراً مهمّاً في صحة الجسم و الروح!
- ۴) كنت أتصوّر أيام شبابي أتني لو كبرت تكثر أوقات فراغتي للمطالعة!

(سراسری - ریاضی - ۹۱)

۲- عین ما فيه اهتمام و عناية على «وقوع الفعل» فقط:

- ۱) من عرف نفسه و ربّه حقّاً، لا يعتمد بما عنده عارية!
- ۲) اتخذ عزمًا راسخاً و اعلم أنّ من أراد و سعى، نجا من الفتنة!
- ۳) إنّ الذي خلق خلقاً عظيماً، يفتنهم بالبلیات و المصائب حتّى يعرفوا أنفسهم!
- ۴) لا يغفل الخالق عن إطعام المخلوق، و إنّما هو الذي يغفل عن الخالق غفلةً شديدة!

(سراسری - تجربی - ۹۱)

۳- عین المفعول فيه:

- ۱) نحن لاننسى أيام الظلم على المظلومين في بلدنا!
- ۲) هذا اليوم الذي تعيش فيه فرصة لك!
- ۳) أنّ الأيام تشغلنا بأعمال كثيرة، بعضها لا تفيدنا!
- ۴) اليوم شاهدت ذاحاجة يطلب مني المساعدة!

(سراسری - تجربی - ۹۱)

۴- عین ما فيه المفعول المطلق أكثر:

- ۱) اتبع ما يُعجبك و لا تُعسر نفسك تعسيراً!
- ۲) خير عمل تعمله هو ما يدوم و إن كان قليلاً، فإنّه أبقى أثراً!
- ۳) حاسب الناس حساب من يُداريهم فسيحان من لا يخفى عليه شيء حقّاً!
- ۴) عليك أن تختبر مرارة المشاكل اختباراً كثيراً كي تذوق حلاوة النجاح جدّاً!

(سراسری - زبان - ۹۱)

۵- «او حقیقتاً کودکان را دوست می‌داشت، و پیوسته با آنان با لبخند و مهربانی برخورد می‌کرد!» عین الصحيح:

- ۱) كان حقّاً يحبّ الأطفال حبّاً و يواجههم دائماً مبتسمين و حنونين!
- ۲) إنه دائماً يحبّ الصغار و يشاهدهم حقيقةً ضاحكين و حنونين!
- ۳) إنه يحبّ الصغار حقيقةً و يزورهم ضاحكاً و حنوناً دائماً!
- ۳) كان يحبّ الأطفال حقّاً و يلقاهم مبتسماً و حنوناً دائماً!

(سراسری - هنر - ۹۱)

۶- عین العبارة لیس فيها المفعول فيه:

- ۱) من يأكل التفّاح في كلّ يوم ترجع الطاقة إلى جسمه سريعاً!
- ۲) متى تتشر النملةً حبوباً كانت في باطن الأرض تحت ضوء الشمس؟
- ۳) أتعلم أنّ ضوء الشمس يصل إلينا بعد ثمانی دقائق على رغم بُعد مسافتها؟
- ۴) اليوم يشاهد الناس في الصباح الباكر كوكباً لمدة ساعتين اثنتين في سماء مدينتهم!

(سراسری - هنر - ۹۱)

۷- عین المفعول المطلق:

- ۱) أحسنتُ إلى ولديّ المجتهدين مُحسناً!
- ۲) أحسن إلى الآخرين كما أحسنوا إليك محسنين!
- ۳) إنّنا أحسنّا إلى المساكين إحسان الخالصين!
- ۴) إنّ أحسن المؤمنين إيماناً يعيش و يموت مؤمناً!

(سراسری - انسانی - ۹۱)

۸- «على البخيل أن لا يشتكي حياته المحقّرة لأنّه قد انتخبها بنفسه!»:

- ۱) کسی که بخیل است زندگی محقّر را خود پذیرفته، پس نباید از آن شکایتی کند!
- ۲) بر بخیل واجب است که زندگی فقیرانه‌ای که خود انتخاب کرده بپذیرد، و شکایتی نکند!
- ۳) انسان بخیل نباید از زندگی حقیرانه‌ی خود شکایت کند، زیرا خود آن را انتخاب کرده است!
- ۴) انسان بخیل لازم نیست از زندگیش که محقّر است شکایت کند، زیرا انتخاب خود اوست!

(سراسری - انسانی - ۹۱)

۹- عین المفعول المطلق:

(۲) يطالب هذا المجاهد حقاً قد سلبه الظالمون!

(۱) أحببت كلام معلّی لآئه كان كلاماً نافعاً دائماً!

(۴) ندعو الله أن يهبنا صبراً جميلاً عند المصائب!

(۳) من يصبر في الشدائد يجد ثمرته في حياته حقاً!

(سراسری - انسانی - ۹۰)

۱۰- عین ما ليس فيه المفعول فيه:

(۲) «فألف بين قلوبكم فأصبحتم بنعمته إخواناً.»

(۱) «قم الليل ألا قليلاً.»

(۴) «إن عدّة الشهور عند الله اثنا عشر شهراً في كتاب الله.»

(۳) «إن في اختلاف الليل والنهار لآيات لأولى الالباب»

(سراسری - انسانی - ۹۰)

۱۱- المخاطب يريد أن يدرك كيفة ذهاب الطالبة فنقول له: ذهبت الطالبة

(۴) ذاهبة

(۳) مسرورة

(۲) سروراً كثيراً

(سراسری - زبان - ۹۰)

۱۲- عین المفعول فيه:

(۱) إن يشأ الله يملأ للناس كل أيامهم بالفرح والسرور!

(۲) في وراء هذه المشاكل التي شملتكم سيجيء الفتح المبين!

(۳) في الايام الماطرة تزّين السماء والارض ويتمتع الناس بهما!

(۴) كانت اخته قد جلست قربه و هو يسألها بعض ما لم يفهمه من الدرس!

(سراسری - هنر - ۹۰)

۱۳- عین المفعول المطلق للبيان:

(۱) في الشارع لما طلبت الأم من طفلها أن لا يترك يدها، قال لها: سمعاً و طاعة!

(۲) في الصباح الباكر عند ما كنت في النوم دُق باب البيت دقاً لا يُوصف!

(۳) جرح بعض المقاتلين في هذه العمليات جرحاً ولكن معنوياتهم جيّدة!

(۴) كان زميلتنا ايضاً دُعيت للاشتراك في حفلة التكریم!

(سراسری - هنر - ۹۰)

۱۴- «اتخذ الله في القرآن أساليب مختلفة لدعوة الناس إلى دينه، لأنهم مختلفون في ثقافتهم!»:

(۱) اختلاف در فرهنگها باعث شده تا خداوند در قرآن مردم را به شیوه‌های متفاوت به دین خود فرا خواند!

(۲) خداوند مردم را به شکل‌های متفاوت به دین خود فرا می‌خواند، زیرا مردم دارای فرهنگ‌های مختلفی هستند!

(۳) از آنجایی که مردم فرهنگ‌های متفاوتی دارند، روش‌های خداوند در قرآن برای دعوت آنان، با یکدیگر تفاوت دارد!

(۴) خداوند در قرآن برای دعوت مردم به دین خود روش‌های مختلفی به کار گرفته، زیرا آنها در فرهنگ‌های خویش مختلفند!

(سراسری - ریاضی - ۹۰)

۱۵- عین علامة إعراب المفعول فيه محلیّة:

(۲) من لم یخف لسانه وراء قلبه فهو الجاهل!

(۱) ساعدی صدیقتک قبل أن تترکک!

(۴) أطلب العلم وأحمل مصائبه و لست نادماً أبداً!

(۳) أكبر عدوک لسانک إذا لم یکن فی اختیارک!

(سراسری - ریاضی - ۹۰)

۱۶- عین الخطأ:

(۱) الناس بعضهم يطمئن قلبهم عن طريق العلم فقط، ؛ گاهی مردم فقط از راه علم، قلبشان اطمینان می‌یابد،

(۲) و القرآن يتخذ أسلوباً خاصاً لدعوة هؤلاء الناس، : و قرآن برای دعوت این مردم، روش خاصی به کار می‌گیرد،

(۳) هذا الأسلوب يتكى على البراهين والأدلة العلمية، : این روش بر برهان‌ها و دلائل علمی تکیه دارد،

(۴) و بهذه الآيات العلمية تطمئن قلوبهم تماماً؛ : و با این آیات علمی قلب‌هایشان کاملاً اطمینان می‌یابد!

(سراسری - تجربی - ۸۹)

۱۷- عین ما فيه تأكيد للفعل:

(۲) على الإنسان أن يكرّم من علّمه تكريماً حسناً!

(۱) من أبعد لسانه عن الكذب، يصدّق كلامه تصديقاً!

(۴) اجعل من أموالك صدقة تُحاسب في الآخرة حساباً أسرع!

(۳) أفرغ قلبك من الحسد، ليبقى إيمانك بقاء غير زائل!

(سراسری - تجربی - ۸۹)

۱۸- عین الصحيح:

(۱) امتحنتُ التلاميذ امتحاناً بأسئلة صعبة، : امتحانی را با سؤالات سخت از دانش‌آموزانم گرفتم،

(۲) و كنت أنظر إليهم نظر الإعجاب، : درحالی که با نگاهی متعجبانه به آنها چشم دوخته بودم،

(۳) و هم يُجيبون بدقة إجابة كاملة، : و آنها جواب کاملی را با دقت به آن سؤالات دادند،

(۴) ما كنت متوقّعا أنّهم قد درسوا جيّداً هكذا! : انتظار نداشتم که آنها این‌گونه خوب درس خوانده باشند!

(سراسری - ریاضی - ۸۹)

۱۹- عین ما فيه تأكيد على وقوع الفعل:

(۲) انعقد مجلس آخر لتكريم المجتهدين أيضاً!

(۱) ابتسمت أمي في وجهي ابتساماً وفرحت من ذلك!

(۴) ما رأيت في الساحة إلا جماعتين نشيطتين!

(۳) يهتم الطالب بمطالعة دروسه ليلاً و نهاراً!

(سراسری - ریاضی - ۸۹)

- (۲) إِنَّمَا أَعْطَى اللَّهُ الْإِنْسَانَ عَقْلاً يَفْكَرُ بِهِ!
(۴) قَدْ يُعْطِيكُمْ اللَّهُ وَلِداً صَالِحاً رِزْقاً لَكُمْ!

- ۲۰- عَيْنٌ مَا فِيهِ مَفْعُولٌ بِهِ وَاحِد:
(۱) يَجْعَلُ الصَّبِيَّ صَبَاحَهُ أَسْلِحَةً لِلْحَصُولِ عَلَى مَطْلُوبِهِ!
(۳) جَعَلَ اللَّهُ دَرَجَةَ عِبَادِهِ مِنْ أَفْضَلِ الدَّرَجَاتِ!

(سراسری - هنر - ۸۹)

- (۲) هُوَ شَاعِرٌ حَازِقٌ يَنْشُدُ أَشْعَاراً كَثِيراً حَوْلَ مَسَائِلٍ مُخْتَلِفَةٍ!
(۴) لَيْكُنْ فِكْرُكَ فِي الْحَيَاةِ فِكْراً لَا يُرِيدُ أَنْ يَضِيعَ حَقّاً مِنَ الْآخِرِينَ!

- ۲۱- عَيْنُ الْمَفْعُولِ الْمَطْلُوقِ:
(۱) إِنَّ الْمُسْلِمَ شَدِيدَ الْحُبِّ وَالْإِجْلَالِ لِأَوْلِيَاءِ اللَّهِ حَقّاً!
(۳) إِنَّهُ كَانَ مِنْ أَقْوَى النَّاسِ شَخْصِيَّةً وَفِكْراً وَأَشَدَّهُمْ جَرأةً!

(سراسری - انسانی - ۸۹)

- (۱) أَحْرَصُ عَلَى مَصَاحِبَةِ أَصْدِقَائِي الْمُحْسِنِينَ حَرَصاً: بِهِ هَمْ نَشِينِي بِأَدْوَسَانِ نِيكُو كَارْمِ قِطْعاً مُشْتَقاً هَسْتَمِ!
(۲) عَاشَ أَبُونَا الشَّهِيدَ فِي كُلِّ حَيَاتِهِ عَيْشَ الْعَارِفِينَ: بِدَرِ شَهِيدِمَانِ دَرِ سَرَسَرِ زَنْدِگَانِي خُودِ هَمْچُونِ عَارِفَانِ زِيَسْتِ!
(۳) كَانَتْ لِي جَدَّةٌ حَنُونٌ تَقِيمُ صَلَاةَ اللَّيْلِ كَثِيراً: مَادِرْ بَرْزَرْگِ مَهْرَبَانِ مِنْ نَمَازِ شَبِّ بَسِيَّارِي رَا بِرْپَايِ دَاشْتِ!
(۴) صَبِراً عَلَى الْمَتَاعِ لِأَنَّ فِيهَا خَيْراً كَثِيراً: دَرِ بَرَابَرِ سَخْتِي هَا شَكِيْبَا بِاشْ زِيْرَا دَرِ آنِ خَيْرِ فَرَاوَانِي اسْتِ!

۲۲- عَيْنُ الْخَطَا:

(سراسری - زبان - ۸۹)

- (۲) سُبْحَانَ اللَّهِ لَا شَرِيكَ لَهُ فَرْداً صَمِداً!
(۴) فَصَبِراً فِي مَجَالِ الْمَوْتِ فَإِنَّهُ يَرَانَا عَنْ قَرِيبِ!

- ۲۳- عَيْنٌ مَا لَيْسَ فِيهِ تَأْكِيدٌ عَلَى وَقُوعٍ لِلْفِعْلِ:
(۱) تَرِيدُ النَّجَاحَ فِي حَيَاتِكَ بَيْنَمَا لَا تَرِيدُ أَنْ تَدْفَعَ لَهُ ثَمَنًا!
(۳) أَلَمْ أَنْصَحْكُمْ بِاسْتِخْدَامِ الْعَقْلِ، إِنَّهُ هَبَّةٌ مِنَ اللَّهِ، حَقّاً!

(سراسری - هنر - ۸۸)

- (۲) اجْتَنَاباً عَنِ السَّيِّئَاتِ، يَا ابْنَتِي الْعَزِيزَةِ!
(۴) مَبْتَسِماً تَكَلَّمْتُ مَعَ زَمِيلِي حَتَّى يَعُودَ.

۲۴- عَيْنٌ مَا فِيهِ الْمَفْعُولُ الْمَطْلُوقِ:

- (۱) لَقْمَةً تَنَاوَلْتُ ثُمَّ خَرَجْتُ سَرِيعاً.
(۳) جَالِساً تَكَلَّمْتُ ثُمَّ قَمْتُ وَ ذَهَبْتُ.

(سراسری - هنر - ۸۸)

۲۵- «تَشْعُرُ الطَّالِبَاتُ بِالسَّكِينَةِ حِينَمَا يَشَاهِدْنَ نَجَاحَهُنَّ فِي الْأَمْتِحَانَاتِ!»

- (۱) دَانِشْ آمُوزَانِ وَقْتِي قَبُولِي خُودِ رَا دَرِ اَمْتِحَانَاتِ مِیْ بَیْنَدِنْدِ، اَحْسَاسِ اَرَامِشِ مِیْ کُنَنْدِ!
(۲) هَنْگَامِي کِه دَانِشْ آمُوزَانِ نَتِیْجِهِي اَمْتِحَانَاتِ رَا دِیدَنْدِ، اَرَامِشِ زِیَادِي بِه اَن هَا دَسْتِ دَادِ!
(۳) شَاگَرْدَانِ اَرَامِشِ رَا حَسِ مِیْ کُنْدِ، وَقْتِي اَزِ مَوْقِفِیْتِ خُویْشِ دَرِ اَمْتِحَانَاتِ مَطَّلَعِ شُودَنْدِ!
(۴) وَقْتِي کِه شَاگَرْدَانِ قَبُولِي خُودِ رَا دَرِ اَمْتِحَانَاتِ دِیدَنْدِ، اَحْسَاسِ اَرَامِشِ بِه اَن هَا دَسْتِ دَادِ!

(سراسری - زبان - ۸۸)

- (۲) إِنَّ الْقُرْآنَ يَطَالِبُ أَبْنَاءَ الْبَشَرِ بِالتَّفَكُّرِ جَمِيعاً.
(۴) إِنَّ اللَّهَ يُذِلُّ كُلَّ جَبَّارٍ مِنْ أَحْفَادِ الشَّيْطَانِ مُنْذِراً.

- (۱) يَجِبُ عَلَيْنَا أَنْ نَتَّبِعَ عَنِ الْيَاسِ وَالْقَنُوطِ جَدّاً.
(۳) مَنْ يَعْتَمِدُ عَلَى نَفْسِهِ يَجِبُ أَنْ لَا يَخَافَ خَطْراً.

(سراسری - زبان - ۸۸)

- (۲) مَتَى تَصِلُ الشَّمْسُ إِلَى وَسْطِ السَّمَاءِ؟
(۴) رَأَيْتُ صُورَةَ لِأَسْتَاذِي فِي يَوْمِ تَكْرِيمِ الْمُعَلِّمِ.

- ۲۶- عَيْنُ الْمَفْعُولِ الْمَطْلُوقِ:
(۱) مَاذَا تُرِيدِينَ أَنْ أَخْبِرَكُمْ عَنْهُ؟
(۳) تَعَلَّمْتُ مِنْكَ دَرْساً لَنْ أَنْسَاهُ فِي حَيَاتِي.

(سراسری - زبان - ۸۸)

۲۷- عَيْنُ الْمَفْعُولِ فِيهِ مَنْصُوباً:

- (۱) قَدْ كَانَ عَزَمُ أَنْ يَذْهَبَ إِلَى السَّفَرِ مَعَ صَدِيقِهِ،: بِأَدُوسْتِشِ تَصْمِیْمِ گَرَفْتِ کِه بِه سَفَرِي بِرُودِ،
(۲) قَبْلَ الصَّدِيقِ وَلَكِنَّهُ لَمْ يَعْمَلْ بِوَعْدِهِ،: دُوسْتِشِ نِيزِ پَذِیرْفْتِه بُوْدِ، اَمَّا بِه تَعْهَدَاتِشِ وَفَا نَکَرْدِ،
(۳) وَلَمْ يَحْضُرْ فِي رَأْسِ السَّاعَةِ، فَارَادَ أَنْ يَرْجِعَ. وَ رَأْسُ سَاعَتِ حَاضِرِ نَشْدِ وَ خُوَاسْتِ کِه بِرْگَرْدَدِ.
(۴) بَعْدَ سَاعَةِ فَجْأَةً رَأَى صَدِيقَهُ وَ هُوَ يَأْتِي بِسُرْعَةٍ: اَمَّا دُوسْتِشِ رَا مِیْ بَیْنَدِ کِه بَعْدِ اَزِ يَكِ سَاعَتِ بِه سُرْعَتِ مِیْ اَمْدِ.

(سراسری - تجربي - ۸۸)

- (۲) نَحْتَرِمُ مُعَلِّمِينَا جَدّاً لِأَنَّهُمْ يَرْبُونَنَا لِمُسْتَقْبَلِ بِلَادِنَا!
(۴) ضَيِّعَتِ النِّعَمَ حَقّاً بِالْإِسْتِفَادَةِ غَيْرِ الصَّحِيحَةِ مِنْهَا!

۲۸- عَيْنُ الْمَفْعُولِ الْمَطْلُوقِ لِلنَّوْعِ:

- (۱) قَرَأْتُ آيَاتَ مِنَ الْقُرْآنِ قَرَاءَةً تُؤَثِّرُ فِي الْقَلْبِ!
(۳) انْتَصَرَ الْمُجَاهِدُونَ فِي سَاحَةِ الْمَعْرَكَةِ انْتِصَاراً!

(سراسری - تجربي - ۸۸)

- (۲) عِنْدَمَا وَصَلَ وَقْتُ الْعِشَاءِ ذَهَبْنَا كُلُّنَا حَتَّى نَتَنَاوَلَ الطَّعَامَ.
(۴) فِي صَبَاحِ الْيَوْمِ التَّالِيِ ذَهَبَ الطَّبِيبُ إِلَى عِيَادَةِ مَرِيضَةٍ.

- ۳۰- عَيْنُ الْمَفْعُولِ فِيهِ مَنْصُوباً:
(۱) مِنْ بَيْنِ أَصْدِقَائِكَ أَنْتَ أَكْثَرُ اجْتِهَاداً!
(۲) مَضَتْ هَذِهِ الْأَيَّامُ أَيْضاً وَ وَصَلْنَا إِلَى نَهَايَتِهَا!

- ۳۱- «قد أثبتت الإكتشافات الحديثة أَنَّ كُلَّاً من الألوان يختفي في أعماق البحر، يسبب جزءاً من ظلمته!»
 (۱) کشفیات تازه ثبت کرده‌اند که همه‌ی رنگ‌های پنهان، علتی برای تاریکی در اعماق دریاها می‌باشند!
 (۲) در کشف‌های تازه ثبت شده است که هر رنگ مخفی در عمق دریا، سبب قسمتی از تاریکی آن می‌شود!
 (۳) اکتشافات جدید ثابت کرده است هر یک از رنگ‌ها که در اعماق دریا پنهان می‌گردد، قسمتی از تاریکی آن را سبب می‌شود!
 (۴) در اکتشاف‌های جدید ثابت شده است که همه‌ی رنگ‌ها که در اعماق دریا مخفی شده است باعث جزئی از ظلمت دریا می‌گردند!
- ۳۲- عین ما ليس فيه المفعول المطلق:
 (۱) كيف تواجه نبأ انتصار المسلمين مواجهة؟!
 (۲) من هو أحسنُ قولاً ممن دعا الى الصراط المستقيم؟!
 (۳) صبراً على المصائب والآلام، أيها الطالب!
 (۴) سبحان الذي له ملك السماوات والأرض!
- ۳۳- عین العبارة التي فيها اسم يدل على مكان وقوع الفعل:
 (۱) تجعل الطيور السماء رائعة عند طيرانها في الغروب!
 (۲) أجلسَتِ الوالدة بنتها الصغيرة عندها حتى تحكي لها حكاية!
 (۳) إنَّ صديقتي إذا تكلمت معها عن مشاكل تهتم بها!
 (۴) قلت لأُمِّي متى نستطيع أن نشاهد «قوس قزح»!
- ۳۴- «هم يُجاهدون في سبيل الله المتوكلين.» عین المناسب للمفعول المطلق:
 (۱) مجاهدةً (۲) جهاداً (۳) مجاهداً (۴) مجاهدةً
- ۳۵- عین ما ليس فيه المفعول فيه:
 (۱) اليوم أكملت لكم دينكم!
 (۲) إذا جاءت الحسنات تذهب السيئات!
 (۳) أينما تذهب تجد النصر للحق!
 (۴) اليوم يوم يرزقنا الله فيه نعماً كثيرةً!
- ۳۶- عین ما ليس فيه تأكيد للفعل:
 (۱) تلا القارى القرآن تلاوةً حسنة.
 (۲) تدور عقرب الدقائق دورة دائماً.
 (۳) تحسنت حال أُمِّي صباح اليوم تحسناً.
 (۴) ابتعد عن المعاصي ابتعاداً خائفاً من العقاب.
- ۳۷- عین ما ليس فيه المفعول فيه:
 (۱) بعد ترك الحرص ستكون معيشتك راحةً!
 (۲) كان يوم عيد الأضحى قريباً و الناس في فرح!
 (۳) والدتك تقوم بجميع الأعمال في المنزل، فمتى تستريح!
 (۴) أينما تكن قطرات المطر و ضوء الشمس تحدث ظاهرة قوس قزح.
- ۳۸- عین المفعول المطلق:
 (۱) أنت أكثر منى شكراً لله تعالى!
 (۲) شكراً على تكريم الشهداء يا ذوى المعرفة!
 (۳) دعت أُم صديقتي كل زميلاتي للاشتراك في الحفلة.
 (۴) «رسول خدا بجه‌ها را حقیقتاً دوست می‌داشت و شادمان و خندان با آن‌ها برخورد می‌کرد.»
- ۳۹- عین المفعول المطلق:
 (۱) زميلتي أكثر منى شكراً على نعم ربّي!
 (۲) لا شكر على الواجب أيها الطالبة!
 (۳) إنَّ للمعلم حقاً عظيماً على تلامذته دائماً!
 (۴) عند مواجهتي بالمشاكل ترشدني أنت حقاً!
- ۴۰- عین العبارة التي فيها اسم يدل على زمان وقوع الفعل:
 (۱) ربّنا! هب لنا ما نحتاج اليه اذا سألناك!
 (۲) ليس قرب بيتنا جبل إلا هذا التلّ الرّملي!
 (۳) أشتاقت نفسي اليوم إلى زيارة أصدقائي كثيراً!
 (۴) الوالي يشاور أصحابه يوم الأربعاء من كل أسبوع!
- ۴۱- عین كلمة «يوم» ليست منصوبة:
 (۱) تحسنت حالي صباح يوم رأيته!
 (۲) إنَّ عدد الغائبين اليوم في صفنا اثناعشر!
 (۳) أسفا على فقدان الطالب النشيط من بين الطلاب.
 (۴) اقترب يوم العيد و نحن هيئنا أنفسنا للسفر.
- ۴۲- عین المفعول فيه منصوباً:
 (۱) أشفا على فقدان الطالب النشيط من بين الطلاب.
 (۲) حضرنا في جلسة الامتحان قبل الموعد المقرر.
 (۳) قضيت ساعة واحدة في بيت أصدقائي.



- ٤٤- «أنه لعب في مباراة كرة السلة.....» عَيْن الخطأ للفراغ في بيان نوع الفعل:
- (١) لعب الأبطال! (٢) لاعباً متبحراً! (٣) لعب الفائزين! (٤) لعبةً دقيقةً! (سراسرى - انساني - ٨٤)
- ٤٥- عَيْن ما ليس فيه المفعول فيه:
- (١) سيبقى المؤمنون داعين للصّلاح أبداً! (٢) أصلى كلّ ليلة خلف الامام في المسجد! (٣) مازال الانسان الملتزم بعيداً عن الخمول و التكاسل! (٤) عندما تدخل الملائكة في أرض تخرج الشياطين منها! (سراسرى - انساني - ٨٤)
- ٤٦- عَيْن الجملة التي ليس فيها المفعول فيه:
- (١) ننتظر يوم نجاحك، فهل نراه؟! (٢) أين السعادة في الدنيا لنبحث عنها؟! (٣) تعلّم الأم أولادها درس الحياة دائماً. (٤) اشتركنا في مسابقات علمية بعد الامتحانات. (سراسرى - زبان - ٨٥)
- ٤٧- عين الجملة التي «مفعول به» فيها أكثر من واحد:
- (١) رحم الله المؤمنين رحمةً واسعة. (٢) جعل الله الأنبياء رحمةً للناس. (٣) أناديك يا رحمةً للعالمين لتشفق علينا. (٤) ملئت قلوب الأمهات رحمةً لأطفالهن. (سراسرى - زبان - ٨٥)
- ٤٨- عَيْن العبارة التي تعين مكان وقوع الفعل:
- (١) هو الذي ارسل رسوله بالهدى. (٢) اذا تمّ العقل نقص الكلام! (٣) طلب الطفل من أمه أن تجلس عنده. (٤) البر أن تعمل خيراً فيه صلاحك! (سراسرى - تجربى - ٨٥)
- ٤٩- عَيْن ما فيه تأكيد على وقوع الفعل:
- (١) ما شاهدنا في طريقنا إلا مناظر جميلة. (٢) تذهب الطالبات إلى المدرسة عاجلات و مُسرعات. (٣) من يطع الله و رسوله إطاعةً، ينجح في الدنيا و الآخرة. (٤) نعلم أن بعض الجبال أكثر ارتفاعاً من سائر جبال الأرض! (سراسرى - رياضى - ٨٥)
- ٥٠- عَيْن المفعول المطلق للنوع:
- (١) لى طالبتان تُرتلان القرآن ترتيلاً يؤثر في قلوبنا! (٢) ندعو الله حقاً أن تتحقق آمالنا في بناء مجتمعنا! (٣) كان شبنانا أسوداً هاجموا العدو مهاجمة! (٤) اللهم! وفقنا لرعاية حقوق ذى الحق توفيقاً! (سراسرى - هنر - ٨٥)
- ٥١- عَيْن المفعول فيه:
- (١) حان وقت الامتحان، فعليك أن تهيب نفسك له! (٢) شاهدنا يوماً حاراً في وقت ذهبنا الى تلك المدينة! (٣) اكتسبت من معلمى دروس الحياة فامدحه في جميع الايام! (٤) على الاباء و الامهات ان يتكلموا مع افراد الاسرة عند الحاجة! (سراسرى - انساني - ٨٥)
- ٥٢- عَيْن ما ليس فيه المفعول المطلق:
- (١) عامل الناس معاملته حسنة! (٢) إنه ترك الراحة و النوم اشتياًقاً للدرس! (٣) سبحان الله و له الحمد الكثير! (٤) ما أحسن للانسان أن يمشى كثيراً! (سراسرى - انساني - ٨٤)
- ٥٣- عَيْن المفعول المطلق:
- (١) الشكر للمخلوق كالشكر للخالق. (٢) شكراً كثيراً على جهادك يا مجاهداً في سبيل الله! (٣) حان وقت الشكر و الحمد بذكر مكارمه الأخلاقية. (٤) أقدم شكرى العظيم لمن ارشدنى الى طريق الحق! (سراسرى - تجربى - ٨٤)
- ٥٤- عَيْن ما ليس فيه المفعول فيه:
- (١) أين معزّ الأولياء و مذلّ الأعداء؟! (٢) متى تستيقظ من نوم الجهل، أيها الغافل؟! (٣) ألا تحب أن ترجع أيام الدراسة؟! (٤) إذا دعيت إلى مجلس كريم فاستجب! (سراسرى - رياضى - ٨٤)
- ٥٥- عَيْن «المفعول فيه»:
- (١) هو الذى خلق الليل و النهار. (٢) إن اليوم يوم الامتحان للتلاميذ. (٣) جلست عند صديقاتي و كتبنا الواجبات. (٤) من ورائكم برزخ، فإلى اين تسبرون؟! (سراسرى - زبان - ٨٣)
- ٥٦- اماً للفراغ بما يناسب المفعول المطلق النوعي: «..... قومي إلى الجد..... الألمين!»
- (١) دعا - مدعو (٢) أدعو - داعياً (٣) دعوت - دعوة (٤) دعت - الدعوة (سراسرى - رياضى - ٨٣)
- ٥٧- عَيْن العبارة التي ليس فيها المفعول المطلق:
- (١) تأثر الطالب بكلام معلمه أيضاً. (٢) نال الطالب نجاحاً عظيماً في الامتحان. (٣) سبحان الله ربّ العرش عما يصفون. (٤) معاذ الله من هذه الأخبار السيئة! (سراسرى - انساني - ٨٣)

(سراسری - انسانی - ٨٢)

(٣) سبحانک! آمنا بک شاکرین! (٤) کان عملهم فی الدنيا شکرًا!

(سراسری - زبان - ٨٢)

(٢) لا تُسافر مع مَنْ لا تعرفه!

(٤) أهم شيء فی السفر هو اختیار الملائم!

(سراسری - زبان - ٨١)

(٣) نظر الباحث (٤) نظرة دقيقة

(سراسری - ریاضی - ٨١)

(٢) و اخیراً العلم يمثل دوراً مهماً فی حياة الانسان!

(٤) إنَّ الله تعالى لا ينزل اسبابَ التقدم جاهزةً من السماء.

(سراسری - انسانی - ٨١)

(٢) أصلى صلاة الصبح عند مطلع الفجر.

(٤) و فوق كل ذي علم عليم.

(سراسری - انسانی - ٨١)

(٣) كلامک صحيح حقاً. (٤) كنت حقاً فی الأمر.

(سراسری - تجربی - ٨٥)

(٣) طلبت عفواً من الله. (٤) لا تنس عفواً تقدّر عليه!

(سراسری - هنر - ٧٩)

(٢) فالله يحکم بینکم يوم القيامة.

(٤) و لا يكلمهم الله يوم القيامة و لا يزكّيهم ...

(سراسری - تجربی - ٧٩)

(٢) قال لبثت يوماً أو بعض يوم.

(٤) أن الساعة آتية لا ريب فيها.

(سراسری - ریاضی - ٧٩)

(٢) احمد الله حمد الشاکرين.

(٤) كان حمده حمد المخلصين.

(سراسری - ریاضی - ٧٩)

(٣) يصوم المسلمون شهر رمضان. (٤) يحب المومنون شهر الصيام.

(آزمایشی - سنجش - ٩٥)

(٢) إن عفواً من صديقي الحنون جميل!

(٤) لا تطلب عفواً بدون الجهد و التوبة!

(آزمایشی - سنجش - ٩٥)

(٢) الناس يشجعون أبناء وطنهم تشجيعاً يدافعون بأنفسهم عنه!

(٤) يحدث المهندسون أبنية كثيرة بأسلوب إسلامي إحداثاً جميلاً!

(آزمایشی - سنجش - ٩٥)

٥٨- عین المفعول المطلق:

(١) اعملی الحسناتِ صادقةً! (٢) لا تحسبی خیرک كثيراً!

٥٩- «سَلْ عَنِ الرَّفِيقِ قَبْلَ الطَّرِيقِ!» لیس الغرض من العبارة:

(١) لا تُسافر وحيداً!

(٣) ابحث عن صديقک فی الطريق!

٦٠- عین الخطأ للفراغ لبيان نوع الفعل: «ينظر العاقل الى الامور»

(١) ناظر الحقيقة (٢) نظر المتأمل

٦١- عین «المفعول المطلق»:

(١) هي تحب ان تصبح صحيفيّة، لكنها لا تتمنى ان تنزل اسبابها جاهزة.

(٣) ما انشط هذه الطالبة حقاً، هي تراجع دروسها فی الصباح!

٦٢- عین العبارة التي تعین زمان وقوع الفعل:

(١) إنَّ يوم الجمعة من الأيام المباركة.

(٣) سخر الله الليل و النهار للانسان.

٦٣- عین «المفعول المطلق»:

(١) إنَّ فی ذلك حقاً. (٢) طلبت حقاً قد سلب.

٦٤- عین الصحيح فی المفعول مطلق:

(١) إنَّ عفواً من عندک جميل. (٢) إلهی! عفواً عن المذنبين!

٦٥- مِيز الآية الكريمة التي ما جاء فيها المفعول فيه.

(١) اليوم أكملت لكم دينکم

(٣) قال الله هذا يوم ينفع الصادقين.

٦٦- مِيز الآية الكريمة التي جاء فيها المفعول فيه.

(١) هذا يوم الفصل الذي كنتم به تكذبون.

(٣) ربنا إنک جامع الناس ليوم لا ريب فيه.

٦٧- مِيز كلمة «حمد» مفعولاً مطلقاً.

(١) أوْدَ لو يكون حمدی حمد الطائعين.

(٣) إنَّ الحمد لله رب العالمين.

٦٨- مِيز العبارة التي جاء فيها المفعول فيه منصوباً:

(١) أنزل القرآن فی شهر رمضان. (٢) شهر رمضان شهر الصيام.

٦٩- عین العبارة التي جاء فيها مكان وقوع الفعل:

(١) المقاومة أمام الأعداء أمر واجب على كل أبناء الشعب!

(٢) تلك الليلة بعد أن نام أفراد أسرتي كنت أنا أفكر عن كلام أبي!

(٣) إنَّ يَنه الإنسان المؤمن الآخرين عن المنکر، فعليه أن لا يقترب منه!

(٤) إنَّ كثيراً من الناس فی يوم النزهة يذهبون إلى خارج المدينة ليستريحوا قليلاً!

٧٠- عین المفعول المطلق:

(١) إلهی، عفواً عن ذنوبنا!

(٣) رجوت عفواً من الله تعالى!

٧١- عین المفعول المطلق للتأكيد:

(١) حقاً تُخصّص الأمّ نقوداً لشراء ملزومات البيت فی كل يوم!

(٣) عصفت الريح الشديدة عصفاً كسرت الأشجار فی الشوارع!

٧٢- عین ما ليس فيه «المفعول فيه» للزمان:

(١) صباح يوم من الأيام وفرت لأسرتي الطعام الذي قبل أن يستيقظوا!

(٢) سيأتي صاحب البيت الآن لطلب إجارته و لكنني لا أستطيع دفعها!

(٣) قرأت جزأين إثنين من القرآن دون خطأ عند أستاذي الكريم فشجعتني!

(٤) عند وفاة جدّي الحنون كان عمري أكثر من ثلاث سنوات مع هذا لن أنساه!



- ٧٣- «يعمل مهندسو وطني في المصانع ساعاتٍ عديدة!» عَيَّن الصحيح عن إعراب «ساعات»:
(١) مفعول به و منصوب (٢) ظرف زمان و مجرور (٣) مفعول مطلق و مجرور (٤) مفعول فيه و منصوب (أزمایشی سنجش - ٩٥)
- ٧٤- «من صفات المنافقين التملُّق عند الحاجة و التكبر عند القدرة!»:
(١) عند: اسم - نكرة - معرب / ظرف أو مفعول فيه للمكان و منصوب (٢) المنافقين: جمع سالم للمذكر - مشتق و اسم فاعل (مصدره: إنفاق) / نعت و مجرور بالتبعية (٣) التملُّق: مفرد مذكر - جامد - مصدر (من باب تفعل) - معرّف بآل - معرب / مبتدأ مؤخر و مرفوع، و الجملة اسمية (٤) صفات: جمع تكسير (مفردة: صفة، مؤنث) - مشتق و صفة مشبهة / مجرور بحرف الجر، من صفات: جار و مجرور و خبر مقدّم (أزمایشی سنجش - ٩٥)
- ٧٥- عَيَّن ما ليس فيه المفعول فيه:
(١) أنتم لاتضيّعون أياماً تدرسون فيها، بل تنتفعون بها! (٢) يستعدُّ المسلمون لدفع زكاة الفطر ليلة عيد الفطر! (٣) تهاجر العصافير الجميلة إلى البلاد الأخرى قبل فصل الشتاء! (٤) اجعل واجباتك المدرسيّة بعد كتابتها و مطالعتها تحت المنضدة! (أزمایشی سنجش - ٩٥)
- ٧٦- عَيَّن المفعول المطلق:
(١) المبتسمون للحياة ليسوا أسعد حالاً لأنفسهم فقط، بل هم أقدر على العمل كذلك! (٢) قطع المسافرون مسافةً بعيدةً بسيّارهم ثمّ وصلوا إلى مقصدهم نصف الليل! (٣) في أيّ يوم من أيّام الأسبوع كنت تذهب مع زملائك إلى المكتبة العامّة! (٤) معاذ الله من وساوس الشياطين، إنّها تُرشد الإنسان إلى السيّئات! (أزمایشی سنجش - ٩٥)
- ٧٧- عَيَّن ما ليس فيه المفعول فيه:
(١) لا ينقص العلم بالإنفاق أبداً، أيّها العالم! (٢) بعد أن سمعت كلامك تعجّبت منه كثيراً! (٣) تعلّمتُ العربيّة لمُدّة أربع سنوات في المدرسة! (٤) فاز هذا الفريق في المسابقة الأسبوع الماضي! (أزمایشی سنجش - ٩٥)
- ٧٨- عَيَّن العبارة التي ليس فيها المفعول به:
(١) شاهدت زميلتي في الشارع و سلّمت عليها! (٢) طالعنا كثيراً من المقالات حتّى الآن! (٣) إنّهم تأخّروا شهراً عن موعدهم للرجوع! (٤) اشترت من المكتبة بعض الكتب المفيدة! (أزمایشی سنجش - ٩٥)
- ٧٩- عَيَّن كلمة «يوم» في غير إعراب النصب:
(١) إنّ عدد المشاركين اليوم في السّباق اثنا عشر فريقاً! (٢) أصبحت حالي جيّدةً نهار اليوم الّذي شاهدت صديقي! (٣) المعلّم يتحدّث مع تلامذته يوم الخميس حول الامتحانات! (٤) قلت لنفسي اليوم واجب عليّ أن أذهب لزيارة المرضى! (أزمایشی سنجش - ٩٥)
- ٨٠- عَيَّن ما ليس فيه مفعولان به اثنان:
(١) هل علمتم هذين التلميذين قراءة القرآن و التدبّر فيه! (٢) ربّ: أعطنى سجيّة الأحرار من السلف الصالح! (٣) تعلّمت هذه الطالبة كيفية تدوين اللغة العربيّة جيّداً! (٤) قلّت لها: عدى تلميذاتك الساعات جوائز نفيسة! (أزمایشی سنجش - ٨٩)
- ٨١- عَيَّن ما ليس فيه المفعول المطلق:
(١) قلّت في نفسي: حمداً لله على معنويّاتي الحسنة في الشدائد! (٢) اعتذرت من المجرور الذي أوقعته أنا على الأرض اعتذاراً! (٣) أنا أتناول الطّعام بقدر ما يحتاج إليه بدني فأكون سالماً دائماً! (٤) يا بنيّتي، يجب عليك أن تجلسي أمام الكبار جلوس المؤدّبين! (أزمایشی سنجش - ٨٩)
- ٨٢- «المؤمنات ربّهن الراغبات.» عَيَّن المناسب للفراغ:
(١) يدعون / دعوة (٢) تدعون / محبة (٣) يدعون / دعوة (٤) يذكرن / ذاكرات (أزمایشی سنجش - ٨٩)
- ٨٣- عَيَّن العبارة التي تعيّن زمان وقوع الفعل:
(١) نجحت الطالبات في امتحانات هذه السنة. (٢) قضينا أسبوعاً كاملاً في السفر. (٣) ذهبنا إلى المسجد عند طلوع الشمس. (٤) اقترب يوم العيد و نحن فرحون. (أزمایشی سنجش - ٨٩)
- ٨٤- «حاسبوا أنفسكم قبل أن تحاسبوا!»:
(١) أنفس: جمع تكسير (مفردة: نفس) - مشتق و اسم تفضيل - معرّف بالإضافة - ممنوع من الصرف / مفعول به و منصوب (٢) تحاسبوا: مضارع - للمخاطبين - مزيد ثلاثي من باب مفاعلة / فعل منصوب بحذف نون الإعراب، نائب فاعله ضمير الواو البارز (٣) حاسبوا: أمر - للغائبين - معتل و أجوف - متعدّد / فعل و فاعل ضمير الواو البارز، و الجملة فعلية (٤) قبل: اسم - نكرة - معرب - منصرف / ظرف أو مفعول فيه للمكان و منصوب تقديراً (أزمایشی سنجش - ٨٩)

۸۵- عَيْنَ ما لَيْسَ فِيهِ الْمَفْعُولُ الْمَطْلُوقُ:

- (۱) إِنَّهُ يَشْبَهُ أُمَّهُ كَثِيراً فِي خَلْقِهِ!
(۳) إِنَّهُ يَقْفُزُ عَلَى الْعَدُوِّ قَفْزَةَ الْأَسَدِ!

۸۶- عَيْنَ ما لَيْسَ فِيهِ مِنَ الْمَفَاعِيلِ:

- (۱) نَحْنُ نَقِفُ أَمَامَ هُجُومِ الْأَعْدَاءِ!
(۳) سَوْفَ تَتَحَقَّقُ أَمَالُنَا تَحَقُّقاً!

۸۷- «عَلَيْكَ أَنْ تَنْظُرَ إِلَى أَعْمَالِكَ الْعَدِيدَةِ...» عَيْنَ الْخَطَأِ لِلْفَرَاغِ لِبَيَانِ نَوْعِ الْفِعْلِ:

- (۱) نَظْراً دَقِيقاً! (۲) نَظَرَ الْبَاحِثِ! (۳) نَظْرَةً دَقِيقَةً! (۴) نَظَرَ الْعَاقِلِ!

۸۸- عَيْنَ الصَّحِيحِ فِي التَّشْكِيلِ: «إِنْ نَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ يُجَازِينَا بِإِسَاءَتِنَا وَإِحْسَانِنَا، نَعْمَلُ أَعْمَالاً صَالِحَةً!»:

- (۱) اللَّهُ - يُجَازِي - إِحْسَان - نَعْمَلُ
(۳) نَعْلَمُ - إِسَاءَتِنَا - نَعْمَلُ - صَالِحَةً
(۴) إِنْ - نَعْلَمُ - يُجَازِي - إِحْسَانِ

۸۹- عَيْنَ ما لَيْسَ فِيهِ الْمَفْعُولُ فِيهِ:

- (۱) بَعْدَ أَيَّامِ الدَّرَاسَةِ مَاذَا سَتَعْمَلُ فِي الْمُسْتَقْبَلِ؟
(۳) مَتَى يَسْتَقِظُ أَبُوكَ وَ أَخُوكَ مِنَ النَّوْمِ؟

۹۰- عَيْنَ ما لَيْسَ فِيهِ الْمَفْعُولُ فِيهِ:

- (۱) عِنْدَنَا امْتِحَانٌ صَعِبٌ جَداً يَوْمَ الْخَمِيسِ.
(۳) لِيَالِي الشِّتَاءِ نَسْتَمِعُ إِلَى ذِكْرِيَاتِ أَبِي الْحَنُونِ.
(۴) صَبَاحَ يَوْمِ الْجُمُعَةِ كُنَّا قَدْ ذَهَبْنَا إِلَى بَيْتِ جَدَّتِي.

۹۱- عَيْنَ الْعِبَارَةِ الَّتِي لَيْسَ فِيهَا مَفْعُولٌ فِيهِ لِلْمَكَانِ:

- (۱) ذَلِكَ الْبَيْتُ الَّذِي بَعْدَ هَذَا الشَّارِعِ هُوَ بَيْتُنَا!
(۳) دَخَلْتُ فِي الصَّفِّ بَعْدَ أَنْ دَخَلْتَ الْأُسْتَاذَةَ!
(۲) الَّذِي كَانَ جَالِساً خَلْفَكَ صَبَاحاً هُوَ أَخِي!

۹۲- «مَتَى تَسْتَرِيحُ وَ أَنْتَ تَقُومُ بِأَعْمَالِكَ الْكَثِيرَةِ مَعَ وَاجِبَاتِكَ الدِّرَاسِيَّةِ!»:

- (۱) كَيْ بَه اسْتِرَاحَتِ مَشْغُولِ هَسْتِي كَه بَه اِنْجَامِ اَعْمَالِ فَرَاوَانِ بَا وَظَايِفِ دَرَسِيَّاتِ اِقْدَامِ كُنِي!
(۲) چَه وَقتِ اسْتِرَاحَتِ مِي كُنِي وَ تَو بَه اَعْمَالِ بَسِيَّارِ هَمْرَاهِ تَكْلِيفِ هَايِ دَرَسِي مَشْغُولِ مِي شَوِي!
(۳) تَو كِي بَه اسْتِرَاحَتِ مِي پَرْدَازِي كَه بَا وَاجِبَاتِ دَرَسِي خُودِ، كَارِهَايِ بَسِيَّارَتِ رَا اِنْجَامِ مِي دَهِي!
(۴) تَو چَه وَقتِ اسْتِرَاحَتِ مِي كُنِي دَر حَالِي كَه كَارِهَايِ بَسِيَّارَتِ رَا هَمْرَاهِ تَكَايِفِ دَرَسِيَّاتِ اِنْجَامِ مِي دَهِي!

۹۳- عَيْنَ الْمَفْعُولِ فِيهِ مَنْصُوباً:

- (۱) تَوَجَّهَ الصَّيَّادُ إِلَى الْبَحْرِ فِي الصَّبَاحِ الْبَاكِرِ!
(۳) عَلَيْنَا أَنْ لَا نَضِيعَ مِنْ عَمَرِنَا لِحِظَةً لَأَنْتَ لَنْ تَعُودَ!
(۲) لَيْتَ أَيَّامَ الصَّبَا تَعُودَ لَأَنْتَ كَانَتْ رَائِعَةً كَثِيراً!

۹۴- «أَنَّ الْغَوَاصِينَ يَقْدِرُونَ أَنْ يَغُوصُوا فِي الْبَحَارِ أَكْثَرَ سَبَبٍ وَجُودِ الْمَعْدَّاتِ الْحَدِيثَةِ!»:

- (۱) بَا تَجْهِيْزَاتِ جَدِيدِ، غَوَاصَانِ تَوَانِيْبِي أَنْ رَا دَارَنْدَ كَه دَر دَرِيَاها غَوَاصِي كَنْدند!
(۲) غَوَاصَانِ بَه عِلْتِ وَ جُودِ تَجْهِيْزَاتِ جَدِيدِ مِي تَوَانَنْدَ بِيْشِ تَر دَر دَرِيَاها غَوَاصِي كَنْدند!
(۳) امْرُوزَه بَه سَبَبِ وَسَائِلِ جَدِيدِ غَوَاصَانِ قَادِرِ هَسْتَنْدَ بَسِيَّارِ دَر دَرِيَا فَرُو بَرُونْدند!
(۴) بَه وَاسَطَهِي امْكَانَاتِ جَدِيدِ شَنَاكَرَانِ مِي تَوَانَنْدَ دَر دَرِيَا بِيْشِ تَر فَرُو رُونْدند!

۹۵- عَيْنَ ما لَيْسَ فِيهِ الْمَفْعُولُ فِيهِ:

- (۱) كَانَ النَّبِيُّ (ص) يَنْشُرُ دِينَهُ لَيْلاً وَ نَهَاراً.
(۳) طَلَبْتُ مِنْ صَدِيقِي أَنْ يَجْلِسَ لِحِظَةً عِنْدِي.
(۲) جَعَلَ اللَّهُ هَذَا الْيَوْمَ مَبَارَكاً.

۹۶- عَيْنَ ما لَيْسَ فِيهِ الْمَفْعُولُ فِيهِ:

- (۱) الْمُؤْمِنَاتُ الصَّالِحَاتُ يَشْكُرْنَ رَبَّهُنَّ دَائِماً.
(۳) حَانَتْ أَيَّامُ الْامْتِحَانَاتِ وَ نَحْنُ لَمْ نَسْتَعِدَّلْهَا.
(۲) مَتَى يَنْتَهِي عَمَلُكَ وَ تَذْهَبُ إِلَى الْمَكْتَبَةِ.

۹۷- «إِنْسَانٌ مِي تَوَانْدَ نَاشَاخْتَهَايِي رَا بَه وَاسَطَهِي تَجْهِيْزَاتِ جَدِيدِ، كَشَفَ كَنْدَ وَ بَرِ عِلْمِ خُودِ بِيْفَزَايِد.»:

- (۱) قَدْ يَسْتَطِيعُ الْمَرْءُ أَنْ يَكْتَشِفَ الْمَجْهُولَ بِوَسِطَةِ الْمَعْدَةِ الْحَدِيثَةِ وَ لِيَكْثُرَ عِلْمُهُ.
(۲) إِنْ الْإِنْسَانَ اسْتَطَاعَ كَشْفَ مَجْهُولَاتٍ بِوَسِطَةِ الْمَعْدَةِ الْحَدِيثَةِ وَ يَكْثُرُ مِنْ عِلْمِهِ.
(۳) الْإِنْسَانُ اسْتَطَاعَ حَتَّى اِكْتَشَفَ مَجْهُولَاتٍ بِمُسَاعَدَةِ الْمَعْدَاتِ الْحَدِيثَاتِ وَ يَزِدُّ مِنْ عِلْمِهِ.
(۴) يَسْتَطِيعُ الْإِنْسَانُ أَنْ يَكْتَشِفَ مَجْهُولَاتٍ بِوَسِطَةِ الْمَعْدَاتِ الْحَدِيثَةِ وَ يَزِيدُ مِنْ عِلْمِهِ.

(آزمایشی سنجش - ۹۰)

- (۲) حمداً لأستاذي على كلِّ أعماله المحمودة!
(۴) شاهدت احتفالاً عظيماً بمناسبة عشرة الفجر!

(آزمایشی سنجش - ۸۹)

- (۲) لن ننسى شجاعة الشبان في الحرب!
(۴) يعيش البخيل في الدنيا بصعوبة!

(آزمایشی سنجش - ۸۹)

- (۱) نظراً دقيقاً! (۲) نظر الباحث! (۳) نظرة دقيقة! (۴) ناظر العاقل!

(آزمایشی سنجش - ۸۹)

- (۲) يُجَازِيْنَا - إِحْسَانِنَا - نَعْمَلُ - صَالِحَةً
(۴) إِنْ - نَعْلَمُ - يُجَازِي - إِحْسَانِ

(آزمایشی سنجش - ۸۹)

- (۲) عسى أعمال اليوم تقربك إلى أهدافك!
(۴) عندنا عمال فتيون يعملون في العمل!

(آزمایشی - ۸۹)

- (۲) لكلِّ عامِ اِثْنَا عَشَرَ شهراً و في كلِّ أسبوعِ سبعةِ أيَّامِ.
(۴) صباحَ يومِ الجمعةِ كنَّا قد ذهبنا إلى بيتِ جدَّتِي.

(آزمایشی سنجش - ۸۹)

- (۲) الَّذِي كَانَ جَالِساً خَلْفَكَ صَبَاحاً هُوَ أَخِي!
(۴) طَلَبْتُ مِنْ زَمِيلَاتِي أَنْ يَنْتَظِرْنَ خَلْفَ بَابِ الصَّفِّ!

(آزمایشی سنجش - ۸۹)

- (۱) كِي بَه اسْتِرَاحَتِ مَشْغُولِ هَسْتِي كَه بَه اِنْجَامِ اَعْمَالِ فَرَاوَانِ بَا وَظَايِفِ دَرَسِيَّاتِ اِقْدَامِ كُنِي!
(۲) چَه وَقتِ اسْتِرَاحَتِ مِي كُنِي وَ تَو بَه اَعْمَالِ بَسِيَّارِ هَمْرَاهِ تَكْلِيفِ هَايِ دَرَسِي مَشْغُولِ مِي شَوِي!
(۳) تَو كِي بَه اسْتِرَاحَتِ مِي پَرْدَازِي كَه بَا وَاجِبَاتِ دَرَسِي خُودِ، كَارِهَايِ بَسِيَّارَتِ رَا اِنْجَامِ مِي دَهِي!
(۴) تَو چَه وَقتِ اسْتِرَاحَتِ مِي كُنِي دَر حَالِي كَه كَارِهَايِ بَسِيَّارَتِ رَا هَمْرَاهِ تَكَايِفِ دَرَسِيَّاتِ اِنْجَامِ مِي دَهِي!

(آزمایشی سنجش - ۸۹)

- (۲) لَيْتَ أَيَّامَ الصَّبَا تَعُودَ لَأَنْتَ كَانَتْ رَائِعَةً كَثِيراً!
(۴) فِي لَيْلَةٍ مَطَرَةٍ سَأَلْنِي طِفْلِي: أُمَاهُ، أَيْنَ الشَّمْسُ!

(آزمایشی سنجش - ۸۸)

- (۱) بَا تَجْهِيْزَاتِ جَدِيدِ، غَوَاصَانِ تَوَانِيْبِي أَنْ رَا دَارَنْدَ كَه دَر دَرِيَاها غَوَاصِي كَنْدند!
(۲) غَوَاصَانِ بَه عِلْتِ وَ جُودِ تَجْهِيْزَاتِ جَدِيدِ مِي تَوَانَنْدَ بِيْشِ تَر دَر دَرِيَاها غَوَاصِي كَنْدند!
(۳) امْرُوزَه بَه سَبَبِ وَسَائِلِ جَدِيدِ غَوَاصَانِ قَادِرِ هَسْتَنْدَ بَسِيَّارِ دَر دَرِيَا فَرُو بَرُونْدند!
(۴) بَه وَاسَطَهِي امْكَانَاتِ جَدِيدِ شَنَاكَرَانِ مِي تَوَانَنْدَ دَر دَرِيَا بِيْشِ تَر فَرُو رُونْدند!

(آزمایشی سنجش - ۸۸)

- (۲) جَعَلَ اللَّهُ هَذَا الْيَوْمَ مَبَارَكاً.
(۴) يَجْمَعُ اللَّهُ كُلَّ النَّاسِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

(آزمایشی سنجش - ۸۹)

- (۲) مَتَى يَنْتَهِي عَمَلُكَ وَ تَذْهَبُ إِلَى الْمَكْتَبَةِ.
(۴) إِذَا شِئْتَ أَنْ تُصَلِّيَ فَتَوَضَّأْ أَوَّلاً.

(آزمایشی سنجش - ۸۸)

- (۱) قَدْ يَسْتَطِيعُ الْمَرْءُ أَنْ يَكْتَشِفَ الْمَجْهُولَ بِوَسِطَةِ الْمَعْدَةِ الْحَدِيثَةِ وَ لِيَكْثُرَ عِلْمُهُ.
(۲) إِنْ الْإِنْسَانَ اسْتَطَاعَ كَشْفَ مَجْهُولَاتٍ بِوَسِطَةِ الْمَعْدَةِ الْحَدِيثَةِ وَ يَكْثُرُ مِنْ عِلْمِهِ.
(۳) الْإِنْسَانُ اسْتَطَاعَ حَتَّى اِكْتَشَفَ مَجْهُولَاتٍ بِمُسَاعَدَةِ الْمَعْدَاتِ الْحَدِيثَاتِ وَ يَزِدُّ مِنْ عِلْمِهِ.
(۴) يَسْتَطِيعُ الْإِنْسَانُ أَنْ يَكْتَشِفَ مَجْهُولَاتٍ بِوَسِطَةِ الْمَعْدَاتِ الْحَدِيثَةِ وَ يَزِيدُ مِنْ عِلْمِهِ.



- ۹۸- «إِنَّ العلماء الفيزيائيين يريدون أن يكتشفوا موضوعات مختلفة تحتاج إليها حياة الانسان.»:
(۱) قطعاً علمای فیزیک‌دان می‌خواهند موضوعات مختلفی را کشف کنند که زندگی انسان به آن‌ها نیاز دارد.
(۲) بی‌شک علمای فیزیک خواستار این هستند که احتیاج زندگی بشر را به موضوعات مختلفش کشف کنند.
(۳) همانا خواست دانشمندان فیزیک، کشف موضوعات مورد نیاز زندگی بشر بوده است.
(۴) مسلماً فیزیک‌دانان کشف موضوعاتی را خواستارند که زندگی انسان، محتاجش است.
- ۹۹- عَيْنَ العبارة التي تعينَ زمان وقوع الفعل:
(۱) خلق الله الليل والنهار للإنسان.
(۲) سلمت على أبي حين واجهته في الساحة.
(۳) شاهدتُ هلال القمر و كان في السماء.
(۴) إنَّ يوم الجمعة، يوم العطلة في الأسبوع.
- ۱۰۰- عَيْنَ الصحيح في التشكيل: «حاسب نفسك في هذه الدنيا قبل أن تحاسب يوم القيامة!»:
(۱) هذه - قَبْلَ - أُنَّ - الْقِيَامَةِ (۲) نَفْسٌ - قَبْلَ - أَنْ - تُحَاسَبَ (۳) حَاسِبٌ - نَفْسٌ - قَبْلَ - يَوْمِ (۴) الدُّنْيَا - تُحَاسَبُ - يَوْمَ - الْقِيَامَةِ
(۱۰۱- عَيْنَ المفعول فيه منصوباً:
(۱) أذهب مع أَسْرَتِي إلى المسجد الذي يقع قرب بيتنا.
(۲) إن ضاق لك رزقُ اليوم فعليك أن تصبري إلى غد.
(۳) عَيْنَ ما ليس فيه المفعول المطلق:
(۱) سبحان الله الذي سَخَّرَ لنا كُلَّ الطبيعة!
(۲) علينا الشكر على المواهب الإلهية في حياتنا!
(۳) ندعو الله كثيراً أن يوفقنا في أمورنا اليومية لكي نخدم الناس!
(۴) قلت لتلميذاتي المجذبات: شكراً على اجتهاد كنَّ في سبيل الوصول إلى النجاح!
- ۱۰۲- «فيزیک‌دانان در سال‌های اخیر به این نتیجه رسیده‌اند که هر جسمی قرینه‌ای دارد.»:
(۱) انَّ العلماء الفيزيائي استنتج في السنوات الأخير أنَّ قريناً لكل جسم.
(۲) إنَّ علماء الفيزياء قد استنتجوا في السنوات الأخيرة أنَّ لكلِّ جسم قريناً.
(۳) كان علما الفيزياء قد استنتجوا أنَّ كلَّ جسم قرين له السنين الأخيرة.
(۴) كان العلماء الفيزيائيون يستنتجوا القرينَ لكلِّ جسم في السنين الأخيرة.
- ۱۰۴- «قام العلماء بأبحاث علمية حول الموضوعات المتعددة في المواد.»:
(۱) علما به بحث‌های علمی درباره‌ی موارد متعددی در ماده‌ها اقدام نموده‌اند.
(۲) علما پیرامون موضوعات عیدیه‌ای در مواد به بحث و جدل پرداخته‌اند.
(۳) دانشمندان به تحقیقاتی علمی پیرامون موضوعات گوناگون در مواد پرداختند.
(۴) دانشمندان جستجوهای علمی را در مورد موضوعات متنوعی در مواد برپا داشتند.
- ۱۰۵- عَيْنَ المفعول فيه منصوباً:
(۱) لي مكانة خاصة عند معلّمتي.
(۲) نُكْرِمَ يوم التلميذ في كلِّ سنة.
(۳) اخاف اَيّام الشيب لأني ساكون عجوزاً.
(۴) ذهب الى حديقة يجري من تحتها نهر جارٍ.
- ۱۰۶- عَيْنَ العبارة التي تعينَ زمان وقوع الفعل:
(۱) شاركت في المسابقات العلمية مع صديقتي.
(۲) كان الطلاب ينتظرون خلف باب الصفّ.
(۳) إنَّ أَيّام الدراسة من الأَيّام الجميلة.
(۴) نذهب أَيّام الجمعة لزيارة أقرائنا.
- ۱۰۷- عَيْنَ ما ليس فيه المفعول فيه:
(۱) أنا تأملت في عاقبة أعمالِي لحظة واحدة.
(۲) كلَّ معلّم يطلب من تلاميذه الاستماع إلى الدّرس أولاً.
(۳) أجلس جانباً من شاطئ البحر و أنظر إلى إمواجه.
(۴) نحن وصلنا إلى مدينة اصفهان و استرحنا جميعاً في فندق.
- ۱۰۸- عَيْنَ «عند» ظرفاً للزمان:
(۱) عندِي أسرةٌ ترشدني الى الصداقة!
(۲) لا تجد هذا الكتاب الا عند المكتبة العامة!
(۳) كان عندنا صديق غادر نجتبه دائماً!
(۴) راقب نفسك عند المعصية فإنَّ الله يراها!
- ۱۰۹- «أرادت عمّتي أن يرَبِّي بنتانها اللّتي تُحبّهما كثيراً تربيةً صحيحةً.» عَيْنَ الأخطاء:
(۱) اللّتي - تحبّهما - تربية (۲) عمّتي - يرَبِّي - بنتانها (۳) بنتانها - اللّتي - تحبّهما (۴) يرَبِّي - بنتانها - اللّتي

(آزمایشی سنجش - ۸۶)

۱۱۰- عَيْنَ مَا لَيْسَ فِيهِ بَيَانٌ عَنِ الْفَعْلِ:

- (۱) سَبَّحَ رَبِّكَ كَثِيرًا قَبْلَ أَنْ تَطْلُعَ الشَّمْسُ الْجَمِيلَةُ!
 (۳) أَكْمَلَ اللَّهُ لَنَا دِينَنَا إِكْمَالًا حَقِيقِيًّا بِرَسُولِنَا!
 (۲) رَبَّيْتَ تَلْمِيزَاتِي لَيْلًا وَنَهَارًا مُسْتَعِينَةً بِاللَّهِ!
 (۴) إِلَهُنَا مِنْ خَلْقِنَا وَخَلَقَ الظَّاهِرَاتِ خَلْقَةً حَسَنَةً!

(آزمایشی سنجش - ۸۶)

۱۱۱- «قرآن برای انسانی که قلبش فقط از راه علم مطمئن می شود آیاتی عملی آورده است!»:

- (۱) الْقُرْآنُ أَتَى الْآيَاتِ الْعِلْمِيَّةَ لِلْإِنْسَانِ الَّذِي لَمْ تَطْمَئِنْ قَلْبُهُ إِلَّا مَعَ الْعِلْمِ!
 (۲) أَتَى الْقُرْآنَ لِلْإِنْسَانِ أَنْ لَمْ تَطْمَئِنْ قَلْبُهُ إِلَّا بِالْعِلْمِ الْإِلَهِيِّ!
 (۳) الْقُرْآنُ قَدْ أَتَى لِلْإِنْسَانِ الَّذِي لَا يَطْمَئِنْ قَلْبُهُ إِلَّا عَنْ طَرِيقِ الْعِلْمِ بَيَاتِ عِلْمِيَّةٍ!
 (۴) يُوْتِي الْقُرْآنَ بِالْآيَاتِ الْعِلْمِيَّةِ لِلْإِنْسَانِ أَنْ لَا يَطْمَئِنْ قَلْبُهُ إِلَّا عَنْ سَبِيلِ الْعِلْمِ!

(آزمایشی سنجش - ۸۶)

۱۱۲- لِرَفْعِ الشُّكِّ عَمَّنْ يَشُكُّ فِي جِهَادِ الْمُقَاتِلِ، نَقُولُ لَهُ:

- (۱) رَأَيْتَ الْمُقَاتِلَ يَجَاهِدُ بِمَالِهِ وَنَفْسِهِ!
 (۳) جَاهِدِ الْمُقَاتِلَ حَبًّا فِي إِحْرَازِ مَرْضَاةِ اللَّهِ!
 (۲) جَاهِدِ الْمُقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ مُجَاهِدَةً!
 (۴) يَجَاهِدِ الْمُقَاتِلُ جِهَادَ الْجُنُودِ فِي صَدْرِ الْإِسْلَامِ!

(آزمایشی سنجش - ۸۶)

۱۱۳- «غُصَّ فِي بَحْرِ الْعِلْمِ فَتَتَخَلَّصَ مِنْ ظِلَامِ الْجَهْلِ!»:

- (۱) فَرُو رَفْتَنَ دَرِ دِرْيَايِ عِلْمِ تُو رَا اَز تَارِيكِي هَايِ نَادَانِي رَهَايِي مِي بَخْشَد!
 (۲) دَرِ دِرْيَايِ عِلْمِ غُوْطَه وَر شُو تَا اَز تَارِيكِي نَادَانِي نَجَاتِ يَابِي!
 (۳) دَرِ دِرْيَايِ عِلْمِ غُوْطَه خُورَد تَا اَز سِيَاهِي جَهْلِ نَجَاتِ يَابَد!
 (۴) بَرَايِ رَهَايِي اَز سِيَاهِي جَهْلِ دَرِ دِرْيَايِ عِلْمِ فَرُو رُو!

(آزمایشی سنجش - ۸۵)

۱۱۴- عَيْنَ مَا لَيْسَ فِيهِ الْمَفْعُولُ فِيهِ:

- (۱) رَأَيْتَهُ مُتَجَوِّلاً فِي السُّوقِ وَهُوَ لَمْ يَشْتَرِ شَيْئًا!
 (۳) تَجَمَّعَ الْمُوظَّفُونَ حَوْلَهُ لَمَّا عَرَفُوا أَنَّهُ رُئِيسُهُمْ!
 (۲) هُنَاكَ قَرْيَةٌ فِي أَصْفَهَانَ أَذْهَبَ إِلَيْهَا دَائِمًا.
 (۴) كُنْتُ جَالِسَةً عِنْدَ صَدِيقَتِي فَدَخَلَتْ عَلَيْنَا صَدِيقَةٌ أُخْرَى.

(آزمایشی سنجش - ۸۵)

۱۱۵- عَيْنَ الْعِبَارَةِ الَّتِي لَيْسَ فِيهَا «مَفْعُولٌ فِيهِ لِلْمَكَانِ»:

- (۱) الْعِقَابُ شَدِيدٌ عَلَى الظَّالِمِينَ يَوْمَ الْحِسَابِ!
 (۳) أَيُّهَا النَّاسُ! لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ!
 (۲) الطَّائِرُ فَوْقَ الشَّجَرَةِ يَغْرَدُ وَ يَسْرُنَا فِي كُلِّ الْأَحْوَالِ
 (۴) شَاهَدْتُ أَصْدِقَائِي فِي الطَّرِيقِ وَ ذَهَبْنَا جَمِيعًا نَحْوَ الْمَدْرَسَةِ.

(آزمایشی سنجش - ۸۴)

۱۱۶- عَيْنَ الْمَفْعُولِ فِيهِ مَنْصُوبًا:

- (۱) اقْتَرَبَ يَوْمَ الْعِيدِ وَأَعْمَالُنَا بَاقِيَةٌ.
 (۳) عَلَيْكَ مَطَالَعَةُ الدَّرُوسِ خَاصَّةً عِنْدَ الْامْتِحَانِ.
 (۲) قَضَيْنَا كُلَّ الصَّبَاحِ فِي زِيَارَةِ الْأَقْرَبَاءِ.
 (۴) إِنَّ الْأَنْهَارَ جَارِيَةٌ مِنْ تَحْتِ أَشْجَارِ الْبُسْتَانِ.

(آزمایشی سنجش - ۸۴)

۱۱۷- عَيْنَ الْمَفْعُولِ فِيهِ لِلزَّمَانِ:

- (۱) هُنَاكَ جَنَاتٌ تَجْرِي تَحْتَهَا الْأَنْهَارُ.
 (۳) صَبَاحَ أَحَدِ الْإِيَّامِ ذَهَبْنَا إِلَى إِحْدَى الْغَابَاتِ.
 (۲) قَضَيْنَا لَيْلَةً فِي مَشْهَدِ الْمَقْدَسَةِ لِلزِّيَارَةِ.
 (۴) اقْتَرَبَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَأَنَا سَأَذْهَبُ إِلَى بَيْتِ عَمِّي.

(آزمایشی سنجش - ۸۴)

۱۱۸- عَيْنَ الْخَطَأِ فِي الْمَفْعُولِ الْمَطْلُوقِ:

- (۱) يَجْتَهِدُ الطُّلَابُ فِي دُرُوسِهِمْ اجْتِهَادًا أَمَلِينَ.
 (۳) إِنَّ شُهَدَاءَ بِلَادِنَا هُمْ أَصْدِقَاؤُنَا حَقًّا.
 (۲) أَنْتُمْ تُحَسِّنُونَ إِلَى الْمَسَاكِينِ إِحْسَانًا الصَّادِقِينَ.
 (۴) ابْتَسَمَ الْآبُ لَوْلَادِهِ ابْتِسَامَةً جَمِيلَةً.

(آزمایشی سنجش - ۸۳)

۱۱۹- عَيْنَ الْخَطَأِ عَنْ أَعْرَابِ «كَثِيرٍ»:

- (۱) يَجِبُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَنْ يَذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا. = مَفْعُولٌ مَطْلُوقٌ
 (۳) يَرْتَكِبُ الْمَذْنُوبُ ذَنْبًا كَثِيرًا. = نَعْتٌ
 (۲) فِي آيَاتِهِ كَثِيرٌ مِنَ الْعِبَرِ. = مَبْتَدَأٌ
 (۴) أُعْبِدُوا اللَّهَ كَثِيرًا يَا مَخْلُوقَاتِ اللَّهِ! = مَفْعُولٌ مَطْلُوقٌ

(آزمایشی سنجش - ۸۳)

۱۲۰- عَيْنَ الْمَفْعُولِ الْمَطْلُوقِ:

- (۱) يُبْعَثُ الْأَنْبِيَاءُ هُدَايَةً لِلْبَشَرِ.
 (۳) الْأَمْطَارُ تَجْعَلُ الْأَرْضَ مَخْضَرَةً.
 (۲) الْأَصْدِقَاءُ الَّذِينَ يَسَاعِدُونَكَ، أَصْدِقَاؤُكَ حَقًّا.
 (۴) كَانَ النَّبِيُّ (ص) أَصْدَقَ النَّاسِ كَلَامًا.

(آزمایشی سنجش - ۸۳)

۱۲۱- عَيْنَ الْمَفْعُولِ فِيهِ مَنْصُوبًا:

- (۱) كَانَتِ الْإِيَّامُ، قَرِيبَةً مِنَ الْامْتِحَانَاتِ.
 (۳) شَكَرَ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ!
 (۲) حَاسِبٌ نَفْسَكَ قَبْلَ أَنْ تُحَاسَبَ فِي الْقِيَامَةِ!
 (۴) اكْتَشَفَ الْعُلَمَاءُ الْإِلِكْتَرُونَ فِي السَّنَوَاتِ الْمَاضِيَةِ.

(آزاد - ریاضی - ۹۰)

۱۲۲- مِيزَ الْخَطَأِ فِي تَرْجُمَةِ الْمُنْتَخَبَاتِ:

- (۱) خَلَقَ اللَّهُ الْإِنْسَانَ وَ جَعَلَهُ زَوْجَيْنِ ذَكَرًا وَ أُنْثَى: خُدا اِنْسَانَ رَا آفَرِيد و او رَا دُو جَفْت (نر و ماده) قَرَار دَاد.
 (۲) لَقَدْ كَانَ الْإِنْسَانُ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يَغْوَصَ فِي الْبَحْرِ أَكْثَرَ مِنْ عَشْرِينَ مِترًا: اِنْسَانِ نَمِي تَوَاسِتْ كِه دَرِ دِرْيَا بِيَشْ تَرِ اَزِ بِيَسْتِ مِترِ فَرُو رُود.
 (۳) لَمْ يَقْصِرْ هَذَا النِّظَامُ عَلَى الْإِنْسَانِ بَلْ شَمَلَ عَالَمَ النَّبَاتَاتِ: كَفَايَتِ نَمِي كَنْدِ اَيْنِ نِظَامِ بَرِ اِنْسَانِ بَلَكِهْ شَامِلِ جِهَانِ نَبَاتَاتِ نِيْزِ شُدِهْ اِسْتِ.
 (۴) فَقَدْ اسْتُخْدِمَ الْقُرْآنُ الْأَدِلَّةَ الْمُتَنَوِّعَةَ لِتَشْمُلَ جَمِيعَ الْفَنَاتِ: قُرْآنِ دَلِيلِ هَايِ مُتَنَوِّعِ رَا بِهْ خُدْمَتِ گِرْفْتِهْ اِسْتِ بَرَايِ اَيْنِ كِه شَامِلِ هَمِهِي گِرُوْهَ هَا شُدُوْد.



(آزاد - ریاضی - ۸۲)

۱۲۳- فی ای عبارة استعمال المفعول المطلق؟

- ۱) قد ادركت البلدان النامية ضرورة التقدم التكنولوجي في العالم.
- ۲) علينا ان نعتد على ذاتنا و نبتعد عن استهلاك منتجات العالم الصناعي.
- ۳) الثقافة الاسلامية تؤكد على تحرر الانسان من عبادة العباد تأكيداً تاماً.
- ۴) هذه فرة قرآنية بان التقدم و المجد و العزة نتيجة عمل جاد و كفاح طويل.

(آزاد - انسانی - ۸۰)

۱۲۴- ای عبارت لاتشتمل على الظرف؟

- ۱) من يطع الله و رسوله فقد فاز فوزاً عظيماً.
 - ۲) سل عن الرفيق قبل الطريق.
 - ۳) و ما تدري نفس ماذا تكسب غداً.
 - ۴) يحاسب الله الناس يوم القيامة على أعمالهم.
- ۱۲۵- «الطَّالِب حينما يَنَالون غَايَتَهُمْ نَفَرُحٌ لِنَجَاحِهِمْ كَثِيرًا»

- ۱) دانش آموزان هنگامی که به هدف خود رسیدند ما از موفقیت آن‌ها شاد شدیم.
- ۲) دانشجویان زمانی که به نتایج دست می‌یابند ما از قبولی آن‌ها بسیار خوشحال می‌شویم.
- ۳) دانش آموزان موقعی که به اهداف خود دست می‌یابند ما از موفقیت‌های آن‌ها زیاد شاد می‌شویم.
- ۴) دانش آموزان وقتی به هدفشان می‌رسند ما از موفقیت آن‌ها بسیار خوشحال می‌شویم.

۱۲۶- عَيْنُ الْخَطَا لِلْفَرَاغِ لَا يَجَادُ مَفْعُولُ فِيهِ: «.....» المسلمون شهر رمضان.

- ۱) يُحِبُّ ۲) يَنْجَحُ ۳) يَجْتَهِدُ ۴) يَصُومُ

۱۲۷- «هنگامی که کودکان بازی می‌کردند به آنان چون پدر مهربان لبخند زد.»

- ۱) لَمَّا كَانَ الْأَطْفَالُ يَلْعَبُونَ إِبْتَسَمَ لَهُمُ ابْتِسَامَةُ الْأَبِ الْحَنُونِ.
- ۲) إِبْتَسَمَ لِلْأَطْفَالِ كَالْأَبِ الْحَنُونِ لَمَّا يَلْعَبُونَ.
- ۳) حينما كان يلعب الأطفال ضحك عليكم كالأب الحنون.
- ۴) عندما رأى الأطفال يلعبون إبتسم لهم ابتسامة الأب الرووف.

۱۲۸- «إِنَّ الْقُرْآنَ قَدْ حَدَّثَنَا عَنْ ظَاهِرَةِ الْبَحْرِ وَ هَذَا أَمْرٌ لَمْ يُكْتَشَفْ إِلَّا فِي الْقُرْنِ الْآخِرِ.» قرآن

- ۱) با ما از پدیده‌ی ظلمت دریا سخن می‌گوید، امری که کشف نگردید مگر در قرن اخیر.
- ۲) درباره‌ی تاریکی آشکار دریا با ما سخن می‌گوید، درحالی‌که این مطلب تنها در قرن اخیر کشف شده است.
- ۳) پیرامون ظلمت دریا حدیث فراوان دارد، مطلبی که کشف نگردیده است جز در قرن اخیر.
- ۴) با ما از پدیده‌ی تاریکی دریا سخن گفته است و این مطلبی است که فقط در قرن اخیر کشف شده است.

۱۲۹- عَيْنُ الْعِبَارَةِ الَّتِي جَاءَ فِيهَا الْمَفْعُولُ فِيهِ:

- ۱) أَكْثَرُ الْأَيَّامِ فِي الشِّتَاءِ بَارِدٌ جَدًّا!
- ۲) الْجَوَّ فِي مَدِينَتِنَا فِي أَكْثَرِ أَيَّامِ السَّنَةِ مُعْتَدِلٌ!
- ۳) أَقْمَتُ فِي مَدِينَةِ «زَابِل» أَكْثَرَ أَيَّامِ شَبَابِي!
- ۴) يَوْمَ الْجُمُعَةِ أَكْثَرُ الْأَيَّامِ اسْتِرَاحَةً لَنَا!

۱۳۰- عَيْنُ الْجَوَابِ الَّتِي جَاءَ فِيهِ الْمَفْعُولُ الْمَطْلُوقُ:

- ۱) مَا أَجْمَلَ الْعَافِيَةَ حَقًّا فَانْهَ نِعْمَةً!
- ۲) كُنْتُ أَطَالِبُ حَقًّا أَخْذَ مِنِّي!
- ۳) حَقًّا جَاهَدَ أَبْطَالُنَا فِي سَبِيلِ الْوَطَنِ!
- ۴) الْمُؤْمِنُ يُضْحَى بِأَمْوَالِهِ وَ نَفْسِهِ حَقًّا!

۱۳۱- أَيُّ عِبَارَةٍ تُبَيِّنُ نَوْعَ الْفِعْلِ وَ حَالَتَهُ عِنْدَ الْوُقُوعِ؟

- ۱) إِنَّ يَوْمَ الْفَصْلِ مِيقَاتُهُمْ أَجْمَعِينَ.
- ۲) قَالَ رَبِّ انِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَيْلًا وَ نَهَارًا.
- ۳) وَ مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا.
- ۴) اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا.

۱۳۲- مِيزُ الْعِبَارَةِ جَاءَ فِيهَا الْمَفْعُولُ الْمَطْلُوقُ:

- ۱) إِنَّ الشُّكْرَ لِلَّهِ.
- ۲) عَلَيْنَا نَشْكُرُ اللَّهَ شُكْرَ الْمُخْلِصِينَ.
- ۳) يَكُونُ عِبَادَتُهُمْ شُكْرًا لِلَّهِ.
- ۴) أَحَبُّ أَنْ يَكُونَ شُكْرِي شُكْرَ الْمُتَّقِينَ.

۱۳۳- فِي أَيِّ عِبَارَةٍ لَا يَكُونُ الْمَفْعُولُ فِيهِ:

- ۱) بَيْتَ عَمِّي قُرْبَ النَّهْرِ الْكَبِيرِ فِي الْقَرْيَةِ.
- ۲) يَوْمَ الْجُمُعَةِ يَوْمَ الْاسْتِرَاحَةِ وَ الزِّيَارَةِ.
- ۳) أَقْمَتُ فِي مَشْهَدِ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ مَعَ الْأَصْدِقَاءِ.
- ۴) عَاشَ النَّبِيُّ (ص) أَكْثَرَ مِنْ سِتِّينَ سَنَةً.

۱۳۴- «لَقَدْ عَذَّبَ ذَلِكَ الرَّجُلَ الْمُؤْمِنَ بِوَسْطِهِ الْعَدُوَّ تَعْذِيبًا لَمْ تُشَاهِدْ أَحَدًا مِثْلَهُ قَبْلَ ذَلِكَ.»

- ۱) آن مرد با ایمان به وسیله‌ی دشمن آن‌چنان شکنجه شد که پیش از آن شاهد نبودیم.
- ۲) شکنجه‌ی آن مرد مؤمن توسط دشمن به گونه‌ای بود که قبلاً مانند او را ندیده بودیم.
- ۳) آن مرد مؤمن به گونه‌ای توسط دشمن شکنجه شد که قبل از آن کسی را مثل او ندیده بودیم.
- ۴) این مرد با ایمان به گونه‌ای توسط دشمنان شکنجه شده است که همانند او را قبلاً ندیده‌ایم.

۱۳۵- «اعملوا عمل مَنْ يَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ مُجَازِيهِ بِإِسَاءَتِهِ وَاحْسَانِهِ».

- ۱) عمل کنید هم چون کسی که یقین دارد که خداوند به بدی و خوبی او، به وی پاداش می‌دهد.
- ۲) عمل کسی را انجام دهید که یقین دارد که خداوند به بدی و خوبی او پاداش می‌دهد.
- ۳) کار کسی را انجام دهید که می‌داند خداوند به خوبی‌ها و بدی‌های او پاداش می‌دهد.
- ۴) هم چون افرادی عمل کنید که یقین دارند خداوند به خوبی‌ها و بدی‌ها پاداش می‌دهد.

۱۳۶- عَيْنُ الْمَفْعُولِ الْمَطْلُوقِ:

۱) النَّظْرَةُ الْمُتَأَمِّلَةُ خَيْرٌ مُسَاعِدٍ! ۲) نَظْرَةُ سَرِيعَةٍ تُسَاعِدُنَا! أحياناً! ۳) نَظْرَةُ إِلَى هَذِهِ الْكُتُبِ الْمُفِيدَةِ! ۴) النَّظْرَةُ إِلَى هَذِهِ الْأَوْرَاقِ مُفِيدَةٌ! (خارج از کشور - ۸۷)

۱۳۷- «رنگ‌ها در اعماق دریا یکی پس از دیگری پنهان می‌شوند و در این هنگام تاریکی به وجود می‌آید.»:

- ۱) تَخْتَفِي الْأَلْوَانُ فِي أَعْمَاقِ الْبَحْرِ وَاحِدًا فَوَاحِدًا وَحِينَئِذٍ تَتَكَوَّنُ الظُّلْمَةُ.
- ۲) يَخْفَى كُلُّ لَوْنٍ فِي أَعْمَاقِ الْبَحْرِ وَاحِدًا بَعْدَ الْآخِرِ فَتَنْظُرُ مِنْهُ الظُّلْمَةُ.
- ۳) الْأَلْوَانُ تَخْتَفِي فِي عَمَقِ الْبَحَارِ وَتَسْتَرِ الْوَاحِدَ بَعْدَ الْآخِرِ فَيَتَكَوَّنُ الظُّلْمَةُ.
- ۴) كُلُّ لَوْنٍ يَسْتَرُ فِي عَمَقِ الْبَحَارِ وَيَخْفَى وَاحِدًا فَوَاحِدًا فَتَسَبَّبَ مِنْهُ الظُّلْمَةُ.

۱۳۸- «من يستغفر من ذنوبه و يرجع الى ربه فهو مقرب عند الله!». عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي تَأْكِيدِ الْفِعْلِ:

- ۱) كَثِيرًا / دَائِمًا ۲) دَائِمًا / حَقًّا ۳) اسْتَغْفَارًا / رَجوعًا ۴) مُسْتَغْفِرًا / رَاجِعًا

۱۳۹- «استخدم القرآن البراهين و الأدلة المتنوعة لتشمل جميع الفئات المختلفة»: عَيْنُ الْأَقْرَبِ إِلَى الْمَفْهُومِ:

- ۱) إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ
- ۲) اقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ مُعْرِضُونَ
- ۳) وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ
- ۴) إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خَسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

۱۴۰- عَيْنُ مَا لَيْسَ فِيهِ الْمَفْعُولُ الْمَطْلُوقُ لِلنَّوْعِ:

- ۱) يَطْمِئُنُّ قَلْبِي بِذِكْرِ اللَّهِ اطمئننا كاملاً.
- ۲) تَحَدَّثْتُ مَعَ وَالِدِي تَحَدَّثًا وَهُمَا يَشْرَبَانِ الشَّاي.
- ۳) سَاعَدُوا الْمَسَاكِينَ مُسَاعَدَةً لَا تَنْتَهِي.
- ۴) جَلَسْتُ عِنْدَ اسْتَاذِي جُلُوسَ الْمَتَوَاضِعِ.

۱۴۱- «هناك كثير من الموضوعات المجهولة في الطبيعة، يقوم العلماء بأبحاث علمية مهمة لاكتشافها»:

- ۱) آنجا موضوعات نامعلوم بسیاری در طبیعت است که دانشمندان برای کشف آن‌ها دست به تحقیقات علمی و مهمی زده‌اند.
- ۲) موضوعات ناشناخته‌ی بسیاری در طبیعت است که دانشمندان تحقیقات علمی مهمی را برای کشف آن‌ها انجام می‌دهند.
- ۳) مسائل مجهول بسیاری در طبیعت می‌باشد که علما به خاطر کشف آن‌ها اقدام به تحقیقات علمی پرارزشی خواهند کرد.
- ۴) موارد مجهول بسیاری در طبیعت وجود دارد که علما به بحث‌های مهم علمی برای اکتشاف آن‌ها پرداخته‌اند.

۱۴۲- عَيْنُ الْعِبَارَةِ الَّتِي جَاءَ فِيهَا «مَفْعُولٌ مُطْلَقٌ تَأْكِيدِي»:

- ۱) أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْنَا نِعْمًا كَثِيرَةً.
- ۲) يَا تَلْمِيزُ خَسِرْتَ أَوْقَاتَكَ خَسَارَةً لَا تُعْوَضُ.
- ۳) فَرِحْتُ التَّلْمِيزَةَ فَرَحًا لَا يُوصَفُ.
- ۴) الْمُؤْمِنُ يَتْرِكُ الْمَعْصِيَةَ حَيَاءً وَ يَكْرَهُ الشَّرَّ كَرَاهَةً.

۱۴۳- «ورود هذه الحقايق الفخمة على لسان أمي عاش في بيئة أمية دليل على أنه حق».

- ۱) جاری شدن این حقایق ارزشمند بر زبان انسان بی‌سوادی که در یک خانه‌ی کوچک زندگی می‌کرد دلیل حقانیت آن است.
- ۲) جاری شدن این حقایق با شکوه بر زبان انسانی بی‌سواد که در یک محیط بی‌سوادی زندگی کرد دلیل حقانیت آن است.
- ۳) جاری شدن این حقایق بلند بر زبان انسانی ناتوان که در یک محیط ناتوان رشد کرد دلیل حقانیت آن است.
- ۴) وارد شدن این حقایق با شکوه توسط انسانی بی‌سواد که در یک جامعه‌ی رشد نیافته زندگی می‌کرد دلیل حقانیت آن است.



۱- گزینه‌ی (۲) در گزینه‌ی (۱) «ساعات»، در گزینه‌ی (۳) «اليوم» و در گزینه‌ی (۴)، «ایام» مفعول‌فیه هستند. ولی در گزینه‌ی (۲) «ساعات» مفعول‌به و منصوب است.

۲- گزینه‌ی (۱) صورت سؤال از ما خواسته است که مشخص کنیم در کدام گزینه توجه و عنایت فقط بر وقوع فعل است، یعنی در کدام گزینه بر وقوع فعل تأکید شده است که منظور مفعول مطلق تأکیدی است. (کاربرد مفعول مطلق تأکیدی رفع شکّ شنوده است). پس گزینه‌ی (۱) «حقاً» که مفعول مطلق تأکیدی است، درست است. در گزینه‌ی (۳) «خلقاً» و در گزینه‌ی (۴) «غفلةً» مفعول مطلق نوعی هستند. **۳- گزینه‌ی (۴)** در این گزینه، «اليوم» مفعول‌فیه است و معنای «امروز» می‌دهد.

در گزینه‌ی (۱) «ایام» مفعول‌به، در گزینه‌ی (۲) «اليوم» تابع اسم اشاره (عطف بیان) و در گزینه‌ی (۳) «الایام» اسم إنّ و منصوب است.

۴- گزینه‌ی (۳) در گزینه‌ی (۱) «تعمیراً» در گزینه‌ی (۳) «حساب»، «سبحان» و «حقاً» و در گزینه‌ی (۴) «اختیاراً» و «جداً» مفعول مطلقند. در گزینه‌ی (۲) مفعول مطلق به کار نرفته است.

۵- گزینه‌ی (۴) دوست می‌داشت (ماضی استمراری): کان یحبُّ / «با لبخند و مهربانی» حال هستند و ذوالحال آن‌ها «هو» مستتر است پس در گزینه‌ی (۱) «مبتسمین» و «حنونین» نادرست هستند.

۶- گزینه‌ی (۱) در سایر گزینه‌ها «متی»، «بَعْدَ»، «اليوم» مفعول‌فیه هستند.

در گزینه‌ی (۱) «فی کلّ یوم» جار و مجرور است.

۷- گزینه‌ی (۳) «إحسان» در این گزینه مفعول مطلق نوعی است.

۸- گزینه‌ی (۳) «علی البخیل أن لا ...» بخیل نباید ... / «حیاتة المحقرّة»: زندگی حقیرانه‌ی او

۹- گزینه‌ی (۳) «حقاً» در این گزینه مفعول مطلق است.

در گزینه‌ی (۱) «کلاماً» خبر کان / در گزینه‌ی (۲) «حقاً» مفعول‌به / در گزینه‌ی (۴) «صبراً» مفعول‌به هستند.

۱۰- گزینه‌ی (۳) در گزینه‌ی (۳)، اللیل: مضاف‌الیه و مجرور، النهار: معطوف و مجرور است. در گزینه‌ی (۱) اللیل، در گزینه‌ی (۲) بین و در گزینه‌ی (۴) عند مفعول‌فیه می‌باشند.

۱۱- گزینه‌ی (۱) با توجه به این که سؤال از کیفیت فعل شده است، لذا در جواب مفعول مطلق نوعی می‌خواهد که «ذهاباً» مصدر فعل «ذَهَبَ» است.

۱۲- گزینه‌ی (۴) کلمه‌ی «قُرْبَ» در گزینه‌ی (۴) مفعول‌فیه و منصوب است. ترجمه: خواهرش نزدیکش نشسته بود درحالی که برخی از چیزهایی را که از درس‌ها نفهمیده بود، می‌پرسید.

۱۳- گزینه‌ی (۲) دَقَّ دَقّاً لا یوصَفُ، (صفت جمله) (۱) سمعاً: مفعول مطلق جانشین فعل جمله / جرحاً: مفعول مطلق تأکیدی / (۴) أَيْضاً: مفعول مطلق جانشین فعل جمله است.

۱۴- گزینه‌ی (۴) اشتباهات سایر گزینه‌ها: در گزینه‌ی (۱) اختلاف در فرهنگ‌ها باعث شده است. / در گزینه‌ی (۲) به شکل‌های متفاوت،

فرا می‌خواند، فرهنگ‌های مختلفی / در گزینه‌ی (۳) از آن جایی که مردم فرهنگ‌های متفاوتی دارند، روش‌های خداوند

۱۵- گزینه‌ی (۳) زیرا در این گزینه، کلمه‌ی «إذا» مفعول‌فیه (ظرف زمان) مبنی و محلاً منصوب است، ولی در سایر گزینه‌ها، «قبل»، وراء، أبدأ» معرب بوده و دارای اعراب ظاهری اصلی هستند.

۱۶- گزینه‌ی (۱) الناسُ بعضُهُم: بعضی از مردم. سایر گزینه‌ها، درست معنی شده است.

۱۷- گزینه‌ی (۱) تأکید بر فعل به وسیله‌ی مفعول مطلق تأکیدی صورت می‌گیرد که در گزینه‌ی (۱) آمده است. در سایر گزینه‌ها مفعول مطلق نوعی به کار رفته است.

۱۸- گزینه‌ی (۴) (۱) امتحانی گرفتم (ص: امتحان کردم)، سؤالات (ص: سؤالاتی، نکره است)، دانش آموزانم (ص: دانش‌آموزان، ضمیر اضافی ندارد). / (۲) درحالی‌که (ص: و، حالیه نیست)، چشم دوخته بودم (ص: نگاه می‌کردم، ماضی استمراری) / (۳) و (ص: درحالی‌که، حالیه است) / جواب دادند (ص: جواب می‌دادند، آن سؤالات (در جمله‌ی عربی وجود ندارد).

۱۹- گزینه‌ی (۱) تأکید بر وقوع فعل به وسیله‌ی «مفعول مطلق تأکیدی» انجام می‌شود که در گزینه‌ی (۱) آمده است.

۲۰- گزینه‌ی (۳) در این گزینه «درجّة» مفعول‌به بوده و مفعول دیگری وجود ندارد. اما در سایر گزینه‌ها به ترتیب «صباح - أسلحة»، «الإنسان - عقلاً»، «ولداً - رزقاً» دو مفعول هستند.

۲۱- گزینه‌ی (۱) در این گزینه «حقاً» مصدر منصوبی است که زائد بر جمله است بنابراین مفعول مطلق محسوب می‌شود. در گزینه‌ی (۳)، «شخصیّة و جرأة» تمیز هستند و در گزینه‌ی (۴) «فکراً» خبر کان بوده و «حقاً» مفعول‌به است.

۲۲- گزینه‌ی (۳) کانت لی (داشتم)، جدّة حنون (مادربرزگی مهربان: نکره است)، کانت تُقِيم (برپا می‌داشت: ماضی استمراری)، نماز شب بسیاری («کثیراً» صفت نیست بلکه قید فعل است).

۲۳- گزینه‌ی (۱) تأکید بر وقوع فعل به وسیله‌ی مفعول مطلق انجام می‌شود. «سبحان» (گزینه‌ی ۲) / «حقاً» (گزینه‌ی ۳) / «صبراً» (گزینه‌ی ۴) مفعول مطلق هستند.

۲۴- گزینه‌ی (۲) «إجتنباً» مفعول مطلق تأکیدی جانشین فعل است. در گزینه‌ی (۱) «سریعاً» حال مفردة و در گزینه‌ی (۳) «جالساً» هم «حال مفردة» و در گزینه‌ی (۴) هم «مبتسماً» نیز حال مفردة است.

۲۵- گزینه‌ی (۱) تَشْعُرُ الطّالِبَات بالسکينة: دانش‌آموزان آرامش را احساس می‌کنند، حينما: هنگامی‌که، يشاهدن: مشاهده می‌کنند، نجاحهنّ: موفقیت خود را، فی الإمتحانات: در امتحانات.

۲۶- گزینه‌ی (۱) در گزینه‌ی (۱) «جداً»: مفعول مطلق تأکیدی جانشین فعل می‌باشد. در گزینه‌ی (۲) «جميعاً»: تأکید بر مفعول‌به و در گزینه‌ی (۳) «خطراً»: مفعول‌به و منصوب و در گزینه‌ی (۴) «منذراً»: حال مفردة می‌باشد.

۲۷- گزینه‌ی (۲) در گزینه‌ی (۲) «متی» مفعول‌فیه و محلاً منصوب است.

۴۴- گزینه‌ی (۲) برای بیان نوع فعل از مفعول مطلق استفاده می‌شود و اسم مشتق «لأعباً» نمی‌تواند مفعول مطلق باشد.

۴۵- گزینه‌ی (۳) «أبدأ» در گزینه‌ی (۱) / «كَلَّ و خَلَف» در گزینه‌ی (۲) / و «عند» در گزینه‌ی (۴) مفعول‌فیه‌اند.

۴۶- گزینه‌ی (۱) «تَنْتَظِرُ» فعل متعدی و فاعل آن ضمیر مستتر «نحن» و «یوم» مفعول‌به است. در گزینه‌های دیگر «أینَ، دائماً و بعد» ظرف هستند.

۴۷- گزینه‌ی (۲) «جَعَلَ» از افعال دو مفعولی است، «الانبياء» و «رحمة» مفعول‌به اول و دوم هستند.

۴۸- گزینه‌ی (۳) طلب الطفل «عند» در این جا ظرف مکان است.

۴۹- گزینه‌ی (۳) سؤال «مفعول مطلق تأکیدی» می‌خواهد که در این گزینه کلمه «اطاعة» مصدری است منصوب از جنس فعل «یطع» و مفعول مطلق تأکیدی می‌باشد. توضیح: بعد از «اطاعة» صفت یا مضاف‌الیه نیامده است. «عاجلات» حال بوده و «ارتفاعاً» تمیز است برای اسم تفضیل «اکثر».

۵۰- گزینه‌ی (۱) چون «يُؤْتَرُ...» که بعد از مفعول مطلق (ترتیباً) آمده، صفت برای آن است، لذا کلمه «تَرْتِيباً»، مفعول مطلق نوعی می‌باشد.

۵۱- گزینه‌ی (۴) در گزینه‌ی (۴) کلمه «مع» و «عند» مفعول‌فیه می‌باشند.

۵۲- گزینه‌ی (۲) کلمه «اشتیاقاً» در این گزینه علت وقوع فعل را می‌رساند و «مفعول‌له» است: همانا او راحتی و خواب را به علت شوق در درس خواندن ترک کرد. در سایر گزینه‌ها کلمات: «عاملاً، سبحان، کثیراً» مفعول مطلق و منصوب هستند. (مفعول‌له مربوط به رشته‌ی انسانی می‌باشد).

۵۳- گزینه‌ی (۲) کلمه «شکراً» مصدر منصوبی که به تنهایی و بدون عامل خود آمده و مفعول مطلق می‌باشد. در گزینه‌های دیگر کلمه «شکر» به ترتیب: مبتدا، مضاف‌الیه و مفعول‌به می‌باشد.

۵۴- گزینه‌ی (۳) در گزینه‌ی (۳) کلمه «أیام» فاعل و مرفوع برای فعل لازم «أن تَرَجَّع» است. در گزینه‌های (۱)، (۲) و (۴) کلمات «أینَ = کجا / متی = کی / إذا = زمانی که» مفعول‌فیه هستند.

۵۵- گزینه‌ی (۳) «عند» ظرف مکان و مفعول‌فیه و منصوب است. گزینه‌ی (۱): «اللیل» مفعول‌به و منصوب و «النهار» معطوف و منصوب به تبعیت است. / گزینه‌ی (۲): «اليوم» اسم «إن» و منصوب، «یوم» خبر «إن» و مرفوع است. / گزینه‌ی (۴): «وراء» و «أین» به ترتیب مجرور به حرف‌های جر «من» و «إلی» می‌باشند.

۵۶- گزینه‌ی (۳) چون کلمه «دعوة» مصدر منصوب هم‌ریشه با فعل جمله و مضاف است، مفعول مطلق نوعی است و «أل» نیز ندارد و فعل مناسب برای آن نیز «دَعَوْتُ» می‌باشد.

۵۷- گزینه‌ی (۲) در گزینه‌ی (۲) مفعول مطلق وجود ندارد ولی در سایر گزینه‌ها «أیضاً، سبحان و معاذ» مفعول مطلق هستند.

۵۸- گزینه‌ی (۳) «صادقاً و شاکرین» در گزینه‌های (۱) و (۳) حال محسوب می‌شوند. «کثیراً» مفعول ثانی برای فعل «لَا تحسبی» بوده و «شکراً» در گزینه‌ی (۴) خبر فعل ناقصه است. در گزینه‌ی (۳) «سبحان» مفعول مطلق منصوب است.

۲۸- گزینه‌ی (۳) ترجمه‌ی صحیح سایر گزینه‌ها عبارتند از: (۱) تصمیم گرفته بود که به همراه دوستش به سفر برود. / (۲) دوست او قبول کرد ولی به وعده‌اش عمل نکرد. / (۴) ناگهان بعد از ساعتی دوستش را دید درحالی که به سرعت به سوی او می‌آمد.

۲۹- گزینه‌ی (۱) «قراءة» مفعول مطلق نوعی می‌باشد، زیرا بعد از آن جمله‌ی وصفیه (تَوْثُر) آمده است.

۳۰- گزینه‌ی (۲) «عند» مفعول‌فیه و منصوب، «بین» در گزینه‌ی (۱) مجرور به حرف جر / «هذه» در گزینه‌ی (۳) فاعل و محلاً مرفوع / «صباح» در گزینه‌ی (۴) مجرور به حرف جر

۳۱- گزینه‌ی (۳) قد أثبتت: ثابت کرده است، الاكتشافات الحديثة: کشف‌های تازه، أن کلاً: که هر یک، من الألوان: از رنگ‌ها، یختفی فی اعماق البحر: مخفی می‌شود در اعماق دریا، یُسبب: سبب می‌شود، جزءاً من ظلمة: جزئی از تاریکی‌اش را.

۳۲- گزینه‌ی (۲) در گزینه‌ی (۲) «قولاً» تمیز است. در گزینه‌ی (۱)، (۳) و (۴) به ترتیب «مواجهة، صبراً و سبحان» مفعول مطلق هستند.

۳۳- گزینه‌ی (۲) «عند» به معنی «نزد» ظرف مکان است. در گزینه‌ی (۱)، (۳) و (۴) به ترتیب «عند، اذا، متی» ظرف زمان به معنای «هنگامی که، زمانی که» می‌باشد.

۳۴- گزینه‌ی (۱) مفعول مطلق نوعی (مضاف) تنوین نمی‌گیرد.

۳۵- گزینه‌ی (۴) الیوم (مبتدا و مرفوع)، یوم (خبر و مرفوع)

۳۶- گزینه‌ی (۱) در این گزینه «تلاوة» صفت دارد و بنابراین مفعول مطلق نوعی یا بیانی است.

۳۷- گزینه‌ی (۲) در این گزینه یوم: اسم کان و مرفوع می‌باشد، بنابراین در این گزینه مفعول‌فیه نداریم.

۳۸- گزینه‌ی (۳) «شکراً» مفعول مطلق برای فعل محذوف می‌باشد. شکراً در گزینه‌های دیگر به ترتیب، تمیز، اسم إن و مفعول‌له است.

۳۹- گزینه‌ی (۴) کلمه «حقاً» هرگاه در جمله، جزء ارکان اصلی جمله نباشد یعنی در صورتی که زاید باشد، مفعول مطلق برای فعل حذف شده می‌باشد. کلمه «حقاً» در گزینه‌ی (۳) اسم مؤخر برای انّ است و کلمه «شکراً» در گزینه‌ی (۱) تمیز برای اسم تفضیل و کلمه «شکر» در گزینه‌ی (۲) اسم لای نفی جنس می‌باشد.

۴۰- گزینه‌ی (۱) کلمه «اذا» به معنی «هنگامی که» همواره ظرف زمان (مفعول‌فیه زمان) است و بر زمان وقوع فعل جمله دلالت می‌نماید در سایر گزینه‌ها مفعول‌فیه زمانی به کار نرفته است.

۴۱- گزینه‌ی (۴) علت رد سایر گزینه‌ها: (۱) «حقاً» زاید است و تعریب «شادان و خندان» که در عربی نقش حال و معطوف‌به آن را پیدا می‌کند به شکل مصدر اشتباه می‌باشد. / (۲) تعریب «حقیقتاً» به شکل «دائماً» و «متبسمین» در تعریب «خندان» که به «رسول خدا» برمی‌گردد و باید مفرد باشد، نادرست است. / (۳) «یُحِبُّ» مفهوم ماضی استمراری ندارد و «فرحین و ضاحکین» باید به شکل مفرد به کار روند.

۴۲- گزینه‌ی (۱) «یوم» در این گزینه نقش مضاف‌الیه را دارد و مجرور است.

۴۳- گزینه‌ی (۲) در گزینه‌ی (۲) کلمه «قبل» ظرف زمان «مفعول‌فیه» و منصوب می‌باشد. در گزینه‌ی (۱) «بین» مجرور به حرف جر / در گزینه‌ی (۳) «یوم» فاعل / در گزینه‌ی (۴) «ساعة» مفعول‌به می‌باشد.

۵۹- گزینهی (۱) عبارت داده شده بر شناختن همسفر در سفرها تأکید دارد ولی بر «مسافرت به تنهایی» (گزینهی ۱) اشاره‌ای ندارد.

۶۰- گزینهی (۱) با توجه به گزینه‌ها و سیاق جمله می‌توان گفت که در جای خالی باید مفعول مطلق نوعی قرار بگیرد. کلمه‌ای که در این جای خالی قرار می‌گیرد، باید مصدر فعل «يَنْظُرُ» باشد. بنابراین «ناظر» که در گزینهی (۱) به آن اشاره شده نادرست است.

۶۱- گزینهی (۳) «جاهزة» اسم فاعل بوده و در جمله‌های (۱) و (۴) نقش حال مفرد را دارد. در گزینهی (۲) «أخيراً» مفعول فیه بوده و «دورا» نیز مفعول فیه می‌باشد. در گزینهی (۳) «حقاً» براساس تعریف ذکر شده، مفعول مطلق است.

۶۲- گزینهی (۲) کلمه‌ای که زمان وقوع فعل را مشخص می‌کند، مفعول فیه است. در میان گزینه‌ها تنها در گزینهی (۲) مفعول فیه وجود دارد و آن «عند» می‌باشد. در گزینه‌های (۱) و (۴) فعلی وجود ندارد و در گزینهی (۳) نیز به زمان وقوع فعل «سَخَرَ» اشاره‌ای نشده است.

۶۳- گزینهی (۳) در گزینهی (۳) «حقاً» مفعول مطلق بوده و برای تأکید آورده شده است. در گزینهی (۱) «حقاً» اسم مؤخر «إِنَّ» و منصوب است. در گزینهی (۲) «حقاً» مفعول به بوده و منصوب است. در گزینهی (۴) «حقاً» خبر «كنت» بوده و منصوب است.

۶۴- گزینهی (۲) گزینهی (۱)، «عفواً» اسم «إِنَّ» می‌باشد و به همین دلیل منصوب شده است. در گزینه‌های (۳) و (۴)، مصدر منصوب «عفواً» نقش مفعول به را داراست و به واسطه‌ی آن منصوب شده است. در گزینهی (۲)، «عفواً» مفعول مطلق بدون ذکر فعلش می‌باشد.

۶۵- گزینهی (۳) در گزینه‌های (۱)، (۲) و (۴) «یوم» مفعول فیه و منصوب است، اما در گزینهی (۳) «یوم» خبر «هذا» و مرفوع است.

۶۶- گزینهی (۲) در گزینهی (۱)، «یوم» خبر و مرفوع است، لذا ظرف نیست. در گزینهی (۲)، «یوماً» زمان فعل «لَبِثْتُ» را مشخص می‌گرداند. لذا مفعول فیه (ظرف زمان) و منصوب است. «یوم» انتهایی در این گزینه مضاف الیه و مجرور است. در گزینهی (۳)، «یوم» مجرور به حرف جرّ «لِ» است. در گزینهی (۴)، «الساعة» اسم «أَنَّ» و منصوب است.

۶۷- گزینهی (۲) در گزینه‌های (۱) و (۴)، مصدر منصوب «حمد» نقش خبر افعال ناقصه را دارد. در گزینهی (۳)، «الحمد» اسم «أَنَّ» و منصوب است. در گزینهی (۲)، مصدر «حمد» از جنس فعل جمله (احمد) است و به بیان نوع این فعل دلالت دارد، پس نقش مفعول مطلق (نوعی) را داراست.

۶۸- گزینهی (۳) آنچه مورد درخواست سؤال است شناسایی جمله‌ای است که در آن کلمه «شهر» نقش مفعول فیه را دارد. در گزینهی (۱)، «شهر» مجرور به حرف جرّ است. در گزینهی (۲)، اولین کلمه‌ی «شهر» نقش مبتدا و دومین کلمه، نقش خبر را دارد. در گزینهی (۳)، «شهر» زمان وقوع فعل «يصوم» را بیان کرده است، لذا مفعول فیه و منصوب می‌باشد. معنی این گزینه بدین صورت است: «مسلمانان در ماه رمضان، روزه می‌گیرند.» در گزینهی (۴)، کلمه‌ی «شهر» نقش مفعول را دارد، لذا منصوب است.

۶۹- گزینهی (۱) «أمام» (در مقابل) مفعول فیه للمکان است که با قید مکان فارسی مطابقت دارد. اما در گزینهی (۲) تلک اللیلة (در آن شب)، بعد (بعد از)

مفعول فیه للزمان هستند و در گزینه‌های (۳) و (۴) مفعول فیه وجود ندارد.

۷۰- گزینهی (۱) «عفواً» که مصدر است و به جای فعل خود آمده مفعول مطلق می‌باشد، اما نقش آن در گزینه‌های دیگر به ترتیب عبارتست از: اسم «أَنَّ»، مفعول به، مفعول به

۷۱- گزینهی (۱) مفعول مطلق تأکیدی نه مضاف واقع می‌شود و نه موصوف، وگرنه بیانی به حساب می‌آید (مادر به حق هر روز پولی را برای ملزومات خانه اختصاص می‌دهد.) و «حقاً» در این گزینه مفعول مطلق است به نیابت از فعل خود. اما در سه گزینهی دیگر «تشجیعاً، عصفاً، إحدائاً» هیچ‌کدام تأکید نیست.

۷۲- گزینهی (۳) عند: مفعول فیه للمکان، و چنین قیدی در هیچ‌یک از سه گزینهی دیگر موجود نیست.

۷۳- گزینهی (۴) «ساعات» دلالت بر زمان کارکردن می‌کند، لذا ظرف زمان (مفعول فیه) و منصوب است که با قید زمان در فارسی تطبیق می‌کند.

۷۴- گزینهی (۳) نكرة (ص: معرّف بالإضافة)، للمکان (ص: للزمان) / (۲) نعت و مجرور بالتبعية (مضاف الیه و مجرور بالياء) / (۴) جمع تکسیر (ص: جمع سالم للمؤنث)، مشتق و صفة مشبهة (ص: جامد)

۷۵- گزینهی (۱) «أَيّاماً» مفعول به است، اما در گزینه‌های دیگر «لیلة، قبل، بعد» مفعول فیه للزمان و «تحت» مفعول فیه للمکان است.

۷۶- گزینهی (۴) پاسخ صحیح است. «معاذ» پیوسته مفعول مطلق است برای فعل محذوف. اما در سه گزینهی دیگر با در نظر گرفتن معنای آن‌ها «حالا» تمیز، «مسافه» مفعول به، «بعیده» نعت و «مع» ظرف است و هیچ‌یک از آن‌ها مفعول مطلق نمی‌باشد.

۷۷- گزینهی (۳) «عربی را به مدت چهار سال در مدرسه آموختم»، «أربع» مضاف الیه است اما مفعول فیه در سایر گزینه‌ها: «أبدأ، بعد، الأسبوع»

۷۸- گزینهی (۳) «آن‌ها یک ماه از موعد خود برای بازگشت تأخیر کردند.» «شهر» مفعول فیه است که زمان وقوع فعل را نشان می‌دهد. اما در سه گزینهی دیگر «زمیلة، کثیراً، بعض» مفعول به هستند. (۱) هم‌شاگردیم را در خیابان دیدم و به او سلام کردم! / (۲) بسیاری از مقالات را تاکنون مطالعه کرده‌ایم! / (۴) برخی از کتاب‌های مفید را از کتابخانه خریدم.

۷۹- گزینهی (۲) در این گزینه: «نهار الیوم»، اما در سایر گزینه‌ها «یوم» ظرف و منصوب است. (نهار: ظرف، الیوم: مضاف الیه و مجرور)

۸۰- گزینهی (۳) در این گزینه: هذه: فاعل، کیفیة: مفعول به، جیداً: مفعول مطلق / (۱) هذین: مفعول به، قراءة: مفعول به ثانی / (۲) ی (أعطنی): مفعول به، سچیة: مفعول ثانی / (۳) تلمیذات: مفعول به، جوائز: مفعول به ثانی

۸۱- گزینهی (۳) «سالمأ» خبر «أکون» و دائماً، مفعول فیه است. اما در سایر گزینه‌ها مفعول مطلق عبارت است از: حمداً، اعتذراً، جلوس

۸۲- گزینهی (۱) «زنان مؤمن چون مشتاقان پروردگارشان را می‌خوانند.»، جای خالی عبارت با توجه به گزینه‌ها نیاز به فعل و مفعول مطلق دارد و مفعول مطلق (نوعی) مصدر فعلی است که در جمله به‌کار رفته و پس از آن یا صفت و یا مضاف الیه می‌آید و چون مصدر فعل به‌صورت مضاف به‌کار رفته است و مضاف تنوین نمی‌گیرد.

۸۳- گزینهی (۳) «هنگام طلوع آفتاب به مسجد رفتم.»، «عند» زمان رفتن به مسجد را معین می‌کند، لذا مفعول فیه برای زمان

۹۴- گزینه‌ی (۲) اشتباهات سایر گزینه‌ها عبارتی از: (۱) با تجهیزات («وجود» در ترجمه‌ی فارسی لحاظ نشده، بیش‌تر غواصان («اکثر» قید (مفعول مطلق) برای مفعول «یغوصا» است نه مضاف برای غواصان) / (۳) امروزه (در جمله‌ی عربی وجود ندارد، بسیار (اکثر: بیش‌تر، اسم تفضیل)، دریا (البحار، جمع است نه مفرد) / (۴) شناگران (الغواصین: غواصان)، دریا (توضیحات گزینه‌ی (۳)

۹۵- گزینه‌ی (۲) الیوم: عطف بیان و منصوب بالتبعية «هذا» که مفعول به است. اما در سه گزینه‌ی دیگر «لیلاً لحظه، یوم» مفعول فیه هستند.

۹۶- گزینه‌ی (۳) آیام: فاعل (ایام امتحان فرا رسید) اما در گزینه‌های دیگر «دائماً، متی، اذا» مفعول فیه می‌باشند.

۹۷- گزینه‌ی (۴) اشتباهات سایر گزینه‌ها عبارتند از: (۱) قد (زائد است)، المجهول: ناشناخته (ناشناخته‌هایی: جمع و نکره)، المعدة (تجهیزات: المعدّات: جمع) / (۲) استطاع (ماضی، می‌تواند: مضارع، یستطیع، المعدّة (توضیحات گزینه‌ی (۱)، علوم (جمع) / (۳) استطاع (توضیحات گزینه‌ی (۲)، اکتشف (ماضی است، یزداد (زید می‌شود)

۹۸- گزینه‌ی (۱) اشتباهات سایر گزینه‌ها عبارتند از: (۲) فیزیک (الفیزیائین: فیزیک‌دانان)، احتیاج زندگی بشر را (ترجمه‌ی دقیق عبارت عربی نیست) / (۳) موضوعات مختلف (موضوعات مختلفة: نکره)، مورد نیاز بوده است (تحتاج إليها: به آن‌ها نیاز دارد).

۹۹- گزینه‌ی (۲) «حین» ظرف زمان است. در سایر گزینه‌ها: (۱) «اللیل» مفعول به است و «النهار» معطوف آن / (۴) یوم به ترتیب، اسم و خبر إنّ می‌باشد.

۱۰۰- گزینه‌ی (۲) حاسب: فعل امر باب مفاعلة / نفّس: مفعول و منصوب / قیل: ظرف و منصوب / أن: حرف ناصب فعل مضارع / تُحاسب: مضارع منصوب و مجهول / یوم: ظرف و منصوب / القيامة: مضاف الیه و مجرور

۱۰۱- گزینه‌ی (۱) قرب، مفعول فیه للمکان و منصوب. اما در گزینه‌های دیگر: («یوم»: فاعل، «الیوم»: مضاف الیه، «غد»: مجرور بحرف البحر، «الأحیان»: مضاف الیه).

۱۰۲- گزینه‌ی (۲) «الشکر» مبتداً مؤخر. اما در گزینه‌های دیگر: «سبحان، کثیراً، شکر» همگی مفعول مطلق هستند.

۱۰۳- گزینه‌ی (۲) در گزینه‌ی (۱) «العلماء الفیزیائی» ← موصوف و صفت از نظر تعداد با هم مطابقت ندارند (العلماء الفیزیائیون)، «استنتج» باید جمع باشد (قد استنتجوا)، أن قریناً لکل جسم ← باید خبر بر مبتداً مقدم شود (لکل جسم قریناً) / گزینه‌ی (۳) کأن قد استنتجوا (نتیجه گرفته بودند) / گزینه‌ی (۴) کأن یستنتجوا («ن» فعل بی‌دلیل افتاده است و ماضی استمراری می‌باشد).

۱۰۴- گزینه‌ی (۳) قام (در این جا یعنی: پرداختند، اقدام کردند)، اباحت (پژوهش‌ها، تحقیقات)

۱۰۵- گزینه‌ی (۱) «عند» مفعول فیه للمکان و منصوب، اما در گزینه‌های دیگر: «یوم»: ← مفعول به برای نکره، «آیام»: مفعول به برای أخاف، «تحت»: مجرور بحرف «من» است.

۱۰۶- گزینه‌ی (۴) «آیام» ظرف یا مفعول فیه للزمان است. اما «مع» و «خلف» للمکان است و «آیام» در گزینه‌ی (۳) اسم «إن» است.

منصوب است که مطابق قید زمان در زبان فارسی است. ۱) «دانش‌آموزان در امتحانات امسال قبول شدند»، «هذه»: مضاف الیه / ۲) «یک هفته‌ی کامل را در سفر گذراندیم»، «أسبوعاً» مفعول به / ۴) «روز عید نزدیک شد و ما خوشحال بودیم»، «یوم»: فاعل

۸۴- گزینه‌ی (۲) ۱) مشتق و اسم تفضیل (ص: جامد)، ممنوع من الصرف (ص: منصرف) / ۳) للغائبین (ص: للمخاطبین)، معتل و أجوف (ص: صحیح - مادته ح س ب) / ۴) مفعول فیه للمکان (ص: مفعول فیه للزمان) منصوب تقدیراً (ص: منصوب لفظاً)

۸۵- گزینه‌ی (۴) «جشن بزرگی را به مناسبت دهه‌ی فجر مشاهده کردم.» با توجه به مفهوم عبارت، «احتفالاً» مفعول به است و «عظیماً» نعت است برای آن، بنابراین هیچ مفعول مطلق در این عبارت وجود ندارد، اما در سه گزینه‌ی دیگر «کثیراً» مفعول مطلق نوعی (یا صفت برای مفعول مطلق) برای فعل «یشبه»، «قفزة» مفعول مطلق نوعی، «حمداً»: مفعول مطلق است به نیابت از فعل خود.

۸۶- گزینه‌ی (۴) (بخیل در دنیا با سختی زندگی می‌کند)، «یعیش»: فعل لازم / ۱) (ما در مقابل حمله‌ی دشمنان می‌ایستیم)، «أمام»: مفعول فیه / ۲) (هرگز شجاعت جوانان را در جنگ فراموش نخواهیم کرد)، «شجاعة»: مفعول به / ۳) (قطعا آرزوهایمان تحقق پیدا خواهد کرد)، «تحققاً»: مفعول مطلق تاکید

۸۷- گزینه‌ی (۴) مفعول مطلق برای نوع، مصدری است منصوب که پس از فعل می‌آید اما علت خطا بودن در این گزینه‌ها این است که «ناظر» مصدر نیست و اسم فاعل می‌باشد.

۸۸- گزینه‌ی (۱) ۲) یجازی (ص: «یجازی»، فعل مضارع مرفوع تقدیراً)، نعمل (ص: «نعمل»، مضارع مجزوم، جواب شرط) / ۳) نعمل (توضیحات گزینه‌ی (۲) / ۲- صالحة: (ص: «صالحة»، علتی برای حذف تنوین نیست) / ۴) إنّ (ص: «إن»، حرف شرط)، نعلم (ص: «نعلم»، فعل شرط، مضارع مجزوم، یجازی (توضیحات گزینه‌ی (۲)

۸۹- گزینه‌ی (۲) «الیوم» مضاف الیه است. اما در گزینه‌های دیگر «بعد، عند، متی» همگی به ترتیب مفعول فیه للزمان، للمکان، للزمان هستند.

۹۰- گزینه‌ی (۲) کلمه‌ای که مفعول فیه واقع می‌شود نباید نقش دیگری بگیرد «شهرأ» تمیز، «اسبوع»: مضاف الیه، «آیام»: مضاف الیه. در گزینه‌های دیگر به ترتیب «عند، یوم، لیالی و صباح» مفعول فیه هستند.

۹۱- گزینه‌ی (۳) (بعد از این که استاد وارد شد، داخل کلاس شدم)، بعد: مفعول فیه للزمان / ۱) (آن خانه‌ای که بعد از خیابان است آن خانه‌ی ماست!)، بعد: مفعول فیه للمکان / ۲) (کسی که در پشت تو در هنگام صبح نشسته بود برادر من است!)، خلف: مفعول فیه للمکان / ۴) از همشاگردی‌هایم خواستم که در پشت سر کلاس منتظر بمانند)، خلف: مفعول فیه للمکان

۹۲- گزینه‌ی (۴) تستریخ (استراحت می‌کنی، فعل مضارع مخاطب)، و (در حالی که - حالیه است)، تقوم (می‌پردازی، انجام می‌دهی) - أعمالک الکثیرة (کارهای بسیاری)، مَع (با، همراه)، واجباتک الدراسیة (تکالیف درسی‌ات).

۹۳- گزینه‌ی (۴) در این عبارت «أین» ظرف و محلاً منصوب است. اما در سایر گزینه‌ها: ۱) فی الصباح: جار و مجرور / ۲) آیام: اسم لیّت و منصوب / ۳) لحظه: نائب فاعل



جنس و ریشه‌ی فعل جمله (ثَوَكَّدَ) می‌باشد که نوع انجام فعل را بیان کرده است. بنابراین مفعول مطلق نوعی می‌باشد.

۱۲۴- گزینه‌ی (۱) در گزینه‌ی (۱)، اسم‌های منصوب عبارتند از: «الله» مفعول به و منصوب، «رسول» معطوف به مفعول و منصوب، «فوزاً» مفعول مطلق و «عظيماً» صفت و منصوب. پس در گزینه‌ی (۱) ظرف وجود ندارد. در گزینه‌های (۲)، (۳) و (۴) به ترتیب «قبل»، «غداً و یوم» ظرف می‌باشند.

۱۲۵- گزینه‌ی (۴) توجه به مفرد و جمع بودن کلماتی که در جمله به کار رفته است. تشریح گزینه‌های نادرست: گزینه‌ی (۱)، «يَنَالُونَ: می‌رسند» در صورتی که ماضی معنی شده است، «نَفَرَحُ» یعنی شاد می‌شویم. / گزینه‌ی (۲)، «غاية» به شکل جمع «نتایج» معنی شده است. / گزینه‌ی (۳) «غاية» به صورت جمع «اهداف» معنی شده و «نجاح» به صورت جمع «موفقیت‌ها» معنی شده است.

۱۲۶- گزینه‌ی (۱) مفهوم صورت تست: کدام گزینه در جای خالی قرار گیرد، در عبارت مورد نظر مفعول فیه نخواهیم داشت. (منظور، کلمه‌ی «شهر» به معنای «ماه» است.) - معنی گزینه‌ها: (۱) دوست می‌دارند (۲) موفق می‌شوند (۳) کوشش می‌کنند (۴) روزه می‌گیرند. گزینه‌های (۲) و (۳) و (۴)، فعل لازم هستند اگر در جای خالی، قرار گیرند کلمه‌ی «المسلمون» نقش فاعل خواهد داشت و کلمه‌ی «شهر»، نقش مفعول فیه خواهد گرفت. گزینه‌ی (۱) فعل متعدی است. اگر در جای خالی قرار گیرد «المسلمون» نقش فاعل خواهد داشت و کلمه‌ی «شهر» نقش مفعول خواهد گرفت.

توجه: اگر کلمه‌ای که می‌خواهیم آن را مفعول فیه بگیریم، در جایگاه نقش‌های دیگر، قرار گیرد، دیگر نمی‌توانیم آن را مفعول فیه بگیریم چرا که نقش‌های دیگر، اولویت دارند.

۱۲۷- گزینه‌ی (۱) معادل صحیح کلمات عبارت است از: هنگامی‌که: «لَمَّا»، کودکان بازی می‌کردند: «كَانَ الْأَطْفَالُ يَلْعَبُونَ»، به آنان: «لَهُمْ» و لبخند زد: «ابْتَسَمَ». ابتسامه مفعول مطلق نوعی است در کنار ترجمه‌ی مفعول مطلق نوعی «چون، مثل، مانند، ...» می‌آید.

۱۲۸- گزینه‌ی (۴) معادل صحیح کلمات سؤال عبارتند از: «قَدْ حَدَّثَنَا»: با ما سخن گفته است، «ظاهرة»: پدیده، «لَمْ يُكْتَشَفْ»: کشف نگردید، «إِلَّا»: مگر، جز، «فِي الْقَرْنِ الْأَخِيرِ»: در قرن اخیر، «لَمْ يُكْتَشَفْ» ألا...: تنها در قرن اخیر کشف گردیده است، زیرا می‌توان مستثنای مفرغ را به صورت مثبت و همراه با «فقط» ترجمه نمود.

۱۲۹- گزینه‌ی (۳) زیرا «أَكْثَرُ» در گزینه‌ی (۱) مبتدا و در گزینه‌ی (۲) مجرور بحرف جر و در گزینه‌ی (۴) خبر است.

۱۳۰- گزینه‌ی (۲) زیرا «حَقّاً» در این گزینه مفعول به است.

۱۳۱- گزینه‌ی (۳) زیرا «فوزاً» مصدر منصوب فعل به کار رفته (فاز) در جمله بوده، که همراه با صفت (عظيماً) آمده است بنابراین مفعول مطلق نوعی است و نوع انجام فعل را بیان می‌کند.

۱۳۲- گزینه‌ی (۲) زیرا مصدر به کار رفته (شکر) از جنس فعل جمله است در صورتی که در سایر گزینه‌ها (۱)، (۳) و (۴) کلمه‌ی شکر به ترتیب اسم آن، خبر کان و خبر کان است.

۱۰۷- گزینه‌ی (۴) در سایر گزینه‌ها مفعول فیه عبارت است از: «لَحْظَةً، أَوَّلًا و جَانِبًا»

۱۰۸- گزینه‌ی (۴) «عند» در گزینه‌ی (۴) معنی «هنگام» می‌دهد و ظرف زمان است. «عندی، عند المكتبة و عندنا» همگی به مکان اشاره دارند.

۱۰۹- گزینه‌ی (۴) «يُرَبِّي» باید مؤنث باشد (ص: «تُرَبِّي»)، «بنتان» مثنی بوده و مثنی در هنگام نصب باید «ین» بگیرد که «ن» آن هم به دلیل مضاف واقع شدن حذف می‌شود (ص: «بَنْتَهَا») و موصول بعد از آن هم باید مثنی باشد (ص: «اللَّتَيْنِ»).

۱۱۰- گزینه‌ی (۲) بیان فعل به وسیله‌ی مفعول مطلق صورت می‌گیرد. در گزینه‌ی (۲) مفعول مطلق وجود ندارد و در سایر گزینه‌ها به ترتیب «کثیراً»، «إِكْمالاً» و «خَلْقَةً» مفعول مطلق هستند.

۱۱۱- گزینه‌ی (۳) اشتباهات سایر گزینه‌ها: (۱) آتی: آورد (ص: «قَدْ آتَى»)، لَمْ تَطْمَئِنَّ: مطمئن نشد (ص: «لَا يَطْمَئِنُّ»)، مَعَ الْعِلْمِ: با علم (ص: «عَنْ طَرِيقِ الْعِلْمِ» / ۲) این گزینه به طور کلی غلط است. / ۳) یوتی: می‌دهد (ص: «قَدْ آتَى»)، أَنْ لَا يَطْمَئِنُّ (که اطمینان نیابد)

۱۱۲- گزینه‌ی (۲) برای رفع شک و تردید در انجام فعل یک جمله، از مفعول مطلق تأکیدی استفاده می‌شود. / در گزینه‌ی (۲) مفعول مطلق تأکیدی وجود دارد. / در گزینه‌ی (۴) مفعول مطلق نوعی است.

۱۱۳- گزینه‌ی (۲) غُصٌّ (فرورو، غوطه‌ور شو)، تَخَلَّصٌ (خلاص شوی) **۱۱۴- گزینه‌ی (۱)** سه گزینه دیگر: «هناك، حول و عند» مفعول فیه للمكان، و «لَمَّا»، مفعول فیه للزمان هستند.

۱۱۵- گزینه‌ی (۱) «یوم» مفعول فیه للزمان است، اما در سه گزینه دیگر «فوق و نحو» مفعول فیه للمكان هستند.

۱۱۶- گزینه‌ی (۳) «عند»: ظرف او مفعول فیه للزمان و منصوب (۱) یوم: فاعل / ۲) کل: مفعول به / ۴) من تحت: جار و مجرور

۱۱۷- گزینه‌ی (۳) صباح: مفعول فیه و ظرف زمان و منصوب، احد و الایام: مضاف الیه و مجرور / ۱) هناك: ظرف او مفعول فیه للمكان و شبه جمله‌ی خبر مقدم، تحت: مفعول فیه للمكان / ۲) ليله: مفعول به لفعل «قضى: گذراند، متعد / ۴) یوم: فاعل برای فعل «اقترب»:

نزدیک شد، الجمعة: مضاف الیه و مجرور

۱۱۸- گزینه‌ی (۱) اجتهداً (ص: «اجتهاد»: مضاف تنوین نمی‌گیرد.)

۱۱۹- گزینه‌ی (۱) «کثیراً» در گزینه‌ی (۱) صفت برای مفعول مطلق «ذکر» است.

۱۲۰- گزینه‌ی (۲) (حقاً) / ۱) هداية: مفعول له / ۳) مخضرة: مفعول به ثان ل «جعل» / ۴) کلاماً: تمیز

۱۲۱- گزینه‌ی (۲) قبل: مفعول فیه و منصوب / ۱) الایام: اسم «کانت» و مرفوع، قریبه: خبر «کانت» و منصوب / ۳) اللیل: مفعول به و منصوب، النهار: معطوف بالتبعية / ۴) السنوات: مجرور بحرف «فی»

۱۲۲- گزینه‌ی (۳) در گزینه‌ی (۳) «لَمْ يَقْتَصِرْ»: کفایت نکرد، صحیح است، کفایت نمی‌کند: «لَا يَقْتَصِرُ» می‌باشد. در گزینه‌ی (۱) «جَعَلَ» دو مفعولی می‌باشد. در گزینه‌ی (۲) (كان + فعل مضارع)

ماضی استمراری می‌سازد.

۱۲۳- گزینه‌ی (۳) «تأکیداً» در گزینه‌ی (۳) مصدر منصوب از

توجه: «يقوم» در گزینه‌ی (۱) و (۴) ماضی و در گزینه‌ی (۳) به صورت آینده ترجمه شده‌اند.

۱۴۲- گزینه‌ی (۴) «کراهه»، مصدر نکره، مفعول مطلق تأکیدی است. «نعماً»، مفعول به فرحاً و «خسارة»، مفعول مطلق نوعی هستند.

۱۴۳- گزینه‌ی (۲) «أُمِّي»: بی سواد، «بَيْتَةُ أُمِّيَّةٍ»: یک محیط بی سوادی

۱۳۳- گزینه‌ی (۲) زیرا در سایر گزینه‌ها «قُرْب، ثلاثة، مع و أكثر» مفعول فیه و منصوب می‌باشند، در صورتی که «یوم» در گزینه‌ی (۲) به ترتیب مبتدا و خبر است.

۱۳۴- گزینه‌ی (۳) زیرا معادل صحیح کلمات عبارت مذکور چنین است: «عُذِبَ» فعل مجهول و به معنی شکنجه شد، «ذلک الرجل»: آن مرد، «المؤمن»: پایمان، مؤمن، «بواسطة»: به واسطه، توسط، «العدو»: دشمن، «تعذیباً لم تُشاهد أحدًا مثله قبل ذلک»: به گونه‌ای که ندیده بودیم کسی را مانند او قبل از آن، زیرا هرگاه بعد از مفعول مطلق جمله‌ی وصفیه بیاید، تنها به ترجمه‌ی جمله‌ی وصفیه اکتفا می‌کنیم و مفعول مطلق را با کلماتی مانند «به گونه‌ی، مانند و یا آن چنان که» ترجمه می‌کنیم. از آنجایی که فعل جمله‌ی اصلی (عُذِبَ) ماضی می‌باشد، فعل جمله‌ی وصفیه (لم تُشاهد) به صورت ماضی بعید ترجمه می‌شود.

۱۳۵- گزینه‌ی (۱) معادل صحیح کلمات سؤال عبارت است از: «اعملوا»: عمل کنید، «مَن»: کسی که، «یعلم»: می‌داند و «أَنَّ»: که و «مُجازی»: پاداش دهنده، به صورت فعل «پاداش می‌دهد» نیز ترجمه می‌شود و «إساءته»: بدی او و «إحسانه»: خوبی او.

۱۳۶- گزینه‌ی (۳) در گزینه‌ی (۳) «نظرة» به تنهایی معنی یک جمله می‌دهد «به این کتاب‌های مفید نگاه کنید» یعنی «مفعول مطلق تأکیدی جانشین فعل» می‌باشد.

۱۳۷- گزینه‌ی (۱) رنگ‌ها پنهان می‌شوند: تختفی الألوان، در اعماق دریا: فی أعماق البحر، یکی پس از دیگری: واحداً فواحداً و در این هنگام: وحينئذ، تاریکی به وجود می‌آید: تتكون الظلمة.

۱۳۸- گزینه‌ی (۳) مفعول مطلق تأکیدی از جنس فعل جمله و مصدر از باب همان فعل و به صورت نکره و جامد است پس برای «یستغفر» و «یرجع» مصدرهای مناسب، «إستغفاراً» و «رجوعاً» می‌باشد.

۱۳۹- گزینه‌ی (۳) قرآن برهان‌ها و دلایل متنوع را برای آن‌که همه‌ی گروه‌های مختلف را شامل شود به کار گرفته است. نزدیک‌ترین گزینه به مفهوم این جمله کدام است؟

(۱) همانا این قرآن به راهی هدایت می‌کند که استوارتر است.
(۲) روز حساب به مردم نزدیک شده درحالی که آن‌ها در بی‌خبری روی گردان هستند.

(۳) در این قرآن برای مردم از هر مثلی استفاده کرده‌ایم.
(۴) همانا انسان در خسران است مگر کسانی که ایمان آورده‌اند و عمل صالح انجام داده‌اند.

۱۴۰- گزینه‌ی (۲) در گزینه‌ی (۱) «إِطْمَئِنَّا كَامِلًا» / در گزینه‌ی (۳) «مَسَاعِدَةٌ لِاتِّتَهَى» / در گزینه‌ی (۴) «جُلُوسُ الْمُتَوَاضِعِ» / مفعول مطلق نوعی هستند. (کاملاً: صفت / لاتتتهی: جمله‌ی وصفیه / المتواضع: مضاف الیه)

۱۴۱- گزینه‌ی (۲) هناک کثیرٌ (وجود دارد بسیاری)، من الموضوعات المجهولة (از موضوعات ناشناخته)، فی الطبیعة (در طبیعت)، يقوم العلماء (که اقدام می‌کنند دانشمندان)، بأبحاث علمية مهمة (به بحث‌های علمی مهمی)، لاكتشافها (برای اکتشاف آن‌ها).